

## صدای ممنوعه!

الهه سرور برای زنان افغانستان میخواند

# The Forbidden Voice

Elaha Soroor Sings For The Women of Afghanistan

### Contents:

#### ■ The Voice of Sufferings; A Dialogue with Elaha Soroor, Singer

- In the land where the sun does not shine for women
- Afghanistan Women's Movement for Justice; Fight To The Death
- Paris Will Not Be My Kabul
- A Movement For Equality
- Purple Saturdays movement; Threatened with Rape By The Taliban
- Violence and Prison: Consequences Of Freedom and Prosperity Movement's Protests Against Taliban
- Afghanistan Window of Hope Movement; Advocacy and the bitter end of prison
- Women's Movement in Takhar, Badakhshan and Kunduz; "Afghanistani Women Give up"
- Afghan Women's History Transformation Movement; A throat for Women's Voices
- Afghanistan Powerful Women's Movement; A Struggle To Establish Justice
- The Balkh Women's Movement for Justice; From detention to rape by the Taliban
- Afghan Women's Voice Movement; Fighting through education
- Women's solidarity movement; Fighting for a better future
- Freedom Fanous Movement; protests against the Taliban discriminatory policies

### مطالب:

✿ زبان رنجها؛ گفت و گویی با الهه سرور، آوازخوان و ترانه سرا

- ✿ در سرزمینی که خورشید برای زنان نمی تابد
- ✿ جنبش زنان عدالت خواه؛ مبارزه تا پای جان
- ✿ پاریس کابل من نمی شود
- ✿ جنبشی برای برابری
- ✿ جنبش شنبه های ارغوانی؛ تهدید به تجاوز از سوی طالبان
- ✿ خشونت و زندان؛ پیامد اعتراضات جنبش رفاه و آزادی در برابر طالبان
- ✿ جنبش پنجره های امید افغانستان؛ دادخواهی و عاقبت تلخ زندان
- ✿ جنبش زنان در تخار، بدخشان و کندز؛ زنان افغانستانی تسلیم ناپذیر و انزوانا پذیر هستند
- ✿ جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان؛ گلویی برای صدای زنان
- ✿ جنبش زنان مقتدر افغانستان؛ مبارزه تا برپایی عدالت
- ✿ جنبش زنان عدالت خواه بلخ؛ از بازداشت تا تجاوز جنسی توسط طالبان
- ✿ جنبش صدای زنان افغانستان؛ مبارزه از راه آموزش
- ✿ جنبش همبستگی زنان؛ مبارزه برای آینده ای بهتر
- ✿ جنبش فانوس آزادی؛ در برابر سیاست حذف

# In the land where the sun does not shine for women

Written by: Khaleq Ebrahimi

We remember Sabrnesa, Sabrgol, Sabrina, Basgol and Besmah and many names of women who carry painful stories with them. These painful stories start from families whose contemporary ignorance has forced them not to have female children. With such names, they ask God that «the girl is enough» and if the child is a boy, then that well-known stereotype will give fruit and become a crutch of old age.

Thus, based on contemporary barbarism and ignorance, which is sometimes protected by blind society and sometimes (like now) by ignorant rulers, many girls were born unintentionally, became young, became beautiful, married unintentionally, became wives and mothers, and without Having ID card, without having a passport, without traveling and seeing other cities and countries, they passed away. They actually entered a previously forbidden life; Let alone that they study, work and earn and have the same right to vote and opinion as men. Just a few years ago, Afghanistan had another tribe called the «unforgotten tribe». That people were women. Those who reaped the fruits of men's war and suffered in the backyards.

During these two decades, when the song of democracy echoed to the most remote villages, at the same time, «women's empowerment projects» also penetrated into every village. If the bread that was baked in the name of women did not reach the rural women, and all the results fattened the bellies of urban project men and women, finally the legacy of democracy became a tazkira (National ID) for remote women with which they could vote; The votes by which corrupt and misogynistic men reached the parliament to arrange stricter laws for women and to be the guardians of the same patriarchal rules and habits that they themselves were victims of it.

Whatever it was, a window was open to women's dreams, and many girls and women flew from that window to their dreams, before the forces of darkness arrived and turned the space into a long night, the house into a prison, and the country into a soldier's Prison.

Women, journalists, political and civil activists should take the calendar and count these thousand endless nights, this painful story of darkness in darkness. The count of how many women went to prison, how many committed suicide out of despair, how many were killed by their husbands, and how many were raped by Taliban fighters in prisons has been lost.

In these three years, our colleagues of the Silk Way continuously tried so that more women could tell their story, their sorrow and suffering, tell the story of these thousand nights without the light of the morning and the sunrise. From banned students to imprisoned girls to isolated medal winning athletes, they

participated in this program and shared their suffering with the readers of the Silk Way Weekly. This time we went to the women who still believe that this long night will finally reach the dawn of freedom. Women who are still standing in the streets of the capital and other big cities of Afghanistan, in the eyes of the dark force and have not given up on their dreams.

The «Bread, Work, and Freedom» movement started from the streets of Kabul and other cities and has not yet died out, although many women were forced to leave the scene of struggle after enduring torture, imprisonment, and forced confessions, and finally were forced to leave the country, and of course, vigilantes from them, by passing through and receiving asylum, they reached bread, work, and freedom; But the bone-burning restrictions were not only removed or reduced, but increased more and more with each passing day.

Finally, the case that is currently on the agenda coincided with the third anniversary of the fall of Afghanistan and the imposition of new restrictions on women. Before this, women were deprived of working, studying, traveling, and wearing makeup and clothes of their choice; But now, restrictions have been imposed on their throats and their voices. On the one hand, women insistently and continuously fight for their rights, on the other hand, the ruling force imposes more restrictions in response to their wishes. In such a situation, the Silk Way Weekly is committed to publishing and broadcasting women's stories, women's voices, and women's wishes, and standing by the country's women.

# درس زمینی که خورشید برای زنان نمی تابد

خالق ابراهیمی

در این سه سال، همکاران جاده‌ی ابراهیم پیوسته تلاش کردند تا زنان بیشتری بتوانند قصه‌ی خود را، اندوه و رنج خود را بیان کنند، داستان این هزار شب بدون روشنی صبحگاهان و طلوع خورشید را بازگو کنند. از دانشجویان ممنوع‌التحصیل گرفته تا دختران زندان رفته تا ورزشکاران مدال‌آور منزوی‌شده، در این برنامه شرکت کردند و رنج خود را با خوانندگان هفته‌نامه جاده‌ی ابراهیم شریک کردند. این بار به سراغ زنانی رفتیم که هنوز باور دارند این شب طولانی بالاخره به بامداد آزادی می‌رسد. زنانی که هنوز در خیابان‌های پایتخت و کلان‌شهرهای دیگر چشم‌درچشم نیروی تاریکی می‌ایستند و دست از آرزوهای خود نکشیده‌اند.

جنبش «نان، کار، آزادی» از خیابان‌های کابل و دیگر شهرها آغاز شد و هنوز از نفس نیفتاده، هرچند که زنان زیادی پس از تحمل شکنجه و زندان و اعترافات اجباری مجبور به ترک صحنه‌ی مبارزه و نهایتاً مجبور به ترک کشور شدند و البته هوشیارانی از آن‌ها، با میانبرزدن از این میان و با دریافت پناهندگی، هم به نان رسیدند، هم به کار و هم به آزادی؛ اما محدودیت‌های استخوان‌سوز نه تنها برداشته و یا کم نشد بلکه با گذشت هر روز بیشتر و بیشتر گردید. نگرانی اعضای جنبش‌های زنان افغانستان نیز این است که مبادا ورق برگردد، زنان و دختران برچی در کف خیابان مبارزه کنند، تاوان بدهند، درد شلاق و باتوم و شوک برقی در زندان‌های طالبان را تحمل کنند اما کسانی دیگر به نمایندگی از آن‌ها در کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی حضور یابند و راه را برای تعامل جهان با نیروی شر هموار کنند. این دست‌بُرد و غارت سیاسی، بعید نیست؛ چرا که بسیار اتفاق افتاده بر نمد دست‌آورد مبارزان اصیل و صادق، دروغ‌گویان فرصت‌طلب چمبر زده‌اند و به خواسته‌های اصیل مبارزان خیانت کرده‌اند.

سخن آخر اینکه، پرونده‌ای که اکنون در دستور کار و نشر است، همزمان شد با سه سالگی سقوط افغانستان و وضع محدودیت‌های جدید بر زنان. قبل از این، زنان از کار، تحصیل، مسافرت و از آرایش و پیرایش و پوشیدن لباس دلخواه خود محروم شدند؛ اما حالا بر گلویشان، بر صدای آن‌ها نیز محدودیت وضع شده است. از یک سوی زنان مصرانه و پیوسته برای حقوق خود مبارزه می‌کنند، از سوی دیگر نیروی حاکم در پاسخ به خواست آنها، محدودیت‌های بیشتر وضع می‌کنند. در چنین وضعی هفته‌نامه جاده‌ی ابراهیم، در نشر و پخش قصه‌های زنان، صدای زنان و خواست زنان خود را متعهد می‌داند و در کنار زنان کشور می‌ایستد.

صبرنسا، صبرگل، صبرینه، بس گل و بس‌ماه و بسیار نام‌های زنان را به یاد می‌آوریم که قصه‌های دردناکی را با خود حمل می‌کنند. این قصه‌های دردناک از خانواده‌هایی شروع می‌شود که جاهلیت معاصر آن‌ها را مجبور کرده است دیگر فرزند دختر نخواهند. آن‌ها با چنین نام‌گذاری‌هایی از خدا می‌خواهند دیگر «دختر بس است» و اگر فرزند می‌دهی پسر باشد، تا آن کلیشه‌ای معروف به بار بنشیند و عصای پیری گردد.

بدین‌گونه، بر مبنای بربریت و جاهلیت معاصر، که گاهی جامعه‌ی کور پاسدار آن است و گاهی (مانند اکنون) حاکمان جاهل، بسیاری از دختران ناخواسته به دنیا آمدند، جوان شدند، زیبا شدند، ناخواسته ازدواج کردند، زن شدند و مادر شدند و بدون داشتن تذکره، بدون داشتن پاسپورت، بدون سفر و دیدن شهر و دیار دیگر از دنیا رفتند. آن‌ها به‌واقع به زندگی‌ای پیشاپیش ممنوع پا گذاشتند؛ چه رسد به اینکه تحصیل کنند، کار کنند و درآمد داشته باشند و برابر مردان، حق رای و نظر داشته باشند. نه دور و نه دیر تا همین چند سال قبل، افغانستان یک قوم دیگر نیز داشت به نام «قوم بی‌تذکره». آن قوم، زنان بود. آن‌ها که حاصل جنگ مردان را در می‌کردند و در پس‌خانه‌ها رنج می‌بردند. این دو دهه‌ای که آواز دهل و سرنای دموکراسی تا دورافتاده‌ترین روستاها طنین انداخت، همزمان با آن «پروژه‌های توانمندسازی زنان» نیز در هر پستویی رخنه کرد. اگر از آن‌ها می‌پرسید که به نام زنان پخته می‌شد برای زنان روستایی چیزی نرسید و تمام حاصل آن شکم مردان و زنان پروژه‌باز شهری را چاق کرد، بالاخره میراث دموکراسی برای زنان دورافتاده یک تذکره شد که با آن بتوانند رای دهند. رای‌های که به‌واسطه‌ی آن مردان فاسد و زن ستیز به پارلمان می‌رسیدند تا قوانین سختگیرانه‌تری برای زنان ترتیب دهند و پاسدار همان قواعد و عادات مردسالارانه‌ای باشند که خود قربانی آن بودند.

هرچه بود، پنجره‌ای به سوی آرزوهای زنان باز بود و دختران و زنان بسیاری از آن پنجره به سمت آرزوهای خود به پرواز درآمدند، پیش از آنکه نیروهای تاریکی از راه برسند و فضا را به یک شب طولانی، خانه را زندان و کشور را به یک زندان سرباز تبدیل کنند. زنان، خبرنگاران، فعالان سیاسی و مدنی تقویم را بردارند و حساب کنند این هزار شب بی‌پایان را، این قصه‌ی دردناک تاریکی در تاریکی را. دیگر حساب اینکه چه تعداد از زنان به زندان رفتند، چه تعداد از ناامیدی خودکشی کردند، چه تعداد از سوی مردانشان کشته شدند و چه تعداد مورد تجاوز جنگجویان طالب در زندان‌ها قرار گرفتند، از دست همه در رفته است.

هر چه بود، پنجره‌ای به سوی آرزوهای زنان باز بود و دختران و زنان بسیاری از آن پنجره به سمت آرزوهای خود به پرواز درآمدند، پیش از آنکه نیروهای تاریکی از راه برسند و فضا را به یک شب طولانی، خانه را زندان و کشور را به یک زندان سرباز تبدیل کنند. زنان، خبرنگاران، فعالان سیاسی و مدنی تقویم را بردارند و حساب کنند این هزار شب بی‌پایان را، این قصه‌ی دردناک تاریکی در تاریکی را. دیگر حساب اینکه چه تعداد از زنان به زندان رفتند، چه تعداد از ناامیدی خودکشی کردند، چه تعداد از سوی مردانشان کشته شدند و چه تعداد مورد تجاوز جنگجویان طالب در زندان‌ها قرار گرفتند، از دست همه در رفته است.

Whatever it was, a window was open to women's dreams, and many girls and women flew from that window to their dreams, before the forces of darkness arrived and turned the space into a long night, the house into a prison, and the country into a soldier's Prison. Women, journalists, political and civil activists should take the calendar and count these thousand endless nights, this painful story of darkness in darkness. The count of how many women went to prison, how many committed suicide out of despair, how many were killed by their husbands, and how many were raped by Taliban fighters in prisons has been lost.



# جنبش زنان عدالت خواه؛ مبارزه تاپای جان Afghanistan Women's Movement for Justice; Fight To The Death



Written by: Hafez

After the fall of Kabul by the Taliban on August 2021, a group of women and girls who did not surrender to the Taliban's policy of suppressing women, formed a movement called the "Afghanistan Women's Movement for Justice." Sabera Akbari, who was a member of the movement's leadership for a while, says that first a WhatsApp group was created among girls, and then the movement's name, slogan and logo were chosen. "Bread, work, and freedom" is the slogan with which protesters in the Afghanistan Women's Movement for Justice took to the streets of Kabul on November 3, 2021. This march, which started from the crossroads of Pashtunistan, was violently suppressed by the Taliban.

Madina Darwazi, Naiera Kohistani, Fariza Akbari, Somia Shirzad, Tamna Rezaei, Tamanna Pariani, Zarmina Pariani, Parvanah Ebrahimkhel and Mursal Ayyar were important members of the Justice-Seeking Women's Movement. Mrs. Akbari says that these protesters were arrested and imprisoned by the Taliban and left the movement after their release. Justice-Seeking Women's Movement has protested against the anti-feminist policy of the Taliban by marching in the street, gathering at home, holding a poetry night, painting walls, wearing men's clothes, hunger strike and holding press conferences.

With the narrowing of the space for protest activities in Afghanistan, the members of the Justice-Seeking Women's Movement are slowly being exiled and refugees to Pakistan and Western countries.

Mrs. Akbari says: "During the protests, most of the members of the Afghanistan Women's Movement for Justice were arrested, beaten, imprisoned and exiled."

Mrs. Akbari and some other members of the movement are exiled to Pakistan. These protesters resume their activities in Pakistan. They hold an election to select the leader of the movement and as a result Akbari is elected as the leader of the movement. Mrs. Akbari says: "On November 31, 2022, we held elections among movement members in the WhatsApp group. I became the leader of this movement with the highest votes; But we wanted to work as a team and formed a leadership committee." According to her, Hoda Khamoush, Shahla Arefi and Soraya Haqyar were in this committee beside her, and later, Rahela Ansari (Rahela Talash) and Fatemeh Etimadi joined them.

In September 2023, Tamna Zaryab Pariani, a former member of the Afghanistan Women's Movement for Justice, went on a hunger strike in Germany. Her request to the international community and the United Nations was to recognize gender apartheid in Afghanistan under the rule of the Taliban. Ms. Pariani also wanted to stop financial aid to the Taliban.

Sabera Akbari and Fatemeh Etimadi, key members of the Afghanistan Women's Movement for Justice, went on a hunger strike in the hot and scorching weather of Islamabad, the capital of Pakistan. Ms. Akbari says: "I went on a hunger strike from September 4th to September 12th, 2023. My health condition was very bad; It means fighting to the death and ultimately I was taken to the hospital."

After staying in Pakistan for a while, Mrs. Akbari evacuated to Canada and she withdrew from being a member of the Afghanistan Women's Movement for Justice. But she says she will continue his human rights activities.

...more on page 4

به جمع شان پیوست.

در سپتامبر ۲۰۲۳، تمنا زریاب پریانی، از اعضای پیشین جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان، در آلمان اعتصاب غذایی کرد. خواست او، از جامعه جهانی و سازمان ملل متحد این بود که آپارتاید جنسیتی در افغانستان زیر حاکمیت طالبان را به رسمیت بشناسند. خانم پریانی، همچنان خواستار توقف کمک‌های مالی به طالبان بود.

صابره اکبری و فاطمه اعتمادی، از اعضای کلیدی جنبش زنان عدالت‌خواه در هوای داغ و سوزان اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان نیز، اعتصاب غذایی کردند. خانم اکبری، می‌گوید: «از چهارم سپتامبر تا ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۳ اعتصاب غذایی کردم. وضعیت صبحام بسیار وخیم شده بود؛ یعنی مبارزه تا پای جان. تا جایی که پام را به شفاخانه کشاند.»

خانم اکبری پس از مدتی ماندن در پاکستان، با خانواده‌اش به کانادا پناهنده می‌شود و از عضویت در جنبش زنان عدالت‌خواه کنار می‌رود؛ اما می‌گوید که به فعالیت‌های حقوق بشری‌اش ادامه می‌دهد.

هرچند که پس از بازداشت معترضان توسط طالبان و فرار شماری از اعضای جنبش، بسیاری از اعضا از جنبش کنار رفته‌اند؛ اما با آن هم، این جنبش به فعالیت‌های اعتراضی‌اش ادامه داده است.

جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان از آغاز شکل‌گیری تا اکنون، ۷۹ برنامه اعتراضی در قالب گردهم‌آیی، برگزاری نشست‌های خبری (حضور)، از مکان‌های سرپشته و نیز از راه دور) و صدور اعلامیه داشته که بیش‌تر آن‌ها در کابل انجام شده است.

نخستین راه‌پیمایی این جنبش که در سه سپتامبر ۲۰۲۱ در چهارراه پشتونستان شهر کابل برگزار شد، از سوی طالبان به خشونت کشیده شد. طالبان با خشم و بعدتر با زور آتش‌نشانی، معترضان را پراکنده و اعتراض را خاموش کردند. در ۱۶ جنوری ۲۰۲۲ نیز، طالبان اعتراض خیابانی اعضای این جنبش را با خشونت سرکوب کردند. معترضان به خاطر قتل زینب عبداللهی - که طالبان در ایست‌بازرسی انجی غرب کابل به او شلیک کرده بودند - به خیابان آمده بودند؛ اما طالبان با استفاده از گاز اشک‌آور معترضان را متفرق کردند.

در اول اکتبر ۲۰۲۲، معترضان در جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان در واکنش به حمله بر مرکز آموزشی کاج، راه‌پیمایی اعتراضی برگزار کردند. این اعتراض نیز، با استفاده از گاز اشک‌آور توسط طالبان سرکوب شد.

در صفحه بعدی

نویسنده: حافظ

پس از سقوط کابل توسط طالبان در تابستان ۱۴۰۰، گروهی از زنان و دختران که سیاست سرکوب زن از سوی طالبان را بر نمی‌تابند، حرکتی زیر نام «جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان» را شکل می‌دهند. صابره اکبری که مدتی عضو رهبری جنبش بود، می‌گوید که نخست یک گروه و تساپ میان دختران ساخته شد و سپس نام جنبش، شعار و لوگوی آن انتخاب شد. «نان، کار، آزادی»، شعاری است که معترضان در جنبش زنان عدالت‌خواه در سوم نوامبر ۲۰۲۱ با آن به خیابان‌های کابل رفتند. این راه‌پیمایی که از چهارراه پشتونستان شروع شد، با خشونت از سوی طالبان سرکوب شد.

مدینه دروازی، نایره کوهستانی، فریضه اکبری، سمیه شیرزاد، تمنا رضایی، تمنا پریانی، زمینه پریانی، پروانه ابراهیم خیل و مرسل عیار، از اعضای مهم جنبش زنان عدالت‌خواه بودند. خانم اکبری، می‌گوید این معترضان توسط طالبان بازداشت و زندانی شده بودند و پس از آزادی، از جنبش کنار رفتند.

جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان، با راه‌پیمایی در خیابان، گردهم‌آیی در خانه، برگزاری شب شعر، دیوارنویسی، پوشیدن لباس مردانه، اعتصاب غذایی و برگزاری نشست‌های خبری، در برابر سیاست زن‌ستیزی طالبان اعتراض کرده است.

با تنگ‌تر شدن فضا برای فعالیت‌های اعتراضی در افغانستان، اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه، آهسته آهسته به پاکستان و کشورهای غربی تبعید و پناهنده می‌شوند.

خانم اکبری، می‌گوید: «در جریان اعتراضات بیش‌تر اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه، بازداشت، لت‌وکوب، زندانی و تبعید شدند.»

خانم اکبری با شماری از اعضای جنبش، به پاکستان تبعید می‌شوند. این معترضان، در پاکستان فعالیت شان را از سر می‌گیرند. آن‌ها، برای گزینش رهبر جنبش، انتخابات برگزار می‌کند و در نتیجه خانم اکبری به عنوان رهبر جنبش انتخاب می‌شود. خانم اکبری می‌گوید: «در ۳۱ نوامبر ۲۰۲۲ در گروه و تساپ انتخابات بین اعضای جنبش برگزار کردیم. من با بالاترین آرا در رهبری این جنبش قرار گرفتم؛ اما خواستیم که تیمی کار کنیم و کمیته رهبری تشکیل دادیم.» به گفته او، در این کمیته در کنار خودش، هدا خموش، شهلا عارفی و ثریا حقیار قرار داشتند و بعدها، راحله انصاری (راحل تلاش) و فاطمه اعتمادی

اعتراض‌های جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان، مانند دیگر اعتراض‌های مدنی در حاکمیت طالبان جایی نداشت و از همین رو، بیش‌تر معترضان با خطر بازداشت، زندانی شدن و شکنجه روبه‌رو بودند. در هفت مارچ ۲۰۲۳، هنگامی که اعضای این جنبش به مناسبت هشت مارچ در شهر نو کابل، راه‌پیمایی اعتراضی برگزار کرده بودند، نیروهای طالبان سه معترض به شمول محبوبه افضلی را با رانجر زیر گرفتند.

The protests of the Afghanistan Women's Movement for Justice, like other civil protests, had no place in the Taliban regime, and therefore, most of the protesters faced the risk of arrest, imprisonment and torture. On the 7th of March 2023, when the members of this movement held a protest march in Share Naw Kabul on the occasion of the 8th of March, the Taliban forces ran over three protestors, including Mahbooba Afzali, with a Ranger.

# جنبش زنان عدالت خواه؛ مبارزه تا پای جان

## Afghanistan Women's Movement for Justice; Fight To The Death

However, after the arrest of protesters by the Taliban and the escape of a number of members of the movement, many members have left the movement; But even so, this movement has continued its protest activities.

From the beginning of its formation until now, the Afghanistan Women's Movement for Justice has had 79 protest programs in the form of gatherings, holding press conferences (in person, from closed places and remotely) and issuing announcements, most of which were held in Kabul.

The first march of this movement, which was held on September 3, 2021 at Pashtunistan Crossroads in Kabul, was turned violent by the Taliban. The Taliban dispersed the protesters with anger and later with the use of fire extinguishers and extinguished the protest. On January 16, 2022, the Taliban violently suppressed the street protest of the members of this movement. The protesters had come to the street because of the murder of Zainab Abdullahi - who was shot by the Taliban at Unchi checkpoint west of Kabul; But the Taliban dispersed the protesters by using tear gas.

On October 1, 2022, protesters in the Afghanistan Women's Movement for Justice held a protest march in response to the attack on the Kaaj educational center. This protest was suppressed by the Taliban using tear gas.

The protests of the Afghanistan Women's Movement for Justice, like other civil protests, had no place in the Taliban regime, and therefore, most of the protesters faced the risk of arrest, imprisonment and torture. On the 7th of March 2023, when the members of this movement held a protest march in Share Naw Kabul on the occasion of the 8th of March, the Taliban forces ran over three protestors, including Mahbooba Afzali, with a Ranger.

Hoda Khomoush, a member of the Af-

ghan Women's Movement For Justice, tells Silk Way that this movement do not have a specific supporter and only through the media and international meetings and protests, they bring their voices to the world community.

On January 23, 2022, a dialogue related to Afghanistan issues was held in Oslo, the capital of Norway. The meeting was attended by Thomas West, the US Special Representative for Afghanistan, representatives of European countries, representatives of Afghan women's protest movements, some Afghan politicians, and Amir Khan Muttaqi, the Taliban's foreign minister. This meeting was held while a number of members of the Afghan Women's Movement for Justice, such as Parwanah Ebrahimkhel, Tamna Zaryab Pariani and her sisters, were in Taliban prison. Hoda Khomoush, who participated in the Oslo meeting as a representative of the female protesters, presented a list of Afghan women's demands in this meeting; But before starting the speech, in a gesture of protest, Khamoush says to the Taliban's foreign minister: "Mr. Muttaqi, you should call Kabul right now so that the imprisoned girls and women are released; Otherwise, I will not speak." Muttaqi picks up the phone and calls the Taliban officials in Kabul.

Members of the Afghanistan Women's Movement for Justice currently communicate with each other through WhatsApp, Signal, Zoom and other relatively safe virtual platforms.

The members of the Afghanistan Women's Movement for Justice, who are fighting against the Taliban with the goal of achieving a society in which justice is established, fighting against the policy of exclusion of others - which women are a part of this others - have endured many difficulties and sufferings in this direction; But they never intended to stop fighting the Taliban and have continued struggles until now.

زندان طالبان به سر می بردند. هدا خموش، که به عنوان نمایندهی معترضان زن در نشست اسلو شرکت داشت، فهرستی از مطالبه‌های زنان افغانستانی را در این نشست مطرح کرد؛ اما پیش از شروع سخنرانی، در یک حرکت اعتراضی، به وزیر خارجه‌ی طالبان می‌گوید: «آقای متقی، شما باید همین حالا به کابل زنگ بزنید تا دختران و زنان در بند آزاد شوند؛ در غیر آن، من صحبت نخواهم کرد.»

متقی تلفن را از جیبش بیرون می‌کند و به مقام‌های طالبان در کابل تماس می‌گیرد. اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان در حال حاضر، از طریق واتس‌آپ، سیگنال، زوم و دیگر پلتفرم‌های نسبتاً امن مجازی با هم ارتباط می‌گیرند.

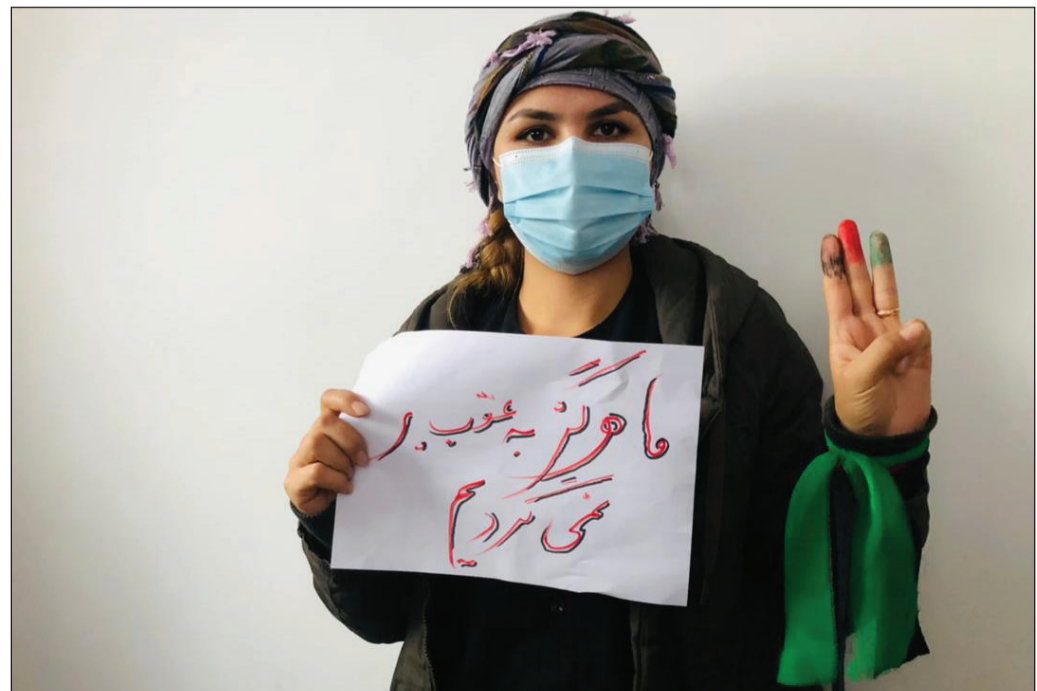
اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان که به هدف رسیدن به جامعه‌ای که در آن عدالت استقرار یافته باشد، به مبارزه در برابر سیاست حذف دیگری - که بخشی از این دیگری زنان استند - در برابر طالبان مبارزه می‌کنند. دشواری‌ها و رنج‌های زیادی را در این راستا متحمل شده؛ اما هرگز قصد پانس کشیدن نداشته و تا اکنون به فعالیت‌های اعتراضی‌اش ادامه داده است.

اعتراض‌های جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان، مانند دیگر اعتراض‌های مدنی در حاکمیت طالبان جایی نداشت و از همین رو، بیش‌تر معترضان با خطر بازداشت، زندانی شدن و شکنجه روبه‌رو بودند. در هفت مارچ ۲۰۲۳، هنگامی که اعضای این جنبش به مناسبت هشت مارچ در شهرنو کابل، راه‌پیمایی اعتراضی برگزار کرده بودند، نیروهای طالبان سه معترض به شمول محبوبه افضلی را با رنجر زیر گرفتند.

هدا خموش، یکی از اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان، به جاده‌ی ابریشم می‌گوید که این جنبش، حامی مشخصی نداشت و تنها از طریق رسانه‌ها و نشست‌های بین‌المللی و اعتراض‌ها، صدای شان را به جامعه‌ی جهانی می‌رساند.

در ۲۳ جنوری ۲۰۲۲، گفت‌وگویی در پیوند به مسائل افغانستان در اسلو، پایتخت ناروی برگزار شد. در این نشست، توماس وست، نماینده‌ی ویژه امریکا برای افغانستان، نمایندگان کشورهای اروپایی، نماینده‌ی جنبش‌های اعتراضی زنان افغانستانی، برخی سیاسی‌های افغانستان و امیرخان متقی، وزیر امور خارجه‌ی طالبان اشتراک داشتند.

این نشست در حالی برگزار می‌شد که شماری از اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان مانند پروانه ابراهیم‌خیل، تمنا زریاب پریانی و خواهرانش در



Parwanah Ebrahimkhel, Tamna Zaryab Pariani and her sisters, were in Taliban prison. Hoda Khomoush, who participated in the Oslo meeting as a representative of the female protesters, presented a list of Afghan women's demands in this meeting; But before starting the speech, in a gesture of protest, Khamoush says to the Taliban's foreign minister: "Mr. Muttaqi, you should call Kabul right now so that the imprisoned girls and women are released; Otherwise, I will not speak." Muttaqi picks up the phone and calls the Taliban officials in Kabul.

# پاریسی کابل من نمی‌شود

## Paris Will Not Be My Kabul

Written by: Hafiz

Fatemah Ahmadi is one of the members of the Afghanistan Women's Movement for Justice. She grew up in Kabul, studied, married and became a mother. She says that all her childhood, teenage and youth memories are in Kabul and Paris will never be Kabul for her.

After the fall of the country and women's street protests, living conditions in Afghanistan became difficult for her and she had to leave the country. She currently lives in Paris, the capital of France.

### Start of protests

After August 15, Fatemah Ahmadi stayed at home like most women. She says that she knew silence and acceptance of the situation means giving up and empowering the Taliban group. She says: "I wanted to do something to defend myself and other women's rights." She decides to look for like-minded people who stand up for her and other women's lost rights.

On October 10, 2021, Ms. Ahmadi participated for the first time in the protest program that was held in Karte Chahar, Kabul. After this program, she thought that she had found her path. She says, "I said to myself, as a human being and a woman, we must continue for our own future and the next generation. They should know that we are against what others decide for us. We want social and political participation in our country, and I could not remain silent in the face of the violation of our most basic human rights."

After that, on October 26, Ms. Ahmadi and other women protesters held a protest march in front of the United Nations office in Wazir Akbar Khan. In that protest, the Taliban attacked the journalists and dispersed them from the area.

More than ten Taliban Ranger vehicles surrounded the protesters and blocked their way. "The Taliban threatened us to turn off our mobile phones and waited until one of their commanders, who had a long beard and wore a black loincloth, came and one of his men read the names of each protester from the list in his hand and He said that the place of good women is at home and the place of bad women is on the street.

The Taliban ordered them to return to their homes with anger and threats and not to try to hold demonstrations against the regime again, otherwise they will be punished.

In that protest, except for a limited number of male journalists who came to prepare a report, no other man stood beside them with his presence on the street. She says: It was incomprehensible to me that the men of my country watched the closing of their sisters' and children's schools and universities and did nothing. How could they look into the eyes of a child who was left out of school and remain silent? The women who were struggling with the feeling of danger within a few steps on the roads needed the support of the same brothers and fathers who preferred silence over litigation and instead of helping us stand up, they condemned us and became accomplices of our enemies. As a woman who has felt this pain with all my being, I complain about the men of my country until they understand this and do not stand up against it.

Of course, Fatemah Ahmadi does not

deny the support of a number of men who supported women and says: "But there were limited men who wrote articles or supported us through their art, media and cyberspace"

The protest movement of protesting women started working spontaneously in a unified group under the title (Women's Political Participation Network). All the members spontaneously came to the street and shouted for justice with the slogan of education, work and freedom, but later there was a difference between the protesting women and many other groups started to operate under different titles.

They chanted the same slogan in different groups and had common goals. Ms. Fatemah Ahmadi has worked with other members of her group in the Afghanistan Women's movement for justice with a common goal for the women of Afghanistan.

Ms. Ahmadi says that the Afghanistan women's movement for Justice with Sabra Akbari and Hoda Khomoush has been a strong and determined movement. She adds that our work started with street protests at the beginning of this movement, and with the imposition of countless restrictions by the Taliban and increasing threats, we continued our protests in closed and secret places in Kabul.

After the Taliban banned protesting in the streets, the members of this movement painted murals on the walls of Kabul and had a prominent presence in the media and social pages. They have not remained silent in Pakistan and Iran, and have executed their plans against the thoughts and orders of the Taliban.

Fatemah Ahmadi says that "I worked with the Afghanistan Women's Movement for justice for nearly three years, but I am not a member of any movement at the moment. But until the girls and women of Afghanistan do not get their human, political and social rights, my struggle will continue and I will stay by their side.

Currently, a large number of protesting women, who until a year or two ago were members of active protest groups and shouted for justice for their fellow citizens in the streets of Kabul, are in exile. Despite being aware of the difficulties of life in Kabul, Mrs. Ahmadi says: "As a woman and a mother, I must say that life in exile and displacement is very painful. In my country, with the restrictions imposed by the hated ruling group, as a woman you cannot leave the house, work, take a taxi and go to the park alone without a close male member of the family escorts you. You do not have the right to choose the color and type of your clothes and it is someone else who should decide for you what to wear, how to wear it and where to go.

It is very difficult to live in exile in a country like Pakistan, where you have to be with a close male member of your family even to rent a place, otherwise you will not be given a house.

It is painful to explain to different people why you are living alone so as not to be judged. The questioning and meaningful looks of these people hurt our psyche every moment. However, the burden of problems and sadness that my contemporaries in Afghanistan bear cannot be compared to the suffering of migration. You have to work, shout for justice and fight against the tyranny of the ruler.

متحد به صورت خودجوش شروع به کار کرد. همه اعضا به صورت خودجوش به خیابان آمده و با شعار تحصیل، کار و آزادی فریاد عدالت‌خواهی سر می‌دادند، اما بعدها میان زنان معترض اختلاف ایجاد شد و گروه‌های متعدد دیگری تحت عناوین متفاوت به فعالیت شروع کردند. آنان در گروه‌های مختلف شعار یکسانی سر می‌دادند و دارای اهداف مشترک بودند. خانم فاطمه احمدی در گروه جنبش زنان عدالتخواه در کنار دیگر اعضای گروهش با هدف مشترک برای زنان افغانستان کار کرده است.

خانم احمدی می‌گوید که جنبش زنان عدالتخواه با داشتن صابره اکبری و هدا خموش یک جنبش مستحکم و با اراده بوده است. او می‌افزاید کار ما در اوایل این جنبش با اعتراضات خیابانی شروع شد و با وضع محدودیت‌های بی‌شمار از جانب طالبان و افزایش تهدیدها اعتراضاتمان را در مکان‌های سر بسته و به صورت پنهانی در کابل ادامه دادیم.

پس از منع اعتراض در خیابان‌ها از جانب طالبان، اعضای این جنبش در دیوارهای کابل دیوارنگاری می‌کردند و در رسانه‌ها و صفحات اجتماعی حضور پررنگ داشته‌اند. آنان در پاکستان و ایران هم سکوت نکرده و برنامه‌هایشان را بر ضد افکار و فرامین طالبانی برگزار کرده‌اند. فاطمه احمدی می‌گوید که «من نزدیک به سه سال با جنبش عدالتخواه کار کردم اما فعلاً عضویت هیچ جنبشی را ندارم. اما تا زمانی که دختران و زنان افغانستان به حقوق انسانی، سیاسی و اجتماعی‌شان دست پیدا نکنند مبارزه‌ی من ادامه خواهد داشت و در کنارشان خواهم ماند».

در حال حاضر تعداد زیادی از زنان معترضی که تا یکی دو سال پیش عضویت گروه‌های فعال اعتراضی را داشتند و در خیابان‌های کابل فریاد عدالت‌خواهی برای هم‌نوعان‌شان را سر می‌دادند، در مهاجرت و تبعید به سر می‌برند. خانم احمدی با وجود آگاهی از دشواری‌های زندگی در کابل می‌گوید: «به عنوان یک زن و یک مادر باید بگویم زندگی در تبعید و آوارگی بسیار رنج‌آور است. در کشور من با محدودیت‌های وضع شده از جانب گروه منفور حاکم، به عنوان یک زن نمی‌توانید بدون محرم از خانه خارج شوید، کار کنید، سوار تاکسی شوید و به تنهایی به پارک بروید. شما حق انتخاب رنگ و نوع لباس خود را ندارید و این دیگری است که باید برای‌تان تصمیم بگیرد که چه بپوشید، چگونه بپوشید و کجا بروید.

سپری کردن تبعید در کشوری مثل پاکستان که آن‌جا هم حتی برای کرایه کردن محل زندگی هم باید محرم به همراه داشته باشید و گرنه به شما خانه داده نمی‌شود، بسیار دشوار است. این که دلیل تنها زندگی کردن خود را برای افراد مختلفی شرح بدهید تا مورد قضاوت قرار نگیرید، درد آور است. نگاه‌های پر از پرسش و معنادار این افراد هر لحظه روان آدمی را می‌آزارد. با این وجود بار مشکلات و اندوهی را که هم‌نسلان من در افغانستان متقبل می‌شوند با رنج مهاجرت قابل مقایسه نیست. باید کار کرد، فریاد عدالت‌خواهی بلند کرد و با استبداد حاکم جنگید».

نویسنده: حافظ

فاطمه احمدی یکی از اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه افغانستان است. او در کابل بزرگ شده، درس خوانده، ازدواج کرده و مادر شده است. می‌گوید تمام خاطرات کودکی، نوجوانی و جوانی‌اش در کابل است و هرگز پاریس برایش کابل نمی‌شود.

پس از سقوط کشور و اعتراضات خیابانی زنان، شرایط زندگی در افغانستان برای او دشوار شد و به ناچار کشور را ترک کرد. او در حال حاضر ساکن پاریس، پایتخت فرانسه است.

شروع اعتراضات

بعد از پانزدهم آگوست فاطمه احمدی مثل اکثر زنان خانه‌نشین شد. او می‌گوید می‌دانسته است که خاموشی و قبول وضعیت پیش آمده به معنای تسلیم شدن و قدرت‌بخشیدن به گروه طالبان است. می‌گوید: «می‌خواستیم کاری بکنیم تا از حق خودم و زنان دیگر دفاع کرده باشم». تصمیم می‌گیرد به دنبال کسانی باشد که هم‌اندیشه‌اش هستند و برای حقوق از دست‌رفته‌ی خود و دیگر زنان ایستادگی می‌کنند.

در دهم اکتبر ۲۰۲۱ خانم احمدی برای اولین بار در برنامه‌ی اعتراضی‌ای که در کارته‌ی چهار کابل برگزار شده بود اشتراک کرد. بعد از این برنامه فکر کرد که مسیرش را یافته است. می‌گوید «با خودم گفتم به عنوان یک انسان و یک زن باید برای آینده‌ی خودمان و نسل بعدی ادامه دهیم. باید بدانند که ما مخالف آنچه دیگران برای‌مان تعیین می‌کنند هستیم. ما خواهان مشارکت اجتماعی و سیاسی در کشورمان هستیم و در مقابل پایمال شدن ابتدایی‌ترین حقوق انسانی‌مان نمی‌توانیم سکوت کنیم».

بعد از آن، در تاریخ ۲۶ اکتبر، خانم احمدی با جمعی دیگر از زنان معترض کابل، در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در وزیر اکبرخان راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند. در آن اعتراض، طالبان به خبرنگاران حمله کرده و آنان را از ساحه متفرق کردند.

بیشتر از ده رنج‌ر طالبان اطراف معترضین را محاصره کرده و راه‌شان را بستند. «طالبان ما را تهدید کردند که موبایل‌های‌مان را خاموش کنیم و منتظر ماندن تا یکی از فرماندهان‌شان که ریش بلندی داشت و لنگی سیاهی بر سر کرده بود، آمد و یکی از افرادش اسامی تک‌تک معترضین را از روی فهرستی که در دست داشت به خوانش گرفت و گفت که جای زنان خوب در خانه و جای زنان بد در خیابان است». طالبان با خشم و تهدید به آنان دستور داده بود که به خانه‌های‌شان برگردند و بار دیگر سعی در برگزاری تظاهرات بر ضد نظام نکنند و گرنه مجازات خواهند شد.

در آن اعتراض به جز تعداد محدودی خبرنگار مرد که برای تهیه گزارش آمده بودند، مرد دیگری با حضورش در خیابان در کنار آنان نایستاد. او می‌گوید: این که مردان سرزمینم موضوع بسته شدن مکاتب و دانشگاه خواران و فرزندان‌شان را تماشا کرده و کاری نمی‌کردند برایم قابل درک نبود. چطور می‌توانستند به چشم فرزندی که از مکتب

باز مانده بود بنگرند و سکوت کنند. زنانی که با احساس خطر در چند قدمی‌شان در جاده‌ها مبارزه می‌کردند نیازمند حمایت همان برادران و پدرانی بودند که سکوت را بر دادخواهی ترجیح دادند و به جای به یاری برخاستن با ما به نکوهش‌مان پرداختند و هم‌دست دشمنان‌مان شدند. به عنوانی زنی که این درد را با همه‌ی وجود حس کرده‌ام از مردان سرزمینم گله دارم تا زمانی که این مهم را درک کرده و در مقابل آن به مقابله برخیزند.

فاطمه احمدی البته حمایت تعدادی از مردان را که از آنان حمایت کرده بود را نیز انکار نمی‌کند و می‌گوید: «ولی بودند محدود مردانی که مقاله‌ها نوشتند یا از طریق هنرشان، رسانه‌ها و فضای مجازی از ما حمایت کردند». حرکت اعتراضی زنان معترض در اوایل شکل‌گیری تحت عنوان (شبکه مشارکت سیاسی زنان) در یک گروه



# جنبشی برای برابری A Movement For Equality

Written by: Adela Azin Nazari

On November 2022, Zarifa Yaqoubi, Masoumah Hossaini, Zainab Rezaei, Ozra Hossaini and a number of other women went to a hotel in Kabul's 18th Dashtbarchi district where they announced the formation of the "Afghanistan Women's Movement for Equality".

The forces of the Taliban terrorist group attack at the end of the meeting announcing the existence of the Afghan women's movement. The forces of this group arrest Zarifa Yaqoubi and three male journalists who participated in this meeting. After handcuffing Ms. Yaqoubi, four female soldiers take her away in a separate car. One of those four soldiers put a black map on Ms. Yaqoubi's head and took her to the Taliban intelligence Agency. After that, she was transferred to the Directorate 40 and was imprisoned for 41 days.

The Afghanistan women's movement for equality, led by Zarifa Yaqoubi, has continuously worked against the anti-women policies of the Taliban. Ms. Yaqoubi, after being released from the Taliban prison, went to Pakistan and from there became a refugee in Canada. When she was in Pakistan, she tried to advocate for women's rights; An effort that also continues in Canada.

Ms. Yaqoubi held many protest programs in Islamabad, the capital of Pakistan, against the denial of women's rights in Afghanistan. On 13 July 2024, with a number of Afghan and Iranian women's rights activists, she went to the Canada Parliament and demanded the formalization of gender apartheid in Afghanistan. Ms. Jolly also emphasized that Canada supports all measures for a full investigation into any type of sexual abuse of Afghan women and girls, including the ongoing investigation by the Office of the Prosecutor of the International Criminal Court into the situation in Afghanistan. She added: "The court's

prosecutor's office has confirmed that the systematic oppression of women and girls in Afghanistan by the Taliban is an example of the crimes defined in the Rome Statute."

In the Rome Statute, which is the basis for the establishment of the International Criminal Court, sexual harassment is considered a crime against humanity.

In the Canadian Parliament, Ms. Yaqoubi revealed the horrific crimes that are being committed against women, Shia and Hazara prisoners in the Taliban prison. In a meeting in the Canadian Parliament, she said: "After the takeover of the barbaric Taliban group, I protested on the Kabul streets for the sake of justice; But I was arrested by this group for three reasons: being a woman, being a Shia, and being a Hazara." Ms. Yaqoubi said in the Canadian Parliament that the Taliban fighters subjected her to mental and physical torture. "The negative effects of those tortures still hurt my soul and I still take medicine to be able to forget those days."

Humiliation and religious insult, pulling her hair, giving electric shocks and kicking, keeping her in the morgue, not allowing her to visit her family, and not having access to health equipment and medicine, are some of the tortures that Ms. Yaqoubi experienced in the Taliban prison. But she adds that while she was in prison, she heard the voices of women begging the Taliban not to take off their clothes and rape them.

In more than three years of Taliban rule over Afghanistan, there have been many reports of Taliban group assault on female prisoners, especially protesters, in the media.

For the first time, the Silk Way Weekly has published the bitter memories of Zarifa Yaqoubi from the Taliban prison on 7 August 2023, in a file called "Strange Exiles". In this case, along with Mrs. Yaqoubi, the memories of other female protesters have also been published.

اقدامها برای تحقیقات کامل در مورد هر نوع آزار و اذیت جنسیتی زنان و دختران افغانستانی حمایت می‌کند که شامل تحقیقات جاری دفتر دادستانی دادگاه بین‌المللی کیفری در مورد وضعیت افغانستان نیز می‌شود. او افزود: «دفتر دادستانی دادگاه، تأیید کرده که ستم سیستماتیک بر زنان و دختران در افغانستان توسط طالبان، مصداق جرایم تعریف‌شده در اساسنامه روم است.»

در اساسنامه رم که مبنای تشکیل دادگاه بین‌المللی کیفری است، آزار و اذیت جنسیتی، جنایت علیه بشریت دانسته شده است. خانم یعقوبی در پارلمان کانادا، از جنایت‌های هولناکی که در زندان گروه طالبان بر زندانیان زن، شیعه و هزاره می‌گذرد نیز، پرده برمی‌دارد. او، در نشست در پارلمان کانادا، می‌گوید: «بعد از آمدن گروه وحشی طالبان، به خاطر حق و عدالت به جاده‌ی کابل دست به اعتراض زدم؛ اما توسط این گروه به سه دلیل بازداشت شدم: زن بودن، شیعه بودن و هزاره بودن.»

خانم یعقوبی، در پارلمان کانادا می‌گوید که جنگجویان طالبان، او را مورد شکنجه‌ی روانی و جسمی قرار داده‌اند. «تأثیرات منفی آن شکنجه‌ها هنوز روحم را می‌آزرد و من برای این که بتوانم دمی آن روزها را از یاد ببرم، هنوز دارم مصرف می‌کنم.» تحقیر و توهین مذهبی، کشیدن موی سر، دادن شوک برقی و زدن با لگد، نگره داشتن در سردخانه، ندادن اجازه‌ی ملاقات با خانواده و دسترسی نداشتن به وسایل بهداشتی و دارو، از شکنجه‌هایی است که خانم یعقوبی در زندان طالبان تجربه کرده است؛ اما او می‌افزاید که هنگام بودن در زندان، صدای زنانی را می‌شنیده که از طالبان خواهش می‌کرده تا لباس آن‌ها را درنیاورند و به آن‌ها تجاوز نکنند. «از دیوار و سقف آن جا صدای زنانی را می‌شنوی که در گریه می‌گویند، مرا شکنجه کنید؛ ولی لباسم را نکشید و تجاوز نکنید.»

در بیش‌تر از سه سال تسلط طالبان بر افغانستان، گزارش‌های زیادی از تجاوز گروهی طالبان بر زندانیان زن به ویژه معترضان، در رسانه‌ها همگانی شده است.

جاده‌ی ابریشم، برای اولین بار خاطره‌های تلخ ظریفه یعقوبی از زندان طالبان را در ۱ سنبله ۱۴۰۲ در پرونده‌ی زیر نام «تبعیدیان غریب» نشر کرده است. در این پرونده، در کنار خانم یعقوبی، خاطره‌های سایر معترضان زن نیز منتشر شده است.

نویسنده: عادلہ آذین نظری

در نوامبر ۲۰۲۲، ظریفه یعقوبی، معصومه حسینی، زینب رضایی، عذرا حسینی و شماری از زنان دیگر، در حوزه‌ی ۱۸ دشت‌برچی کابل، به هتلی می‌روند که در آن جا شکل‌گیری «جنبش زنان افغانستان برای برابری» را اعلام کنند.

نیروهای گروه تروریستی طالبان در پایانی نشست اعلام موجودیت جنبش زنان افغانستان هجوم می‌برند. نیروهای این گروه ظریفه یعقوبی و سه خبرنگار پسر که در این نشست اشتراک کرده بودند را بازداشت می‌کنند. پس از این که خانم یعقوبی را دستبند می‌زنند، چهار سرباز زن در موتر جداگانه او را با خود می‌برند. یکی از آن چهار سرباز، خریطه‌ی سیاهی را بر سر خانم یعقوبی می‌اندازند و او را به ریاست استخبارات کابل می‌برند. پس از آن به ریاست ۴۰ انتقال داده و ۴۱ روز زندان شد.

جنبش زنان افغانستان برای برابری، به رهبری ظریفه یعقوبی، پیوسته به مبارزه‌اش در برابر سیاست‌های زن‌ستیزانه‌ی طالبان ادامه داده است. خانم یعقوبی، پس از آزادی از زندان طالبان، به پاکستان رفت و از آن جا به کانادا پناهنده شد. او، هنگام بودن در پاکستان به دادخواهی از حقوق زنان تلاش کرد؛ تلاشی که در کانادا هم جریان یافت.

خانم یعقوبی، در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، برنامه‌های اعتراضی زیادی در مخالفت با سلب حقوق زنان در افغانستان، برگزار کرد. او، در ۲۴ جوزای ۱۴۰۳ با شماری از فعالان حقوق زن افغانستانی و ایرانی، به پارلمان کانادا رفت و در آن جا خواستار به رسمیت‌شناسی آپارتاید جنسیتی در افغانستان شد. یعقوبی، در این نشست گفت: «خواستم از دولت کانادا این است که به عنوان اولین کشور در راستای به رسمیت‌شناسی آپارتاید جنسیتی در افغانستان پیش‌قدم باشد.» منلی جولی، وزیر امور خارجه‌ی کانادا، در همین نشست گفت که «چشم‌انداز یک زندگی بهتر، از زنان افغانستانی سلب شده است.» او در پاسخ به درخواست فعالان حقوق زنان افغانستانی مبنی بر به رسمیت‌شناسی آپارتاید جنسیتی در افغانستان، گفت: «از پیشنهادهای ریچارد بنت، گزارش‌گر ویژه و تحقیقات دادگاه کیفری در مورد آزار و اذیت جنسیتی زنان افغانستانی توسط طالبان حمایت می‌کنم.»

خانم جولی هم‌چنان تأکید کرد که کانادا، از تمام



# جنبش شنبه‌های ارغوانی؛ تهدید به تجاوز از سوی طالبان

## Purple Saturdays movement; Threatened with Rape By The Taliban



Written by: Adele Azin Nazari  
Translated By Mohammad Sakhi Rezaie

The "Purple Saturdays Movement", one of the most active Afghan women's protest groups against the Taliban, was formed in Kabul after this group's domination of Afghanistan with the slogan "right, justice and freedom". The Purple Saturdays Movement now includes large groups of protesting men and women who believe that the only way out of the current situation, especially for women, vulnerable ethnic groups and religious minorities in Afghanistan, is a targeted struggle with the necessary intellectual and organizational foundations in order to overthrow the Taliban regime and the Taliban thoughts.

Maryam Marouf Arvin, a journalist, human rights activist and one of the founders of the Purple Saturdays Movement, says that she and her 10 friends, including seven women and three men, started this movement to bring about a change in the prevailing situation of the Afghan society. She says: "We formed this movement in Paghman, Kabul, and at the beginning, our activities were more conventional in an official structure." Ms. Arvin says that the name of the movement was chosen because of the fact that Saturdays are associated with new beginnings and purple is the color of hope; That is, the Purple Saturdays Movement is the beginning of a new leap of hope at the height of despair. This movement is one of the most systematic protest movements against the Taliban, which includes the Health and Sports Committee, the Committee for the Support of Ex-Servicemen, the Committee for Art and Culture, the Committee for Planning and Creating National Cohesion, the Umbrella Committee for the Protection of Vulnerable Ethnic Groups and Religious Minorities, and the Committee for Afghan Protesting Journalists and the committee of women in political leadership.

### The Goals of the Movement

According to the members of the Purple Saturdays Movement, this protest group was created to support and defend the rights and freedoms of all sections of the society, especially women, religious minorities and vulnerable groups from the policies of the Taliban group. This movement is trying to plan and create national unity with intellectual coalition under the umbrella of common thought and goals in

order to overthrow the "self-proclaimed government of the Taliban" in Afghanistan. The Purple Saturdays Movement strives to form a regional and global consensus against the Taliban group by defining the Taliban and terrorism as a common enemy for Afghanistan and the world. Another important demand of this movement is the formation of a legitimate, democratic and decentralized system and government as an alternative to the Taliban government in Afghanistan. Ms. Arvin says that the Purple Saturdays Movement considers it its responsibility to fight against national oppression, injustice, ethnic, sectarian, and linguistic prejudices and efforts to ensure social justice and equality among all ethnic groups living in the country. And finally, to raise awareness of the crime against humanity, especially the crime against women and the violation of the human rights of Afghan citizens by the Taliban, it works to clarify the intellectual nature of the Taliban from Sharia, Afghanism and Islamism that the Taliban wants to institutionalize them.

### Member Categories

The Purple Saturdays Movement has been active in 12 provinces and its members are from different social categories. According to Ms. Arvin, educated women, women and girls who left university and school, and women who are illiterate, are members of this movement and fight to achieve their human rights. Currently, this movement is mostly active in Kabul, Balkh, Panjshir and Takhar and has few members in Ghazni, Parwan and Herat provinces.

### How The Purple Saturdays Movement Works

The struggles of the Purple Saturdays Movement are peaceful, civil and political. At the beginning of its activity, this movement held street protests and later, due to the restrictions imposed by the Taliban, it limited its protest programs in closed places. From the beginning of its formation until now, the members of this movement have protested individually and collectively in the form of wall writing, launching hashtags on social pages, writing leaflets, issuing resolutions, publishing reports, articles, issuing calls and appearing in the media. The meeting of the members of this movement is mostly online and the members work individually from their homes and visit each other wearing burqa.

...more on page 8

فکری طالبان از شریعت، افغانیت و اسلامیت مورد نظر این گروه کار می‌کند.

### دسته‌های اعضا

جنبش شنبه‌های ارغوانی، تا اکنون کماکان در ۱۲ ولایت فعالیت‌های دادخواهانه داشته و اعضای آن از دسته‌های مختلف اجتماعی هستند. به گفته‌ی خانم آروین، زنان تحصیل کرده، زنان و دختران بازمانده از دانشگاه و مکتب و زنانی که بی‌سواد هستند، در این جنبش عضویت دارند و برای دستیابی به حقوق مسلم بشری شان، مبارزه می‌کنند. این جنبش در حال حاضر، بیش‌تر در کابل، بلخ، پنجشیر و تخار فعالیت دارد و در غزنی، پروان و هرات نیز اعضای اندکی دارد.

### نحوه‌ی فعالیت

مبارزه‌های جنبش شنبه‌های ارغوانی، مسالمت‌آمیز، مدنی و سیاسی است. این جنبش، در آغاز فعالیت خود، اعتراض‌های خیابانی برگزار می‌کرد و بعدها به دلیل محدودیت‌های وضع شده از سوی طالبان، برنامه‌های اعتراضی خود را در مکان‌های سر بسته محدود کرد. اعضای این جنبش از آغاز شکل‌گیری آن تا اکنون، به گونه‌ی انفرادی و جمعی به شکل دیوارنویسی، راه‌اندازی هشتگ در صفحات اجتماعی، اعلامیه‌نویسی، صدور قطع‌نامه‌ها، نشر گزارش‌ها، مقاله، صدور فراخوان‌ها و حضور در رسانه‌ها اعتراض کرده‌اند. نشست اعضای این جنبش، بیش‌تر آنلاین است و اعضا به گونه‌ی انفرادی از خانه‌های خود فعالیت می‌کنند و با استفاده از چادری به دیدن هم‌دیگر می‌روند.

اعلامیه‌های جنبش شنبه‌های ارغوانی، بیش‌تر در باره‌ی نقض حقوق بشر و حقوق شهروندان افغانستان، سوءاستفاده و زدنی طالبان از کمک‌های انسان‌دوستانه، در مورد سیلاب‌زدگان و فراخوان‌های کمک، در مورد وضعیت زنان در زندان‌های طالبان، وضعیت نظامیان پیشین به ویژه زنان، در مورد زنان ورزشکار در داخل افغانستان، خبرنگاران و وضعیت کودکان بوده است.

### تهدیدها

اعضای جنبش شنبه‌های ارغوانی در این سه سال مبارزه و پایداری، بارها از سوی طالبان از طریق تماس تلفنی و پیامک تهدید شده‌اند. در موردی نیز، خانواده‌های اعضای این جنبش خواستار توقف فعالیت آن شده‌اند.

خانم آروین، می‌گوید که اعضای جنبش شنبه‌های ارغوانی، به تجاوز، گردن‌بریدن و صدور حکم جلب از سوی طالبان تهدید شده‌اند. به گفته‌ی او، تا اکنون، هفت عضو این جنبش از سوی طالبان بازداشت شده‌اند که چهار مورد آن‌ها در پنجشیر رخ داده و معترضان با پادرمیانی بزرگان منطقه، آزاد شده‌اند؛ اما مدیریت این جنبش به دلیل این که به بازداشت‌شدگان آسیبی نرسد، از رسانه‌ای کردن این موضوع خودداری کرده است.

ادامه در صفحه ۸

نویسنده: عادلہ آذین نظری

«جنبش شنبه‌های ارغوانی»، از فعال‌ترین گروه‌های اعتراضی زنان افغانستانی در برابر طالبان، پس از تسلط این گروه بر افغانستان با شعار «حق، عدالت و آزادی» در کابل شکل گرفت. جنبش شنبه‌های ارغوانی، حالا شامل دسته‌های وسیعی از زنان و مردان معترض است که باور دارند، تنها راه برون‌رفت از وضعیت کنونی به ویژه برای زنان، اقوام آسیب‌پذیر و اقلیت‌های مذهبی افغانستان، مبارزه‌ی هدفمند با بن‌مایه‌های لازم فکری و سازمانی در راستای زمین‌گیر کردن رژیم طالبان و افکار طالبانی است. مریم معروف آروین، خبرنگار، فعال حقوق بشر و از بنیادگذاران جنبش شنبه‌های ارغوانی، می‌گوید که با ۱۰ دوستش شامل هفت زن و سه مرد، این جنبش را برای آوردن تغییر در وضعیت حاکم جامعه‌ی افغانستان، فعالیت این جنبش را آغاز کرده‌اند. می‌گوید: «ما این جنبش را در پغمان کابل شکل دادیم و در آغاز، فعالیت‌های ما بیش‌تر به گونه‌ی عرفی در یک ساختار رسمی بود.»

خانم آروین، می‌گوید که اسم جنبش به این دلیل شنبه‌های ارغوانی انتخاب شده که شنبه، تداعی‌کننده‌ی آغاز جدید و ارغوانی، رنگ امید است؛ یعنی جنبش شنبه‌های ارغوانی، آغاز یک جهش جدید از امیدها در اوج ناامیدی است. این جنبش از نظام‌مندترین جنبش‌های اعتراضی در برابر طالبان است که در خود کمیته‌ی صحت و ورزش، کمیته‌ی حمایت از نظامیان پیشین، کمیته‌ی هنر و فرهنگ، کمیته‌ی طرح و ایجاد انسجام ملی، کمیته‌ی چتر حمایتی از اقوام آسیب‌پذیر و اقلیت‌های مذهبی، کمیته‌ی خبرنگاران معترض افغانستان و کمیته‌ی زنان در رهبری سیاسی را دارد.

### اهداف جنبش

به گفته‌ی اعضا جنبش شنبه‌های ارغوانی، این گروه اعتراضی، برای حمایت و دفاع از حقوق و آزادی‌های همه اقشار جامعه به ویژه زنان، اقلیت‌های مذهبی و اقوام آسیب‌پذیر از سیاست‌های گروه طالبان، ایجاد شده است. این جنبش تلاش دارد در راستای طرح و ایجاد انسجام ملی با ائتلاف فکری زیر چتر فکر و اهداف واحد در راستای سرنگونی «حکومت خودخوانده‌ی طالبان» در افغانستان، کار کند. شنبه‌های ارغوانی، به هدف شکل‌گیری اجماع منطقه‌ای و جهانی علیه گروه طالبان، با تعریف طالبان و تروریسم به عنوان دشمن مشترک برای افغانستان و جهان، تلاش می‌کند. خواسته‌ی مهم دیگر این جنبش، همانا شکل‌گیری نظام و حکومت مشروع، دمکراتیک و غیرمتمرکز، به عنوان بدیل حکومت طالبان در افغانستان است. خانم آروین، می‌گوید که جنبش شنبه‌های ارغوانی، مبارزه در برابر ستم ملی، بی‌عدالتی، تبعیضات قومی، سمتی، زبانی و تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی و برابری میان همه اقوام ساکن در کشور را مسئولیت خود می‌داند و در نهایت، برای آگاهی‌دهی از جنایت علیه بشریت به ویژه جنایت علیه زنان و نقض حقوق بشری شهروندان افغانستان توسط طالبان، روشن‌سازی ماهیت

# جنبش شنبه‌های ارغوانی؛ تهدید به تجاوز از سوی طالبان

## Purple Saturdays movement; Threatened with Rape By The Taliban



### Threats

Ms. Arvin says that the members of the Purple Saturdays Movement have been threatened with rape, beheading, and the issuing of arrest warrants by the Taliban. According to him, until now, seven members of this movement have been arrested by the Taliban, four of which happened in Panjshir, and the protesters were released with the mediation of the elders of the region. However, the management of this movement has refused to mediate this issue because of the fact that the detainees will not be harmed. Nasrin Rezaei, a protester who has been working as the deputy of the Purple Mondays Movement since August 17, 2021 and has organized most of the protest programs in Kabul, has also experienced threats from the Taliban. She says that she was receiving messages from the Taliban that told her: "Can you tolerate being raped by continuing these actions [protest]? When you are imprisoned, these things are certain." The Taliban had told her that if she was expelled from Afghanistan, they could threaten her family. In a protest march on the occasion of the one-year anniversary of Taliban rule in Kabul, in which Ms. Nasreen participated, the Taliban, in the first moments of the march, asked the protesters not to continue their protest. But the women continue chanting and marching, and after a few minutes, the Taliban forces stand in front of them and start shooting in the air, which disrupts the march and disperses the protesters. After a few moments, she and 11 other protesting women were arrested by the Taliban and kept in an area near the place of the march. Mrs. Nasreen says that the Taliban forces interrogated them for three hours and during this process, besides insulting them, they threatened them with death.

Darya - alias - another member of the Purple Saturdays Movement, who has been working as the person

responsible for holding protests in Balkh since August 30, 2021, was arrested by the Taliban on 14 November, 2022. On this date, the Taliban, with the documents they had, surrounded her house in one of the northeastern provinces and transferred her and her brother to the police district. They spend five days in the police district of the Taliban, and then they are freed and returned home with the mediation of tribal elders and stay under house arrest. Although the Taliban wants to prevent their protest activities by monitoring the female protesters, these protesters are still trying to fight to declare their presence and achieve their human rights.

### Achievements and Plans

In the last three years, female protesters in Afghanistan have launched extensive protests and other initiatives against the policies of the Taliban, which have had a wide impact on the global and regional levels and have caused no country to recognize the Taliban regime. By chanting the slogan "rights, justice and freedom", the protesters

and especially the Purple Saturdays Movement are not seeking their citizenship and civil rights and freedoms from the Taliban, but they are seeking to secure all the human and Islamic rights and freedoms of Afghan citizens, especially women, and ethnic groups and religious minorities groups vulnerable to the policies of the Taliban. In the beginning, this movement had the largest number of men on its side, and even now, men are standing in the ranks of these women's campaigns and are fighting against Taliban terrorism, regardless of gender. This movement believes that "unless we share the pain, there will certainly not be a shared cure." They fight for social justice and the end of national oppression and the provision of a legitimate, democratic and decentralized system and government, based on the votes of the people of the country; Because they believe that the Taliban are not changeable and flexible. These women are determined to continue their civil struggle until they are alive and to try to preserve it. They say that "Taliban is the common enemy of all of us and

نسرین رضایی، معترضی که از ۱۷ آگست ۲۰۲۱ در نقش معاون جنبش شنبه‌های ارغوانی فعالیت دارد و بیش‌تر برنامه‌های اعتراضی در کابل را سازمان‌دهی کرده نیز، تهدید از سوی طالبان را تجربه کرده است. می‌گوید که از سوی طالبان پیام‌هایی دریافت می‌کرد که به او گفته می‌شد: «آیا شما با ادامه‌دادن این کارها اعتراض، تحمل کرده می‌توانید که به شما تجاوز صورت بگیرد؟ وقتی زندانی شوید، این کارها حتمی است.» طالبان، به او گفته بودند که صورت بیرون شدن از افغانستان، می‌تواند خانواده‌ی او را تهدید کند.

در یک راه‌پیمایی اعتراضی به مناسبت سال‌گرد یک‌سالگی حاکمیت طالبان در کابل که خانم نسرین در آن شرکت کرده بود، طالبان در لحظات نخست راه‌پیمایی، از معترضان می‌خواهند که به اعتراض شان ادامه ندهند؛ اما زنان به شعاردهی و راه‌پیمایی ادامه می‌دهند و پس از چند دقیقه، نیروهای طالبان در برابر آن‌ها می‌ایستند و به شلیک هوایی شروع می‌کنند که به بهم‌خوردن راه‌پیمایی و پراکنده شدن معترضان می‌انجامد. پس از لحظاتی، او و ۱۱ زن معترض دیگر از سوی طالبان، بازداشت شده و در محوطه‌ای در نزدیکی‌های محل برگزاری راه‌پیمایی، نگهداری می‌شوند. خانم نسرین می‌گوید که نیروهای طالبان، سه ساعت از آن‌ها بازجویی کرده و در این جریان، افزون بر توهین، آن‌ها را به مرگ تهدید کرده‌اند.

دریا - نام مستعار - دیگر عضو جنبش شنبه‌های ارغوانی که از ۳۰ آگست ۲۰۲۱ به عنوان مسئول برگزاری اعتراض‌ها در بلخ فعالیت می‌کند، در ۲۴ عقرب، ۱۴۰۱ توسط طالبان بازداشت شد. طالبان در این تاریخ، با مدارکی که داشتند، خانه‌اش را در یکی از ولایت‌های شمال شرقی محاصره کرده و او و برادرش را به حوزه‌ی امنیتی منتقل می‌کنند. آن‌ها پنج روز را در حوزه‌ی امنیتی طالبان به سر می‌برند و سپس با پادرمیانی بزرگان قومی، آزاد و به خانه برمی‌گردند در حبس خانگی می‌مانند.

با این که طالبان با زیر نظر گرفتن معترضان زن، می‌خواهند مانع فعالیت‌های اعتراضی آن‌ها شوند، اما این معترضان همچنان تلاش می‌کنند برای اعلام حضور و دست‌یابی به حقوق انسانی شان، مبارزه کنند.

### دست‌آوردها و برنامه‌ها

در نزدیک به سه سال گذشته، معترضان زن در افغانستان، اعتراض‌ها و فعالیت‌های گسترده‌ای را علیه سیاست‌های طالبان به راه انداختند که در سطح جهانی و منطقه‌ای نیز، بازتاب گسترده‌ای داشته و باعث شده تا هیچ کشوری، حاکمیت این گروه بر افغانستان را به رسمیت نشناسند. معترضان و به گونه‌ی ویژه جنبش شنبه‌های ارغوانی، با سردادن شعار «حق، عدالت و آزادی» دنبال درخواست حقوق و آزادی‌های شهروندی و مدنی شان از طالبان نیستند، بل که برای تأمین همه حقوق و آزادی‌های انسانی و اسلامی شهروندان افغانستان به خصوص زنان، اقوام آسیب‌پذیر از سیاست‌های طالبان و اقلیت‌های مذهبی مبارزه می‌کنند. این جنبش در ابتدا شمار بیش‌تر مردان را کنار خود داشت و اکنون نیز، مردانی در صف مبارزاتی این زنان ایستاده‌اند و فارغ از بحث جنسیت، علیه تروریسم طالبانی مبارزه می‌کنند. این جنبش باور دارد که «تا درد را مشترک نسازیم، قطعا درمان مشترک نخواهد بود.» آن‌ها برای عدالت اجتماعی و ختم ستم ملی و تأمین نظام و حکومت مشروع، دمکراتیک و غیرمتمرکز، مبتنی بر رأی مردم کشور مبارزه می‌کنند؛ زیرا آنان باورمندند که طالبان تغییرپذیر و انعطاف‌پذیر نیستند. این زنان، مصمم استند تا زنده اند به مبارزه‌های مدنی شان ادامه بدهند و برای حفظ آن نیز تلاش کنند. آنان، می‌گویند که «طالبان دشمن مشترک همه ماست و ضرورت مبرم است تا این درد مشترک را به درمان مشترک بدل کنیم.»

پس از بازگشت طالبان به قدرت و رویکرد این گروه در برابر شهروندان، جنبش‌های اعتراضی زیاد در افغانستان و بیرون از این کشور شکل گرفت، تا برای احقاق حقوق اساسی شهروندان به ویژه زنان و اقلیت‌های قومی و مذهبی، مبارزه کنند؛ راه دراز و دشواری که هنوز از سوی جنبش‌های پیموده می‌شود.

it is imperative to turn this common pain into a common cure."

After the return of the Taliban to power and the approach of this group towards the citizens, many protest movements were formed in Afghanistan and outside of this country, to fight for the basic rights of the citizens, especially women and ethnic and religious groups; It is a long and difficult road that the movement still goes on.





# خشونت و زندان؛ پیامدهای اعتراضات جنبش رفاه و آزادی در برابر طالبان

## Violence and Prison; Consequences Of Protests Of Freedom and Prosperity Movement Against Taliban



Adela Azin Nazari  
Translated By Mohammad Sakhi Rezaie

Following the Taliban's domination of Afghanistan and the removal of women from the political and administrative structures of the society, a number of women who previously enjoyed the freedoms of the republic period and had an active presence in the society, could not survive the deprivation of their basic rights and were forced to face the exclusion policy. As a result, women protested; The protests that first started in the street. One of these women, Homaira Farhangyar, was the president of a university in Kabul. After the return of the Taliban to power, she formed a cohesive group with a number of women's rights activists and her friends in the idea of raising women's voices and advocacy activities, which was named the Women's Movement for Prosperity and Freedom.

Mrs. Farhangyar, who was active in women's unity and solidarity movements, women's movement for justice and a number of other women's protest groups, says that she created the Women's Movement for Prosperity and Freedom in 2021 with the aim of expanding protest addresses against the Taliban. The first protest program of the movement was on October 2021 in Kabul in response to the arrest of a girl from the 11th security district of Kabul, who said in a video that she was sexually abused and violently abused by the criminal director of this group in her home during the search and confiscation of weapons.

### Violence and Prison; The Consequences Of Civil Protest Against The Taliban

Women's protest marches have always been violently suppressed since the first weeks of the Taliban's domination of Afghanistan, and many protesters have been injured by the whips and rifle butts of the Taliban forces during the protests, and Ms. Farhangyar is one of these protesters. While attending a protest march next to the Ministry of Women's Affairs, which is now known as the Ministry of Promoting the Virtue and Preventing the Vice, she fell to the ground after the Taliban's aerial shots, which were aimed at dispersing the protesters, and one of the Taliban forces, with full force hits her back with the butt of a gun. When this Taliban force wanted to take Ms. Farhangyar with him, her phone fell to the ground and she lost the ability to get up. The Taliban member, letting go of her hand, stops taking her and goes to the women who are running away from the place. The protesters take Homaira home with the injury that was inflicted on her back from the blows of the gun butt; When her condition worsens, she is transferred to the hospital and remains under the doctor's supervision for a long time. The injury to Ms. Farhangyar's back turned into a lumbar disc and she had to go to Pakistan twice

for treatment. But she has not recovered her health yet.

In order to prove the tyranny of the Taliban and their violent behavior towards women, Ms. Farhangyar has shared her situation with various human rights institutions, including the European Union and the United Nations.

The women's movement for Prosperity and freedom, at first, takes to the streets to hold its protest programs; However, after the intensification of repression and the pursuit and arrest of protesters by the Taliban forces, the members of this movement are forced to leave their homes and flee to the provinces.

Sakinah Rezaei - a pseudonym - one of the female protesters who is a member of the Women's Movement for Prosperity and Freedom, besides the violence of the Taliban, she also has the bitter experience of being in the prison of this group. She participated in marches and gatherings since the beginning of the women's protests, which had not yet formed a movement.

In March of last year, when a women's protest march was held in Dasht e Barchi of Kabul city, which was held with the aim of reopening girls' schools, the Taliban attacked them and eight of them were arrested and taken to the police district. Of these, five protesters were released early; But Ms. Rezaei and two other girls stayed in the Taliban detention center for one day and night. While fasting, Rezaei did not receive any food during her one-day stay in the detention center. The Taliban called her family and the family went to the court along with the Wakil-e-Gozar and the Wakil-e-Mantaqa, and after signing a bond, Mrs. Rezaei was released from detention. The Taliban forced him to confess for not participating in the protests and also recorded a video.

During the day and night that Ms. Rezaei was detained by the Taliban, she suffered a lot of violence from the forces of this group. She says: "They hit me with their fists, they hurt me a lot with electric shocks." Because I was a Hazara, they insulted and humiliated me, and pulled my hair. Every soldier who came would kick me in turn. They were pulling my hair." Ms. Rezaei has been subjected to mental torture in the detention center, she says that "one day and night, a thousand years have passed for me." From the Women's Movement for Prosperity and Freedom, a man named "Sangar" was also arrested during a protest meeting in a closed place and was released after a short stay in prison. According to the members of the movement, the Taliban tortured this young man terribly and asked him for the address of the female protesters' residence. But he refused to reveal it every time he was tortured. According to Ms. Farhangyar, after that, Sangar was not seen during the protests against the Taliban.

...more on page 10

سکینه رضایی - نام مستعار - یکی از معترضان زن که

عضویت جنبش زنان برای رفاه و آزادی را دارد، در کنار خشونت طالبان تجربه تلخ بودن در زندان این گروه را نیز دارد. او، از آغاز اعتراض‌های زنانه که هنوز جنبشی شکل نگرفته بود، در راه‌پیمایی‌های و گردهم‌آیی‌ها سهم می‌گرفت. در مارچ سال گذشته، زمانی که در راه‌پیمایی اعتراضی زنان در دشت‌برچی شهر کابل که به هدف بازگشایی مکتب‌های دخترانه برگزار شده بود، از سوی طالبان به خشونت کشیده شده و هشت تن آن‌ها بازداشت و به حوزه منتقل می‌شود و از این جمع قرار می‌گیرد. از این جمع، پنج معترض زودتر آزاد می‌شود؛ ولی خانم رضایی و دو دختر دیگر، یک شبانه‌روز در بازداشتگاه طالبان می‌مانند. رضایی در حالی که روزه به لب داشت، یک شبانه‌روز ماندن در بازداشتگاه را هیچ غذایی دریافت نمی‌کند. طالبان به خانواده‌اش تماس می‌گیرند و خانواده هم‌راه با وکیل کوچک و وکیل منطقه، راهی حوزه می‌شوند و پس از امضای یک ضمانت‌خط، خانم رضایی از بازداشت رها می‌شود. طالبان از او، برای شرکت نکردن در اعتراض‌ها اقرار اجباری گرفته و ویدیویی نیز، ضبط می‌کنند.

در یک شبانه‌روزی که خانم رضایی در بازداشت طالبان می‌ماند، خشونت‌های زیادی را از سوی نیروهای این گروه متحمل می‌شود. می‌گوید: «با مشت‌ولگد مرا زدند، با شوک برقی مرا خیلی اذیت کردند. به خاطر این که هزاره بودم، بیش‌تر مرا توهین و تحقیر کردند، دشنام دادند و مواهیم را کتند. هر سربازی که می‌آمد، به نوبت خود با لگدمشتم مرا می‌زد. مواهیم را می‌کشیدند.» خانم رضایی از بس در بازداشتگاه زیر شکنجه روانی قرار گرفته، می‌گوید که «یک شبانه‌روز، برایم هزار سال گذشت.»

رضایی می‌گوید که اگر زنی در بند طالبان باشد، رفتار زیادی خشن و خطرناک را تجربه می‌کند و هنگام بازجویی نیز، تنها یک فرد مشخص نیست؛ بل که ۱۰ تا ۱۵ تن دور آن زن حلقه می‌زنند، خنده و تمسخر می‌کنند؛ حتا سمتش تف می‌اندازند. به گفته‌ی او، طالبان زنانی که در برابر سیاست‌زن ستیز این گروه اعتراض می‌کنند را به چشم روسپی می‌بینند. «ما ز فاحشه می‌گفتند.» از جنبش زنان برای رفاه و آزادی، مردی به نام «سنگر» نیز، در جریان یک گردهم‌آیی اعتراضی در مکانی سرپسته، بازداشت شد و پس از چندی ماندن در زندان، آزاد شد. به گفته‌ی اعضای جنبش، طالبان این جوان را زیر شکنجه‌های وحشت‌ناکی گرفته و از او، نشانی محل زندگی معترضان زن را می‌خواست؛ اما او، با هر بار شکنجه از افشای آن خودداری می‌کرد. به گفته‌ی خانم فرهنگ‌یار، سپس سنگر در جریان اعتراض‌ها در برابر طالبان دیده نشد.

جنبش زنان برای رفاه و آزادی پس از تأسیس در ۱۴۰۰ تا اکنون، شش اعتراض خیابانی و ده‌ها اعتراض مدنی در مکان‌های سرپسته برگزار کرده است.

### اعتراض‌های زیر زمینی و دادخواهی با چهره‌های سرشناس نهادهای حقوق بشری

پس از شدت گرفتن سرکوب اعتراض‌های زنان در خیابان، جنبش زنان برای رفاه و آزادی، گردهم‌آیی‌های اعتراضی‌اش را به مکان‌های سرپسته می‌برد و از این طریق نیز، تلاش می‌کند که خواست زنان افغانستانی را به گوش جامعه‌ی جهانی برساند.

ادامه در صفحه ۱۰

نویسنده: عادلہ آذین نظری

به دنبال تسلط طالبان بر افغانستان و حذف زنان از ساختارهای سیاسی و اداری جامعه، شماری از زنان که پیش از این از آزادی‌های دوره‌ی جمهوری بهره‌مند بودند و حضور فعالی در جامعه داشتند، نتوانستند سلب حقوق اساسی شان را دوام بیاورند و لاجرم در برابر سیاست حذف زنان، اعتراض کردند؛ اعتراض‌هایی که نخست از خیابان آغاز شد. یکی از این زنان، حمیرا فرهنگ‌یار، رئیس یکی از دانشگاه در کابل بود. پس از بازگشت طالبان به قدرت، او با شمار از فعالان حقوق زن و دوستانش در اندیشه‌ی بلندکردن صدای زنان و فعالیت‌های دادخواهانه افتاد و رفته رفته، گروهی منسجم را به این منظور تشکیل داد که جنبش زنان برای رفاه و آزادی نام گرفت.

خانم فرهنگ‌یار که در جنبش‌های اتحاد و هم‌بستگی زنان، جنبش زنان عدالت‌خواه و شماری دیگر از گروه‌های اعتراضی زنان فعالیت داشت، می‌گوید که به هدف گسترش نشانی‌های اعتراضی علیه طالبان، جنبش زنان برای رفاه و آزادی را در ۱۴۰۰ ایجاد کرد. نخستین برنامه‌ی اعتراضی جنبش، در عقرب همین سال در کابل در واکنش به بازداشت دختری بود که از حوزه‌ی یازدهم امنیتی شهر کابل، در ویدیویی گرفته بود که از سوی مدیر جنایی این گروه در خانه‌اش هنگام بازرسی و ضبط سلاح، مورد آزار جنسی و خشونت قرار گرفته است.

### خشونت و زندان؛ پیامد اعتراض مدنی در برابر طالبان

راه‌پیمایی‌های اعتراضی زنان از هفته‌های نخست تسلط طالبان بر افغانستان به این سو، همواره با خشونت سرکوب شده و معترضان زیادی در جریان اعتراض‌ها با شلاق و قنداق تفنگ نیروهای طالبان صدمه دیده‌اند که خانم فرهنگ‌یار نیز جزو این معترضان است. او، در حالی که در یک راه‌پیمایی اعتراضی در کنار وزارت امور زنان که اکنون به وزارت امری‌معروف بدل شده، حضور داشت، پس از شلیک‌های هوایی طالبان که به هدف پراکنده کردن معترضان انجام شد، به زمین می‌خورد و یکی از نیروهای طالبان، با تمام شدت با قنداق تفنگ به کمرش می‌کوبد. این نیروی طالبان، وقتی می‌خواست خانم فرهنگ‌یار را با خود ببرد، تلفنش به زمین می‌افتد و توان بلندشدن را از دست می‌دهد. طالب، دست او را رها کرده، از بردنش منصرف می‌شود و سراغ زانی می‌رود که در حال فرار از محل استند.

معترضان، حمیرا را با آسیبی که از ضربه‌های قنداق تفنگ بر کمرش وارد شده بود، به خانه می‌برند؛ وقتی حالش بدتر می‌شود او را به شفاخانه انتقال می‌دهند و مدت‌ها زیر نظر پزشک می‌ماند. آسیبی که به کمر خانم فرهنگ‌یار وارد شده، سپس به دیسک کمر تبدیل شده و برای درمان ناچار می‌شود دو بار به پاکستان برود؛ اما هنوز سلامتی‌اش را باز نیافته است.

خانم فرهنگ‌یار برای اثبات استبداد طالبان و رفتارهای خشونت‌بار آن‌ها با زنان، وضعیتش را با نهادهای مختلف حقوق بشری از جمله اتحادیه‌ی اروپا و سازمان ملل متحد شریک کرده است. جنبش زنان برای رفاه و آزادی، در ابتدا، برای برگزاری برنامه‌های اعتراضی‌اش به خیابان‌ها می‌ریزد؛ اما پس از شدت گرفتن سرکوب و تعقیب و بازداشت معترضان از سوی نیروهای طالبان، اعضای این جنبش ناچار می‌شوند که خانه‌های شان را ترک کرده و به ولایت‌ها متواری شوند.

# جنبش پنجره‌ی امید افغانستان؛ دادخواهی و عاقبت تلخ زندان

## Afghanistan Window of Hope Movement; Advocacy and the bitter end of prison

Adela Azin Nazari

Translated by: Mohammad Sakhi Rezaie

The Window of Hope Movement has been one of the most active protest movements in the past three years. A small group of this movement was created in January 2022, and due to security reasons, its protest plans were not made public until March 2023.

The first protest staged by the Afghanistan Window of Hope Movement was on March 8 and 9, 2023. Women in the "Afghanistan Window of Hope Movement" have come together with a peaceful approach from Ghor, Daykundi, Ghazni, Maidan Wardak, Bamyan, Parwan, Baghlan, Balkh, Takhar, Nangarhar and Kabul. Safia Arefi, Halima Hemti, Nikbakht and Atefeh are among the founders of this movement and there are 12 members in the leadership council of this movement. A small number of men also participate in this membership movement and in holding programs; But they come in front of the camera less often. The window of hope, as its name suggests, has risen from under the rule of tyranny, to "be a aperture in the heart of darkness, oppression and tyranny."

According to Safia Arefi, Afghanistan's Window of Hope Movement was created because of the harmony between human rights activists and because of launching marches, protest programs and other activities in line with the principles of human rights. The most focus of this movement has been on women's education and work. Arefi, in relation to the reason for

the struggle of the Window of Hope movement, says: "Only by achieving the right to education, work, the right to freedom of clothing and respect for human dignity, freedom of speech and opinion, and by observing the declaration of human rights and related conventions, hope will return to people's homes."

### Scope of Protests

The members of the window of Hope Movement started their activities in Kabul and have been mostly concentrated in this city. This movement has organized limited protest programs in the streets of Kabul; However, more than 40 anti-oppression protest programs have been held in closed spaces and they have shouted for the restoration of women's rights against the oppression of Taliban group. Safia Arefi and a number of members of this movement have continued their protests in Pakistan, and similarly, a small number of members of this movement are protesting against the Taliban in closed places in Bamyan. A branch of the Window of Hope Movement has recently been activated in Daykendi and it is set to move even further.

### Struggle Methods

Protesters in Afghanistan's Window of Hope Movement portray the situation of women under the shadow of the Taliban by gathering, chanting, performing shows, reading protest poems, issuing leaflets, recording videos and launching hashtags. ...

...more on Page 11

بغلان، بلخ، تخار، ننگرهار و کابل کنار هم آمده‌اند. صفیه عارفی، حلیمه همتی، نیکبخت و عاطفه، از بنیان‌گذاران این جنبش هستند و در شورای رهبری این جنبش ۱۲ تن عضویت دارد. شمار اندکی از مردان نیز در این جنبش عضویت و در برگزاری برنامه‌ها سهیم دارند؛ اما کم‌تر در مقابل دوربین می‌آیند. پنجره‌ی امید، طوری که از نامش پیداست، از زیر سیطره‌ی استبداد برخاسته، تا «روزنه‌ای باشد در دل سیاهی و ظلم و استبداد».

به گفته‌ی صفیه عارفی، جنبش پنجره‌ی امید افغانستان، به خاطر هم‌آهنگی بین فعالان حقوق بشر و به خاطر راه‌اندازی راه‌پیمایی‌ها... ادامه در صفحه ۱۱

نویسنده: عادلہ آذین نظری

جنبش پنجره‌ی امید، از فعال‌ترین جنبش‌های اعتراضی در سه سال پسین است. گروه کوچکی از این جنبش در جنوری ۲۰۲۲ ایجاد شد و به دلیل‌های امنیتی، برنامه‌های اعتراضی آن، تا مارچ ۲۰۲۳ از نشانی این جنبش همگانی نشد.

نخستین اعتراضی که از نشانی جنبش پنجره‌ی امید افغانستان، نشر شد در هشتم و نهم مارچ ۲۰۲۳ بود. زنان در «جنبش پنجره‌ی امید افغانستان» با رویکرد مسالمت‌آمیز از غور، دایکندی، غزنی، میدان‌وردک، بامیان، پروان،



## خشونت و زندان؛...

# Violence and Prison;...

Since its establishment in 2021, the Women's Movement for Prosperity and Freedom has held six street protests and dozens of civil protests in closed places (Underground protests and lawsuits with famous figures of human rights institutions).

After intensifying the suppression of women's protests in the street, the Women's Movement for Prosperity and Freedom takes its protest gatherings to closed places, and in this way, it tries to bring the wishes of Afghan women to the ears of the international community.

Ms. Farhangyar, along with the fact that she saw the street as a means of achieving her goals, has turned her house into a center and bastion of the fight against the Taliban and invites petitioners and international media reporters to her house, in order to stand against the Taliban and the silence of the world during the execution of the crimes of this group. She, in the role of women's rights activist, along with Julia Parsi and Hamasa, met with the Vice President of the European Union and the Office of the United Nations Assistance Mission for Afghanistan (UNAMA) and discussed the return of women and girls to work and education. They mostly protested about the deprivation of women after they were isolated.

In addition, Ms. Farhangyar has created a tailoring training center for women that helps them learn a profession to generate income. She has created another center for child labor that helps them not to stop learning.

### Fight until the last breath

Ms. Farhangyar believes that in order to reduce the devastating consequences of the restrictions imposed on women by the Taliban, women's rights

activists should give up their interests and work for the people. "I am happy to have the honor of having sacrificed my interests for the interests of the people," she says. Ms. Farhangyar, while she injured and not in good health due to participating in the protest against the Taliban's suppression policy, says that she will continue to fight against the restrictions imposed on women. Because, he has come to believe that women must make sacrifices to obtain their basic rights; Even if this sacrifice ends at the cost of their health and life.

We will fight until the end for Afghan women and the realization of our human rights, and we are never afraid; Because we have to sacrifice ourselves for freedom." Mrs. Farhangyar says; While hundreds of thousands of Afghan girls do not have the opportunity to study, "lawsuit is an integral part of our duty; To raise the voice of women and ourselves. We are with them to realize the dreams of Afghan women and I hope, one day we will open these closed doors and watch the sunrise of freedom."

Despite following the Taliban's policy of suppressing and imprisoning protesters, Homaira Farhangyar wants to stay in Afghanistan, protest against inequalities and be a hand to help the citizens

In the past three years, many women protesters sacrificed their health and lives to restore women's rights and tried to listen to them on the necessity of having the basic rights of citizens while fighting against the Taliban and at the same time being with the people and giving them a sense of the support that the women's Movement for Prosperity and Freedom is also an example of such women.

در مقابل منافع مردم قربانی کرده‌ام.»

خانم فرهنگ‌یار، در حالی که به دلیل اشتراک در اعتراض بر سیاست سرکوب طالبان، صدمه دیده و وضعیت صحتی مناسبی ندارد، می‌گوید که باز هم به مبارزه در برابر محدودیت‌های وضع‌شده بر زنان، ادامه خواهد داد؛ زیرا، او به این باور رسیده که زنان برای به‌دست‌آوردن حقوق اساسی شان بایستی قربانی دهند؛ حتی اگر این قربانی‌دادن به بهای سلامت و زندگی شان تمام شود. «تا آخرین رمق برای زنان افغانستانی و تحقق حقوق انسانی مان مبارزه می‌کنیم و هیچ‌گاه هراس نداریم؛ زیرا ما مجبوریم برای آزادی خود را قربانی کنیم.» خانم فرهنگ‌یار می‌گوید؛ در حالی که صدها هزار دختر افغانستانی فرصت آموزش و تحصیل ندارند، «دادخواهی جزو لاینفک وظیفه‌ی ماست؛ این که صدای زنان و خود را بلند و رساتر کنیم. ما برای تحقق رویاهای زنان افغانستانی در کنار شان هستیم و امیدوارم، روزی این دروازه‌های بسته را باز کنیم و طلوع آفتاب آزادی را به تماشا بنشینیم.» با وجود دنبال‌کردن سیاست سرکوب و زندانی‌کردن معترضان از سوی طالبان، حمیرا فرهنگ‌یار دوست دارد در افغانستان بماند، در برابر نابرابری‌ها اعتراض کرده و دستی برای هم‌یاری با شهروندان باشد.

در سه سال گذشته، معترضان زن زیادی برای بازگرداندن حقوق زنان، از سلامتی و زندگی شان مایه گذاشتند و تلاش کردند که در کنار مبارزه با طالبان، لازمی‌بودن داشتن حقوق اساسی شهروندان را به آن‌ها گوش‌زد کنند و هم‌زمان بودن در کنار مردم و دادن حس هم‌راه‌داشتن را به آن‌ها بدهند که جنبش زنان برای رفاه و آزادی نیز، نمونه‌ای از این دست زنان است.

خانم فرهنگ‌یار، در کنار این که خیابان را معبر هدف‌هایش می‌دانست، خانه‌اش را مرکز و سنگر مبارزه با طالبان بدل کرده و دادخواهان و خبرنگاران رسانه‌های جهانی را به خانه‌اش دعوت می‌کند، تا این‌گونه در برابر طالبان و خاموشی جهان در جریان اجرای جنایت‌های این گروه بایستد. او، در نقش فعال حقوق زنان با همراهی ژولیا پارسی و حماسه، با معاون اتحادیه‌ی اروپا و دفتر هیئت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما) دیدار و پیرامون بازگشت زنان و دختران به کار و تحصیل گفت‌وگو کرده‌اند. آن‌ها پیش‌تر در رابطه با تنگ‌دستی زنان پس از به‌انزواکشیده‌شدن آن‌ها اعتراض داشتند.

خانم فرهنگ‌یار، اندوخته‌های شخصی‌اش را نیز صرف کارهای خیریه برای زنان کرد. زنان در کابل، پروان، بغلان و لوگر، توانستند زیر پوشش هم‌کاری‌های نقدی جنبش زنان برای رفاه و آزادی قرار بگیرند. در این ولایت‌ها، این زنان تجهیزات بهداشتی دریافت کرده‌اند که از بودجه‌ی شخصی خانم فرهنگ‌یار تهیه شده است. افزون بر این، خانم فرهنگ‌یار، یک مرکز آموزش خیاطی..در کجیا. برای زنان ایجاد کرده که به آن‌ها کمک می‌کند، حرفه‌ای را برای درآمدزایی بیاموزند. او، یک مرکز دیگر برای کودکان کار ایجاد کرده که به آن‌ها کمک می‌کند از آموزش باز نمانند.

### مبارزه تا آخرین نفس

خانم فرهنگ‌یار بر این باور است که برای کاستن از پیامدهای ویران‌گر محدودیت‌های وضع‌شده بر زنان از سوی طالبان، فعالان حقوق زن بایستی از منافع خود بگذرند و برای مردم کار کنند. او می‌گوید: «خوش‌حالم که این افتخار را دارم که منافع خود را

# جنبش پنجره‌ی امید افغانستان؛ دادخواهی و عاقبت تلخ زندان

## Afghanistan Window of Hope Movement; Advocacy and the bitter end of prison



**The members of the window of Hope Movement started their activities in Kabul and have been mostly concentrated in this city. This movement has organized limited protest programs in the streets of Kabuk; However, more than 40 anti-oppression protest programs have been held in closed spaces and they have shouted for the restoration of women's rights against the oppression of Taliban group.**

In many cases of human rights violations and in connection with issues that are crucial for the citizens of Afghanistan, the arrest and torture of human rights activists and the genocide of the Hazaras, especially women, they have held a meeting and issued a declaration.

In the meantime, this group's reaction to the Doha meetings can be mentioned.

When women in Afghanistan were not allowed to leave their homes, protesters in the Afghanistan Window of Hope Movement came to the streets to demand their rights and that of other women; However, every time they were attacked and surrounded, cursed and insulted, shot in the air, sprayed with tear gas and experienced arrest, imprisonment and torture by the Taliban. Members of the movement have moved several times to avoid being identified and arrested by the Taliban, and some have migrated outside Afghanistan.

"We have fought for three years with minimal personal resources and we will continue our journey," they say.

### Advocacy and the bitter end of prison

Halima Hemmatti, one of the founders of Afghanistan's Window of Hope Movement, was interrogated in January this year in the Pol-e-Khushk area for protesting against the arrest of her friend for not wearing the hijab and when after her phone was searched by the Taliban members and they found photos and videos of protests on her phone, she was arrested by them. Taliban forces transferred Mrs. Hemmatti to the 18th police district of Kabul city and kept her in custody for a day. She was released due to her husband's efforts; But that night, her husband had a cardiac arrest and died. After this incident, Mrs. Hemmatti went to Iran with her family.

Safia Arifi, another founder of the Afghanistan Window of Hope Movement, who has protested in various ways against the Taliban's anti-woman and violent policies, has also been

detained for hours in the Taliban's police district. She participated in the December 22, 2022 march on Kabul University Street to protest against the ban on girls' education. When the Taliban commander realized that I was taking pictures of the protest process with my phone, he sent three Taliban forces after me. They took my phone and beat me. while I was holding her one-year-old daughter. "I ran away and went to the other side of the road near the university wall; But they ran after me. They beat me while my daughter was crouched in my arms; They even dragged me to the ground and tore my clothes." These Taliban forces take Mrs. Arefi to their commander, and after slapping Mrs. Arefi's face, he orders to put her on a Ranger and take her to the PD. Mrs. Arefi remains in detention for four hours and is released after giving a written and video commitment not to disclose the torture and imprisonment of the same day and not to participate in protest programs against the Taliban.

Ms. Arifi's brother was also arrested by the Taliban in November 2023 for her protests. Life in Afghanistan has become difficult for Arifi's family since her father was killed by the Taliban, who is now one of the group's leaders in Daykundi, during the republic period. Despite these threats, Arifi says she is working to promote and defend human rights so that other Afghan women imprisoned in their homes can look out their windows with light and hope. "We are working to bring light and hope back into the lives of Afghan women," she said on behalf of the Window of Hope Movement. We hope that a window of hope will open to the hearts of Afghan women."

Even though the members of Afghanistan's Window of Hope Movement have been threatened by the Taliban many times and surrounded and harassed by the Taliban in marches and street protests, they still continue their activities and want it to continue.

امید افغانستان، در جنوری سال روان، در ساحه‌ی پل خشک به خاطر اعتراض به توقف دوستش به خاطر رعایت نکردن حجاب، مورد باز پرس و بازرسی قرار گرفت و زمانی که سربازان طالب در تلفنش عکس‌ها و ویدیوهای اعتراضی را دیدند، او را بازداشت کردند. نیروهای طالبان، خانم همتی را به حوزه‌ی هجدهم شهر کابل انتقال دادند و یک روز او را در بازداشت نگه داشتند. او در اثر تلاش شوهرش آزاد شد؛ ولی همان شب، شوهرش دچار ایست قلبی شده و جان باخت. پس از این رویداد، خانم همتی نزد خانواده‌اش به ایران رفته است.

صفیه عارفی، یکی دیگر از بنیان‌گذاران جنبش پنجره‌ی امید افغانستان که به شیوه‌های گوناگون علیه سیاست‌های زن‌ستیزانه و خشونت‌محور طالبان اعتراض کرده نیز، برای ساعت‌هایی بازداشت در حوزه‌ی امنیتی طالبان را تجربه کرده است. او، در راه‌پیمایی ۲۲ دسامبر ۲۰۲۲ در خیابان دانشگاه کابل که به خاطر منع تحصیل دختران برگزار شده بود، اشتراک داشت. هنگامی که فرمانده طالبان متوجه می‌شود که او با گوشی همراهش از جریان اعتراض عکس و تصویر می‌گیرد، سه نیروی طالبان را دنبالش می‌فرستد. آن‌ها، خانم عارفی را می‌گیرند و او در حالی که دختر یک‌ساله‌اش را در بغل داشت، زیر لتوکوب می‌گیرند. می‌گوید که «فرار کردم و به آن طرف سرک نزدیک دیوار پوهنتون رفتم؛ اما آن‌ها از پشتم دویدند. در حالی که دخترم در بغلم به حالت خمیده قرار داشتم، مرا لتوکوب می‌کردند؛ حتا مرا به زمین کش کرده و لباس‌هایم را پاره کردند.» این نیروهای طالبان خانم عارفی را نزد فرمانده‌اش می‌برد و او پس از زن سبیلی به صورت خانم عارفی، دستور می‌دهد که او را سوار رنجر کنند و به حوزه ببرند. خانم عارفی، چهار ساعت در بازداشت می‌ماند و پس از دادن تعهد کتبی و ویدیویی مبنی بر فاش نکردن شکنجه و گرفتاری همان روز و شرکت نکردن در برنامه‌های اعتراضی در برابر طالبان، آزاد می‌شود.

برادر خانم عارفی نیز در نومبر ۲۰۲۳ به دلیل اعتراض‌های او، توسط طالبان بازداشت شده بود. از آن جا که پدر خانم عارفی در دوره‌ی جمهوری توسط طالبی که حالا یکی از سران این گروه در دایکندی است، به قتل رسیده بود، زندگی برای خانواده‌ی عارفی در افغانستان دشوار شده است. با وجود این تهدیدهای، عارفی می‌گوید که برای ترویج حقوق بشر و دفاع از آن کار می‌کند، تا دیگر زنان افغانستانی که در خانه‌ها زندانی شده‌اند، با روشنی و امید به پنجره‌های خانه‌شان بنگرند. او به نمایندگی از جنبش پنجره‌ی امید، می‌گوید: «ما برای آوردن روشنی و امید دوباره در زندگی زنان افغانستانی کار و فعالیت می‌کنیم. آرزو داریم که پنجره‌ی امید به قلب زنان افغانستان باز شود.» با این که اعضای جنبش پنجره‌ی امید افغانستان، بارها از سوی طالبان تهدید شده و در راه‌پیمایی‌ها و اعتراض‌های خیابانی توسط طالبان محاصره و اذیت شده‌اند، اما هنوز به فعالیت خود ادامه داده و خوستار دوام آن استند.

برنامه‌های اعتراضی و سایر فعالیت‌های هم‌سو با اصول حقوق‌بشری، ایجاد شده است. بیش‌ترین تمرکز این جنبش روی آموزش و کار زنان بوده است. عارفی، در رابطه به دلیل مبارزه‌ی جنبش پنجره‌ی امید، می‌گوید: «تنها با دسترسی به حق تعلیم، تحصیل، کار، حق آزادی پوشش و رعایت کرامت انسانی، آزادی بیان و عقیده و با رعایت اعلامیه‌ی حقوق بشر و کنوانسیون‌های مرتبط با آن، امید به خانه‌های مردم برمی‌گردد.»

### دامنه‌ی اعتراض‌ها

اعضای پنجره‌ی امید، از کابل به فعالیت آغاز کرد و بیش‌تر در همین شهر متمرکز بوده است. این جنبش، برنامه‌های اعتراضی محدودی در خیابان‌های شهر برگزار کرده؛ اما بیش از چهار برنامه‌ی اعتراضی ضدطالبانی در فضای سرپسته برگزار کرده و در برابر ستم‌های این گروه، بازگرداندن حقوق زنان را فریاد زده‌اند. صفیه عارفی و شماری از اعضای این جنبش، در پاکستان نیز به اعتراض‌های شان ادامه داده‌اند و همین‌طور شمار اندکی از اعضای این جنبش در بامیان، در مکان‌های سرپسته علیه طالبان اعتراض می‌کنند. یک شاخه‌ی جنبش پنجره‌ی امید در دایکندی، به تازگی فعال شده و قرار است گسترده‌تر از پیش حرکت کنند.

### شیوه‌های مبارزه

معترضان در جنبش پنجره‌ی امید افغانستان، با گردهم‌آیی، شعاردهی، اجرای نمایش‌ها، خوانش شعرهای اعتراضی، صدور اعلامیه‌ها، ضبط ویدیوها و راه‌اندازی هشتگ‌ها، وضعیت زنان زیر سایه‌ی طالبان را به تصویر می‌کشند. آن‌ها در بسیاری موارد نقض حقوق بشری و در ارتباط با موضوعات سرنوشت‌ساز برای شهروندان افغانستان، بازداشت و شکنجه‌ی فعالان حقوق بشر و نسل‌کشی هزاره‌ها به ویژه زنان، گردهم‌آیی برگزار کرده و اعلامیه صادر کرده‌اند.

در این میان، می‌تواند به واکنش این گروه در برابر نشست‌های دوحه نام گرفت.

### تهدیدها

زمانی که زنان در افغانستان اجازه‌ی بیرون آمدن از خانه‌های شان را نداشتند، معترضان در جنبش پنجره‌ی امید افغانستان برای خواستن حق خود و دیگر زنان به خیابان آمدند؛ اما هر بار با هجوم و محاصره‌ی طالبان، فحش و دشنام، شلیک هوایی، پاشیدن گاز اشک‌آور روبه‌رو شده و بازداشت، زندانی شدن و شکنجه را تجربه کردند. اعضای این جنبش در کنار فریاد عدالت‌خواهی، برای این که از سوی طالبان شناسایی و بازداشت نشوند، بارها مکان زندگی شان را تغییر داده و شماری هم به بیرون از افغانستان مهاجرت کرده‌اند. آن‌ها، می‌گویند: «ما با حداقل امکانات شخصی، طی سه سال مبارزه کردیم و باز هم به راه خود ادامه می‌دهیم.»

### دادخواهی و عاقبت تلخ زندان

حلیمه همتی، از بنیان‌گذاران جنبش پنجره‌ی

# جنبش زنان در تخار، بدخشان و کندز؛ زنان افغانستانی تسلیم‌ناپذیر و انزواناپذیر استند

## Women's Movement in Takhar, Badakhshan and Kunduz; "Afghanistani Women Give up"

Written by: Adela Azin Nazari

Translated by: Mohammad Sakhi Rezaie

After Taliban returned to power on 15 August 2021, civil society institutions were deactivated and civil activists were expelled from Afghanistan due to the impossibility of constructive activities. During this period, women in a number of provinces and mostly in Kabul, stood up against the Taliban and protested against the group's way of thinking and dealing with the values of human rights, especially women's fundamental rights. Meanwhile, Parisa Mubarez, who was in charge of the women's sports department in the department of physical education of Takhar before the collapse of the republic, and at the same time worked in the department of education in this province, tried to form a group to fight against the repressive policy of the Taliban.

While she was dismissed from her job, had to watch the restrictions imposed by the Taliban on women, along with the unhappiness of being deprived of her right to work. This situation gave her more motivation to fight for the restoration of Afghan women's rights. In these days, women in Takhar could not leave their homes without the escort of a close male relative, and according to Mrs. Parisa, if women's clothing was not in accordance with the Taliban's code, they would be beaten and tortured. She adds that the Taliban in Takhar have repeatedly humiliated and tortured women who wore high-heeled shoes, or had belts and hairgrips.

Seeing the oppression of women in Takhar by the Taliban, Parisa Mubarez, along with a number of women, students, school principals and teachers, athletes and other social groups, gathered and stood against the Taliban. The number of women was more than 200. At this time, popular uprisings and women's protest groups were active in other provinces; But Takhar residents were less likely to criticize and oppose the Taliban's policies.

Mrs. Mubarez and other protesting girls and women, especially women, which later became known as the Takhar Women's Movement, stood up and took to the streets to seek justice and restore their rights and other Afghan citizens.

Takhar Women's Movement, in its first protest program on December 1, 2022, took to the streets in the city of Taluqan, the center of Takhar, and marched against the policy of excluding women from social life. That day, this movement was operating without a specific name. The march was disrupted by aerial fire and water spray from the Taliban. The next day, protesters gathered and planned another march. The group's second march was held on December 4, when the Taliban again disrupted the protest with aerial fire and protesters fled;

However, five of the protesters were arrested by the Taliban and their fate is still unknown because their contact numbers are inactive yet. Takhar Women's Movement continued to protest against the restrictions imposed by the Taliban on women; However, the Taliban had warned them if they come to the street again, they will be directly shot by gunfire. However, these women started protest marches 12 times; But with the intensification of the threats, their lawsuits were closed and continued in this way.

In the Takhar women's movement, women have provided education to girls in addition to protest activities. Eight months ago, Parisa Mubarez, by selling her gold and computer, set up a new smart home school, which now has five women volunteering to teach more than 70 students. Four months ago, another branch of this school started its activity in Badakhshan, where women volunteer to teach 30 students. In all these schools, the necessary educational materials are prepared by Parisa Mubarez.

### Arrests and prison experiences

Ms. Parisa Mubarez was arrested by the Taliban in Takhar on February 12, 2022, along with her brother, and spent a night and two days in detention. After the efforts of Ms. Mubarez's family, she was released on bail by tribal elders and paid a fine of 160,000 Afghanis; However, Ms. Mubarez also provided a written commitment to not protest against the Taliban again. In July 2023, when Parisa Mubarez was at her brother's house in Takhar, a member of the Taliban, who had recently moved to her brother's neighborhood, reported her to the Taliban's security area. That night, after Mrs. Mubarez travels to Kabul with her father, some Taliban forces enter her house and search the whole house to find her. Continuing the threats against Parisa Mubarez, in October 2023, one of the Taliban forces called her and threatened her with death and said: "If we arrest you this time, we will kill you."

### A trip to Mazar-e-Sharif

Parisa Mubarez continued her struggle after being released from Taliban custody; Because she believed that if women did not protest against the Taliban's restrictions on their way, the Taliban's oppression of women would continue. For this reason, the Taliban's threats against Ms. Mubarez continued. The group's forces contacted her brother and threatened to arrest Parisa.

The narrowing of the living space for Mrs. Mubarez in Takhar, caused her to go to Balkh and rest for a while, to recover her physical and mental health that was damaged in the detention center. In the detention center, Ms. Mubarez's head and back were injured due to being beaten with a gun butt by the Taliban and she has been undergoing treatment for a year.

...more on page 13

خواهند کرد. با این حال، این زنان ۱۲ بار راه‌پیمایی اعتراضی به راه انداختند؛ ولی با شدت یافتن تهدیدها، دادخواهی‌های شان به فضای بسته کشیده شد و به همین شکل دوام یافت.

در جنبش زنان تخار، زنان در کنار فعالیت‌های اعتراضی، زمینه‌ی آموزش را نیز به دختران فراهم کرده است. پریسا مبارز، هشت ماه پیش، با فروش طلاها و کامپیوترش، مکتب خانگی نوین هوشمند را راه‌اندازی کرد که حالا پنج زن رضاکارانه به بیش از ۷۰ دانش‌آموز تدریس می‌کنند. چهار ماه پیش، شاخه‌ی دیگر این مکتب در بدخشان فعالیت خود را آغاز کرد که در آن نیز زنان رضاکارانه به ۳۰ دانش‌آموز تدریس می‌کنند. در همه‌ی این مکتب‌ها مواد آموزشی مورد نیاز از سوی پریسا مبارز، تهیه می‌شود.

### بازداشت و تجربه‌های زندان

خانم پریسا مبارز در ۱۲ فبروری ۲۰۲۲ با برادرش، از سوی طالبان در تخار بازداشت شده و یک شب و دو روز را در بازداشتگاه زیر شکنجه قرار گرفت. پس از تلاش‌های خانواده‌ی خانم مبارز، او با ضمانت بزرگان قومی و پرداخت ۱۶۰ هزار افغانی جریمه‌ی نقدی آزاد شد؛ البته از خانم مبارز نیز تهدید کتبی گرفته شد که دیگر هیچ اعتراضی در برابر گروه طالبان نداشته باشد.

در جولای ۲۰۲۳، زمانی که پریسا مبارز در خانه‌ی برادرش در تخار بود، یکی از اعضای طالبان که به تازگی در هم‌سایگی برادرش جابه‌جا شده بود، گزارش او را به حوزه‌ی امنیتی طالبان می‌دهد. در آن شب، پس از این که خانم مبارز با پدرش به سمت کابل سفر می‌کند، شماری از نیروهای طالبان وارد خانه‌ی برادرش می‌شوند و همه‌ی خانه را برای یافتن او بازرسی می‌کنند.

در ادامه‌ی تهدیدها علیه پریسا مبارز، در اکتبر ۲۰۲۳، یکی از نیروهای طالبان، به او تماس می‌گیرد و به مرگ تهدیدش کرده و می‌گوید: «اگر این بار دست‌گیرت کنیم، به قتل می‌رسانیم.»

### سفر به مزار شریف

پریسا مبارز پس از رهایی از بازداشتگاه طالبان، باز هم به مبارزه‌اش ادامه داد؛ چون به این باور بود که اگر زنان در برابر محدودیت‌های سر راه شان که از سوی طالبان وضع شده بود، اعتراض نکنند، ستم‌های طالبان بر زنان ادامه خواهد یافت. به همین دلیل، تهدیدهای طالبان نیز در برابر خانم مبارز پیوسته ادامه داشت. نیروهای این گروه در تماسی با برادر خانم مبارز، او را به بازداشتش تهدید کردند. تنگ‌تر شدن فضای زندگی برای خانم مبارز در تخار، سبب شد که او برای مدتی به بلخ برود و استراحت کند، تا سلامت جسمی و روانی‌اش که در بازداشتگاه آسیب دیده بود را باز یابد. در بازداشتگاه، سر و کمر خانم مبارز در اثر لتوکوب با قنداق تفنگ توسط طالبان، آسیب دیده و یک سال می‌شود که زیر درمان قرار دارد. پزشکان، به پریسا مبارز می‌گویند که برای یافتن سلامتی‌اش بایستی عمل شود؛ اما مشکلات اقتصادی سبب شده که او به خوردن و تزریق مسکن بسنده کند. در اثر شکنجه‌های فیزیکی و روان طالبان، ذهن خانم مبارز ضعیف شده و اندکی نیز فراموشی گرفته است. با ناخوشی‌ای که در ته صدایش پیداست، می‌گوید: «مانند بتری که چارج میشه، با دوا و پیچکاری راه می‌رم.»

ادامه در صفحه ۱۳

### نویسنده: عادلہ آذین نظری

پس از بازگشت طالبان به قدرت در تابستان ۱۴۰۰، نهادهای جامعه‌ی مدنی غیرفعال شده و فعالان مدنی نیز به دلیل غیرممکن شدن فعالیت‌های سازنده، از افغانستان بیرون شدند. در این دوره، زنان در شماری از ولایت‌ها و بیش‌تر در کابل، علیه طالبان ایستادگی کرده و در برابر نوع اندیشه و برخورد این گروه با ارزش‌های حقوق‌بشری به ویژه حقوق اساسی زنان، اعتراض کردند. در این حین، پریسا مبارز که پیش از فروپاشی جمهوری در ریاست تربیت بدنی تخار، مسئول بخش ورزشی زنان بود و هم‌زمان در ریاست معارف این ولایت نیز کار می‌کرد، در تلاش شکل‌دهی گروهی برای مبارزه با سیاست سرکوب طالبان برآمد.

پریسا مبارز، در حالی که از وظیفه برکنار شده بود، در کنار ناخوشی سلب حق کار خود ناچار بود محدودیت‌های اعمال‌شده‌ی از سوی طالبان بر زنان را نیز به تماشا بگیرد. این وضعیت، انگیزه‌ی بیش‌تری به او داد تا برای بازگرداندن حقوق زنان افغانستانی مبارزه کند. در این روزها، زنان در تخار، بدون همراهی محرم نمی‌توانستند از خانه‌های شان بیرون شوند و به گفته‌ی خانم پریسا، اگر پوشش زنان مطابق میل طالبان نمی‌بود، مورد لتوکوب و شکنجه قرار می‌گرفتند. او می‌افزاید که طالبان در تخار، بارها زنانی را که کفش‌های پاشنه‌بلند به پا داشتند، یا کمر بند و قید مو داشتند، تحقیر و شکنجه کرده‌اند.

دیدن ستم‌هایی که بر زنان در تخار از سوی طالبان عملی می‌شد، سبب شده که پریسا مبارز، با شماری از زنان، دانشجویان، مدیران و آموزگاران مکتب‌ها، ورزش کاران و دیگر دسته‌های اجتماعی گرد هم آمده و در برابر طالبان بایستند. شمار این زنان، به بیش از ۲۰۰ تن می‌رسید. در این زمان، خیزش‌هایی مردمی و گروه‌های اعتراضی زنان در ولایت‌های دیگر فعال بود؛ ولی باشندگان تخار، کم‌تر جسارت می‌کردند از سیاست‌های طالبان انتقاد کرده و در برابر آن قرار بگیرند.

خانم مبارز و دیگر دختران و زنان معترض، به هدف عدالت‌خواهی و بازگرداندن حقوق خود و دیگر شهروندان افغانستان به ویژه زنان ایستادگی کردند و به جاده‌ها برآمدند که پسان‌تراها این تجمع، جنبش زنان تخار نام گرفت.

جنبش زنان تخار، در نخستین برنامه‌ی اعتراضی‌اش در اول دسامبر ۲۰۲۲ در شهر تالقان، مرکز تخار به خیابان آمده و در برابر سیاست حذف زنان از زندگی اجتماعی راه‌پیمایی کرد. آن روز این جنبش بدون نام خاصی فعالیت می‌کرد. این راه‌پیمایی با شلیک‌های هوایی و آب‌پاشی به معترضان از سوی طالبان به هم خورد. فردای این روز، معترضان دور هم آمده و برای برگزاری یک راه‌پیمایی دیگر برنامه ریختند. دومین راه‌پیمایی این گروه، چهارم دسامبر برگزار شد و طالبان باز هم با شلیک‌های هوایی اعتراض را به هم زدند و معترضان فرار کردند؛ ولی پنج تن این معترضان، توسط طالبان بازداشت شدند و تا اکنون به دلیل غیرفعال بودن شماره‌های تماس شان، از سرنوشت آن‌ها اطلاعی در دست نیست.

اعضای جنبش زنان تخار، به اعتراض در برابر محدودیت‌های وضع‌شده از سوی طالبان بر زنان ادامه دادند؛ اما، طالبان به آن‌ها هشدار داده بودند که بار دیگر به خیابان بیایند، با شلیک مستقیم گلوله از آن‌ها استقبال



## جنبش زنان در تخار، بدخشان و کندز؛ زنان افغانستانی تسلیم‌ناپذیر و انزواناپذیر استند

# Women's Movement in Takhar, Badakhshan and Kunduz; "Afghanistani Women Give up"

The doctors tell Parisa Mubarez that she needs to be operated to find her health; But economic problems have caused him to settle for eating and injecting painkillers. As a result of the Taliban's physical and mental tortures, Mrs. Mubarez's mind has weakened and has got minor amnesia disease. With unhappiness in the bottom of his voice, she says: "Like a battery that is being charged, I walk with the help of medicines and injections."

After staying in Mazar-e-Sharif for 35 days, Mubarez returns to Takhar for family reasons. One of these days, while sneaking out of the house, on the street, she sees a woman walking with her child and talking to someone on the phone. All of a sudden, four Taliban forces arrive and immediately punch and kick the woman in the face. The mother and child are both screaming; But the Taliban did not stop beating. No one dared to ask why this woman was being tortured. After seeing this scene, when she comes home, Mrs. Mubarez calls other female protesters and asks them to continue their protest against the Taliban's misogyny. But they refused and said: "You have just been released from prison and if they arrest you this time, they will not let you live."

Mrs. Mubarez repeats again that "No! If they arrest me, imprison me and torture me or whatever happens, let's continue."

In the past year, Mrs. Mubarez was almost arrested by the Taliban forces many times. One summer day last year in Takhar, a Talib grabbed Mrs. Mubarez by her hand while she was walking in the city, dragged her to a corner and threatened to arrest her. After getting rid of this incident, Mrs. Mubarez called her brother and left for Kabul the same day.

Now Mrs. Mubarez's friends should continue their protest plans in Takhar, following her advice. In Takhar, these protests have continued under the management of Soraya Hassas and her colleagues such as Zakira Yagoubi, Marufah Jesour, Madina Mohammadi, Mursal Hamidi, Shukriya Rahimi, Shakiba Sharifi, Farzaneh Mohammadi, Sangmah Ahmadi and many others.

### Badakhshan women's movement

After the threats to her in Takhar increased, Mubarez went to Badakhshan and together with a number of women, created the "Badakhshan Women's Movement" in November 2022 and launched her first protest program on the 25th of this month. This movement also held three other street protests, and after that, due to security threats, the protests of this movement have continued in closed places.

This movement is led by Parisa Mubarez and manages its protest programs from a distance. Mrs. Sakha, who is in charge of coordinating the programs of the women's movement in Badakhshan, says that she witnessed in Badakhshan how Mrs. Mubarez motivated women to protest and made them understand that they should fight for their rights. This movement has launched more than forty protest programs to bring the voice of Afghan women to the ears of the world, and their goal has been to achieve women's basic rights. The Badakhshan Women's Movement now has nearly 40 members and is organized and managed personally by Mrs. Saeida Rasouli and Homira Sakha, under the supervision of Parisa Mubarez.

### Kunduz Women's Movement

Mubarez traveled to several provinces to save her life because of threats from the Taliban; But as soon as she moved to each new location, she resumed his protest activities. During her stay in Kunduz, she gathered a number of women in the province to protest against the Taliban's repressive policies. Ms. Mubarez stayed in the province for three months and during her stay, she received a call from the Taliban in September 2023 threatening to stop her activities; But she remained steadfast and formed new groups to fight.

The women's movement in Kunduz has 22 members and has launched 28 protest programs so far; Protests that have led to the arrest and imprisonment of protesters.

Farzaneh Nawabi, the representative of the Kunduz Women's Movement, says that in the first external protest of this movement, the Taliban disrupted their gathering and detained four girls, each of whom remained in prison for one



فرزانه نوابی، نماینده‌ی جنبش زنان کندز، می‌گوید که در اولین اعتراض بیرونی این جنبش، طالبان با مختل کردن تجمع آن‌ها، چهار دختر را بازداشت کردند که هر کدام یک ماه و دو ماه در بند ماندند. نوابی می‌گوید که خانواده‌ی معترضان زندانی، نگذاشتند که این ماجرا رسانه‌ای شود؛ زیرا به زعم خود شان نمی‌خواستند «آبرو و عزت شان لکه‌دار شود».

and two months. Nawabi says that the families of the imprisoned protestors did not let this story become the media; Because according to their own opinion, they did not want "their reputation and honor to be stained."

The women's movements in Kunduz and Badakhshan are a subset of Takhar's women's movement, which all have 10 leadership members. In Kunduz, Mozghan Rahimi and some other women's rights activists manage the programs. Mubarez lived in these provinces sometimes in rented rooms and sometimes in the houses of his relatives and acquaintances; But after some time, they did not shelter him due to the fear of the Taliban. According to Ms. Mubarez, they said that "you are working against the Taliban's rules; You can create a security problem for us too."

### Fighting from Iran

Because of her continued protest activities, Parisa Mubarez was no longer safe from the Taliban threat in any province and finally emigrated to Iran four months ago to avoid being arrested and tortured by the group. There, too, she formed a group to advocate for women's rights. "Just as we sacrificed our lives and dignity, we are fighting for the comfort of Afghan women," she says.

According to Mrs. Mubarez, the threats of the Taliban in Iran are also bothering her. He says that many times she witnessed a man wearing Taliban clothing following him while walking in the streets of Tehran. In order to get rid of this worry, Ms. Mubarez could not move due to economic problems, but she was forced to go to her friend's house in Karaj one midnight and is still there.

In Iran, she is also protesting against the Taliban and seeking to provide scholarships for Afghan girls. In the past year, a number of members of the Takhar Women's Movement have migrated to Iran and Pakistan; But they have continued to fight against the Taliban's anti-woman policies. Members of the movement, who have migrated to Pakistan, are also planning to form a protest team there and are also working to expand the protests of Afghan women. While the Takhar women's movement faces many difficulties in the struggle, Ms. Mubarez says: "Until women's rights are given to them, until the Taliban are held accountable in the world and the Taliban are not held accountable and taken Taliban To the Hague for what they are doing against women in Afghanistan, our struggle will continue. Afghan women are not submissive and isolated."

The restrictions imposed by the Taliban on women in the last three years have forced many women to protest against this situation, and some of them have gathered in tight groups to make their protests effective and are suing for the restoration of women's rights; A way that these protestors believe can cause more protests to be reflected and prevent more women from being removed.

کرد و به توقف فعالیت‌هایش تهدید شد؛ ولی او همچنان به موضعش پابند ماند و گروه‌های جدیدی را برای مبارزه شکل داد.

جنبش زنان در کندز ۲۲ عضو دارد و تا حالا، ۲۸ برنامه‌ی اعتراضی را به راه انداخته است؛ اعتراض‌هایی که بازداشت و زندانی شدن معترضان را در پی داشته است. فرزانه نوابی، نماینده‌ی جنبش زنان کندز، می‌گوید که در اولین اعتراض بیرونی این جنبش، طالبان با مختل کردن تجمع آن‌ها، چهار دختر را بازداشت کردند که هر کدام یک ماه و دو ماه در بند ماندند. نوابی می‌گوید که خانواده‌ی معترضان زندانی، نگذاشتند که این ماجرا رسانه‌ای شود؛ زیرا به زعم خود شان نمی‌خواستند «آبرو و عزت شان لکه‌دار شود».

جنبش‌های زنان در کندز و بدخشان، زیرمجموعه‌ی جنبش زنان تخار است که همه ۱۰ عضو رهبری دارد. در کندز، مؤرگان رحیمی و چندی دیگر مدیریت برنامه‌ها را به دوش دارند. مبارز، در این ولایت‌های گاهی در اتاق‌های کرایه‌ای و گاهی در خانه‌ی نزدیکان و آشنایانش زندگی می‌کرد؛ اما پس از مدتی آن‌ها به دلیل هراس از طالبان دیگر به او پناه ندادند. به گفته‌ی خانم مبارز، می‌گفتند که «خلاف قوانین طالبان کار می‌کنی؛ می‌توانی برای ما هم مشکل امنیتی ایجاد کنی».

مبارزه از ایران  
پریسا مبارز، به دلیل دوام فعالیت‌های اعتراضی‌اش، دیگر در هیچ ولایتی از تهدید طالبان در امان نماند و برای این که به دست این گروه بازداشت و شکنجه نشود، سرانجام چهار ماه پیش به ایران مهاجرت کرد. او، در آن جا نیز، گروهی را برای دادخواهی حقوق زنان شکل داده است. او، می‌گوید: «همان گونه که از جان و عزت مان گذشتیم، مبارزه می‌کنیم تا زنان افغانستان به آسایش برسند».

به گفته‌ی خانم مبارز، تهدیدهای طالبان در ایران نیز، گریبان‌گیرش است. می‌گوید که بارها هنگام رفت‌وآمد در خیابان‌های تهران، شاهد این بوده که مردی با پوشش طالبانی او را دنبال می‌کند. خانم مبارز برای این که از این نگرانی رها یابد، توان جابه‌جایی را به دلیل مشکل اقتصادی نداشت، اما آخرسر مجبور شد که یکی از نیمه‌شب‌ها، به خانه‌ی دوستش به کرج رفت و تا اکنون در آن جا است. او، در ایران هم ضمن برپایی اعتراض‌ها علیه طالبان، در صدد همیا کردن زمینب‌ب تحصیل از طریق بورسیه برای دختران افغانستانی است. در یک سال گذشته، شماری از اعضای «جنبش زنان تخار»، به ایران و پاکستان مهاجر شده؛ ولی به مبارزه در برابر سیاست زن‌ستیز طالبان ادامه داده‌اند. اعضای این جنبش که به پاکستان مهاجر شده‌اند، در آن جا نیز قرار است یک تیم اعتراضی ایجاد کنند و هم‌چنان برای گسترده‌ترسازی اعتراض‌های زنان افغانستانی تلاش دارند.

جنبش زنان تخار، در حالی که با دشواری‌های زیاد در مسیر مبارزه روبه‌رو است، اما خانم مبارز می‌گوید: «تا زمانی که حق و حقوق زنان، برای شان داده نشود، تا زمانی که طالب را پاسخگو در میدان‌های جهان قرار نداده و پای طالب را به محکمه‌ی لاهه نکشیم، مبارزه ما ادامه خواهد داشت. زنان افغانستان تسلیم‌ناپذیر و انزواناپذیر نیستند».

محدودیت‌هایی که از سوی طالبان بر زنان در سه سال گذشته وضع شده، زنان زیادی را به اعتراض در برابر این وضعیت واداشته که شماری از آن‌ها برای اثرگذار بودن اعتراض‌های شان، در گروه‌های فشرده‌ای گرد هم آمده و برای بازگرداندن حقوق زنان دادخواهی می‌کنند؛ راهی که به باور این معترضان، می‌تواند سبب بازتاب بیشتر اعتراض‌ها شده و از حذف بیشتر زنان جلوگیری کند.

مبارز پس ۳۵ روز ماندن در مزارشریف، به دلیل‌های خانوادگی به تخار باز می‌گردد. یکی از همین روزها، در حالی که مخفیانه از خانه بیرون شده، در خیابان، چشمش به زنی می‌افتد که با کودکش راه می‌رود و پشت گوشی با کسی حرف می‌زند. یک‌باره، چهار طالب از راه می‌رسند و بی‌درنگ با مشت و لگد به سروصورت آن زن می‌زنند. زن و کودکش هر دو فریاد می‌کشند؛ ولی طالبان از لت‌وکوب دست برنمی‌داشتند. هیچ کسی جرئت نداشت بپرسد که چرا این زن شکنجه می‌شود. خانم مبارز پس از دیدن این صحنه وقتی به خانه می‌آید، به دیگر معترضان دختر تماس می‌گیرد و از آن‌ها می‌خواهد که به اعتراض شان در برابر زن‌ستیزی طالبان ادامه دهند؛ اما آن‌ها جواب رد دادند و می‌گویند: «تو تازه از زندان رها شده‌ای و اگر این بار بازداشت کنی، زنده‌ات نمی‌گذارند». خانم مبارز باز هم تکرار می‌کند که «نه! اگر بازداشت کنی، زندانی و شکنجه‌ام کنند یا هر چه شود، ادامه بدهیم».

خانم مبارز در یک سال گذشته، بارها نزدیک بود از سوی نیروهای طالبان بازداشت شود. یکی از روزهای تابستان سال گذشته در تخار، یک طالب، خانم مبارز را در حالی در شهر قدم می‌زد، از دستش می‌گیرد و به گوشه‌ای کشیده و او را به بازداشت کردن تهدید می‌کند. خانم مبارز پس از خلاص شدن از این ماجرا، به برادرش تماس می‌گیرد و همان روز به سمت کابل راه می‌افتد. حالا دوستان خانم مبارز به توصیه‌ی او، برنامه‌های اعتراضی شان را در تخار ادامه دهند. در تخار این اعتراض‌ها، به مدیریت ثریا حساس و هم‌قطارانش مانند ذاکره یعقوبی، معروفه جسور، مدینه محمدی، مرسل حمیدی، شکرپه رحیمی، شکبیا شریفی، فرزانه محمدی، سنگ‌ماه احمدی و شماری دیگر دوام یافته است.

جنبش زنان بدخشان  
مبارز پس از این که تهدیدها در تخار برایش بیش‌تر می‌شود، به بدخشان می‌رود و در هم‌راهی با شماری از زنان، «جنبش زنان بدخشان» را در نوامبر ۲۰۲۲ ایجاد کرد و در ۲۵ همین ماه، نخستین برنامه‌ی اعتراضی‌اش را راه انداخت. این جنبش سه اعتراض خیابانی دیگر نیز، برپا کرد و پس از آن به دلیل تهدیدهای امنیتی، اعتراض‌های این جنبش در مکان‌های سرپوشه ادامه یافته است. رهبری این جنبش را پریسا مبارز به عهده دارد و از دور برنامه‌های اعتراضی آن را مدیریت می‌کند. خانم سخا که مسئولیت هم‌آهنگی برنامه‌های جنبش زنان بدخشان را به عهده دارد، می‌گوید که در بدخشان شاهد این بود که خانم مبارز چه گونه به زنان انگیزی اعتراض می‌داد و به آن‌ها می‌فهماند که بایستی برای به‌دست‌آوردن حقوق شان مبارزه کنند. این جنبش بیش از چهار برنامه‌ی اعتراضی را برای رساندن صدای زنان افغانستانی به گوش جهانیان به راه انداخته و هدف شان، دست‌یابی زنان به حقوق اساسی شان بوده است. جنبش زنان بدخشان، اکنون نزدیک به چهار عضو دارد و به گونه‌ی حضوری توسط خانم سعیده رسولی و حمیرا سخا، زیر نظر پریسا مبارز سازمان‌دهی و اداره می‌شود.

جنبش زنان کندز  
مبارز به دلیل تهدیدهایی که از سوی طالبان متوجه‌اش بود، برای حفظ جان‌ش به چندین ولایت سفر کرد؛ اما به محض جابه‌جاشدن در هر مکان جدید، فعالیت‌های اعتراضی‌اش را از سر گرفت. او در روزهایی که در کندز به سر می‌برد، شماری از زنان در این ولایت را گرد هم آورده و در برابر سیاست سرکوب طالبان، اعتراض کردند. خانم مبارز، سه ماه در این ولایت ماند و در جریان سکوتش، در سپتامبر ۲۰۲۳ از سوی طالبان تماسی دریافت

# جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان؛ گلویی برای صدای زنان

## Afghan Women's History Transformation Movement; A throat for Women's Voices

Written by: Adela Azin Nazari  
Translated By Mohammad Sakhi Rezaie

The Afghan Women's History Transformation Movement, which is one of the last women's protest movements, was established on February 1, 2024, by Ruqiya Saie in Kabul city, with the aim of suing for women's rights. Ms. Saie says: "On February 1, 2024, I founded the Afghan Women's History Transformation Movement to fight and act against the ongoing oppression of Afghan women and people and to be a voice in the choked throat of Afghan women." Ms. Saie adds that the Afghan Women's History Transformation Movement had twenty members at the time of its existence. This movement, without the financial support of internal and external institutions, has continued its activities with the personal resources of its members, and the number of its members has now reached 50. Since the Afghan Women's History Transformation Movement was formed at a time when women could not openly protest against the Taliban, this movement carries out its protest activities in Afghanistan in closed places and through social media; But outside of Afghanistan, there have been several street protests. Saie says: "I myself and some of our members in Germany take an active part in street protests." According to Saie, the Afghan Women's History Transformation Movement has so far held more than 10 protest programs in closed places and issued 14 declarations against the restrictions imposed by the Taliban, which are mostly made public through Facebook and X.

### Protests and Announcements

- 1: The Women's History Transformation Movement has issued a declaration on February 29 on Soldier's Day.
- 2: The Afghan Women's History Transformation Movement held a protest program in a closed place in Kabul on March 8, the International Day of Women, and issued a declaration in support of women.
- 3: On March 20, this movement issued a declaration on the occasion of Nowruz International Day.
- 4: The Afghan Women's History Transformation Movement, Issued a declaration and lawsuit demanding to free three women arrested by the Taliban in Kabul;
- 5: The Afghan Women's History Transformation Movement, on April 9 of this year, issued an announcement to join the global campaign to criminalize and formalize gender apartheid in Afghanistan.
- 6: On March 27 of this year, this movement participated in the 10th city-to-city protest caravan against gender apartheid in Friedenplatz, Dortmund, Germany, and issued a statement in this regard.

7: On May 4, 2024, the Afghan Women's History Transformation Movement issued a declaration on the occasion of World Press Day and commemorating the role of the media in the formation of communication.

8: On May 16, 2024, this movement issued a declaration in support of the popular uprising of Badakhshan people against the violence of the Islamic Emirate forces.

9: On June 29, this movement participated in the global march to boycott the Doha meeting and deal with terrorism in Pakistan and issued a resolution.

10: On July 1 of this year, the Afghan Women's History Transformation Movement participated in a global march to boycott the third Doha meeting in Cologne, Germany, and issued a statement in this regard.

11: On July 6 this year, this movement issued a statement in response to the statements of Mullah Yahya Anani, a prayer leader in Panjshir, who said that female protesters should be naked in public places.

12: The Afghan Women's History Transformation Movement issued a statement on July 26, 2024, in response to the statements of the Chargé d'affaires

of the American Embassy in Afghanistan, who said that the situation in Afghanistan has become as what the people wanted.

13: On July 29 of this year, this movement issued a statement condemning the arrest of Rahim Saedi and Mr. Panahi, a university professor.

14: This movement took part in a joint declaration published by protest movements to fight terrorism at the same time as two Afghans attacked the German police.

14: According to Mrs. Saie, the public meetings of the members of this movement are held online via Zoom or WhatsApp; But the meetings of the members of this movement in Kabul and Pakistan are in person. Mrs. Saie says that the members of this movement are from Bamyan, Maidan Wardak, Kunduz and Kabul; But protest programs of this movement have been held only in Kabul, Pakistan and Germany.

Ms. Saie, the chief manager of Afghan Women's History Transformation Movement, has been arrested and imprisoned twice by the Taliban. She then went to Germany due to security threats. However, Saie says that the struggle of the members of the Afghan Women's History Transformation Movement will continue until the citizens achieve their basic rights, the formation of an inclusive and citizen-oriented government, and the removal of the Taliban from power in Afghanistan.

The Afghan Women's History Transformation Movement which now only has protest and lawsuit programs, plans to build a special secret school for women in the near future.

اعلامیه‌ای نیز در این باره، صادر کرده است.

۷: جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان، در چهار می ۲۰۲۴، اعلامیه‌ای به مناسبت روز جهانی مطبوعات و بزرگداشت از نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری ارتباطات، صادر کرده است.

۸: این جنبش در ۱۶ می ۲۰۲۴ اعلامیه‌ای در حمایت از خیزش مردمی بدخشان در برابر خشونت نیروهای امارت اسلامی صادر کرد.

۹: این جنبش در ۲۹ جون، در راهپیمایی جهانی برای تحریم نشست دوحه و معامله با تروریسم در پاکستان شرکت کرده و قطع‌نامه‌ای نیز صادر کرده است.

۱۰: جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان در اول جولای سال روان، در راهپیمایی جهانی برای تحریم نشست سوم دوحه، در شهر کلن آلمان شرکت کرده و اعلامیه‌ای نیز در این رابطه صادر کرده است.

۱۱: این جنبش در ششم جولای همین سال، در واکنش به گفته‌های ملا یحیای عنانی، نمازگزار پنجشنبه که گفته بود معترضان زن باید در مکان‌های عمومی برهنه شوند، اعلامیه‌ای صادر کرده است.

۱۲: جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان، در ۲۶ جولای ۲۰۲۴، در واکنش به اظهارات کاردار سفارت آمریکا برای افغانستان که گفته بود وضعیت افغانستان به شکلی شده که مردم خواهان آن، اعلامیه‌ای صادر کرده است.

۱۳: این جنبش، در ۲۹ جولای این سال، در نگاهش بازداشت رحیم سعیدی و آقای پناهی، استاد دانشگاه، اعلامیه‌ای صادر کرده است.

۱۴: این جنبش در اعلامیه‌ای مشترکی که از سوی جنبش‌های اعتراضی برای مبارزه با تروریسم هم‌زمان با حمله‌ی دو افغان به پولیس آلمان، منتشر کرده بود اشتراک داشت.

جلسه‌های عمومی جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان، به گفته‌ی خانم ساعی به شکل آنلاین و از طریق زوم یا واتس‌آپ برگزار می‌شود؛ اما جلسه‌های اعضای این جنبش در کابل و پاکستان، حضوری است. خانم ساعی می‌گوید که اعضای این جنبش از بامیان، میدان وردک، کندز و کابل هستند؛ اما برنامه‌های اعتراضی این جنبش، تنها در کابل، پاکستان و آلمان برگزار شده است.

خانم ساعی که مسئولیت مدیریت جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان را به عهده دارد، دو بار از سوی طالبان بازداشت و زندانی شده است. او، سپس به دلیل تهدیدهای امنیتی، به آلمان رفته است. با این حال، ساعی می‌گوید که مبارزه‌ی اعضای جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان، تا دست‌یافتن شهروندان به حقوق اساسی شان، شکل‌گیری دولت فراگیر و شهروندمحور و کناره‌زد شدن طالبان از قدرت در افغانستان، ادامه خواهد یافت.

جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان که حالا تنها برنامه‌های اعتراضی و دادخواهی دارد، در نظر دارد که در آینده‌ی نزدیک یک مکتب مخفی ویژه‌ی زنان نیز بسازد.

نویسنده: عادلہ آذین نظری

جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان که از آخرین جنبش‌های اعتراضی زنان است، در اول فبروری ۲۰۲۴ به هدف دادخواهی برای حقوق زنان، توسط رقیه ساعی در شهر کابل ایجاد شد. خانم ساعی، می‌گوید: «در اول فبروری سال ۲۰۲۴ جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان را بنیان‌گذاری کردم، تا در مقابل ظلم و ستم جاری بر مردم و زنان افغانستان مبارزه و فعالیت کرده و صدایی در گلو خفه‌شده‌ی زنان افغانستان باشم.» خانم ساعی، می‌افزاید که جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان در زمان اعلام موجودیت، بیست عضو داشت. این جنبش، بدون حمایت مالی نهادهای داخلی و بیرونی، با امکانات شخصی اعضای آن به فعالیت‌هایش ادامه داده و شمار اعضای آن اکنون به ۵۰ تن رسیده است.

از آن جا که جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان در زمانی شکل گرفت که زنان نمی‌توانند آشکارا در برابر طالبان اعتراض کنند، این جنبش فعالیت‌های اعتراضی‌اش در افغانستان را در مکان‌های سر بسته و از طریق رسانه‌های اجتماعی انجام می‌دهد؛ اما در بیرون از افغانستان، چندین اعتراضی خیابانی داشته است. ساعی می‌گوید: «من خودم با تعدادی از اعضای ما در آلمان در اعتراض‌های خیابانی سهم فعال می‌گیریم.»

به گفته‌ی ساعی، جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان، تا حالا بیش از ۱۰ برنامه‌ی اعتراضی را در مکان‌های سر بسته برگزار کرده و ۱۴ اعلامیه را در برابر محدودیت‌های وضع شده از سوی طالبان، صادر کرده که بیش‌تر از طریق فیسبوک و اکس، همگانی می‌شود.

### اعتراض‌ها و اعلامیه‌ها

- ۱: جنبش تحول تاریخ زنان، در ۲۹ فبروری به مناسبت روز سرباز یک اعلامیه صادر کرده است.
- ۲: جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان، در هشت مارچ، روز جهانی هم‌بستگی زن، یک برنامه‌ی اعتراضی در مکانی سر بسته در کابل برگزار کرده و یک اعلامیه نیز به حمایت از زنان صادر کرده است.
- ۳: این جنبش، در ۲۰ مارچ اعلامیه‌ای به مناسبت بزرگداشت از نوروز صادر کرده است.
- ۴: جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان، در اعلامیه و دادخواهی برای سه تن از زنان دستگیر شده توسط طالبان در کابل؛
- ۵: جنبش تحول تاریخ زنان افغانستان، در ۹ اپریل سال روان، اعلامیه‌ای برای پیوستن به کارزار جهانی جرم‌انگاری و به‌رسمیت‌شناسی آپارتاید جنسیتی در افغانستان صادر کرد.
- ۶: این جنبش، در ۲۷ مارچ سال روان، در دهمین برنامه‌ی کاروان اعتراضی شهر به شهر مبارزه علیه آپارتاید جنسیتی در فریدن پلاتز دورتموند آلمان شرکت کرده و



# جنبش زنان مقتدر افغانستان؛ مبارزه تا برپایی عدالت

## Afghanistan Powerful Women's Movement; A Struggle To Establish Justice

Written by: Adela Azin Nazari  
Translated By Mohammad Sakhi Rezaei

Only 18 days had passed since the Taliban take over, that is, on September 3, women in Herat took to the streets and protested in response to the deprivation of some of their basic rights. After that, women came to the street in front of the Ministry of Finance and President's Office of Administrative Affairs in Kabul city and raised their voice of protest. A number of these women created a protest movement called "Afghanistan Powerful Women's Movement" to coordinate their plans in the future; Of course, there is a difference regarding the creator and leader of this movement.

Monesa Mubarez, a protester who participated in the September 4 protest movement against the Taliban administration, claims that she formed the Afghanistan Powerful Women's Movement of Power movement on November 6, 2021 with a number of participants in this protest movement. On the other hand, Rokhshana Rezaei, another protester, claims that she has formed and leads this movement. Ms. Rezaei tells Silk Way that she created the Afghanistan Powerful Women's Movement with Basira Nikzad, Sima Sahar Yaftali, Samira Khairkhan, Narges Sadat and Zarifa Yaqoubi.

As for the reason behind the naming of Afghanistan Powerful Women's Movement, Ms. Mubarez and Ms. Rezaei both agree. The Silk Road weekly, in a conversation between these two protesters, says; At a time when Taliban was successively restricting the rights and freedoms of women by issuing a declaration, it was necessary for powerful women to stand up against this group. Therefore, the name of this movement was chosen as "Afghanistan Powerful Women's Movement".

### Struggle Method

The Afghanistan Powerful Women's Movement started its activities with protest marches and gatherings in the street, and then, due to the violence of the Taliban and the imprisonment of its members, it held its protest programs in closed places, which has continued until now. However, as long as it was possible, the members of this movement protested intensively in the streets against the Taliban from time to time; In a way that they did not make a public call, only a few people planned together and protested in a place far from the reach of the Taliban, with more escape routes; But later, when this becomes impossible, the protests of this movement continue by writing letters and emails to international organizations, holding special campaigns and protesting with the language of music and group whispering, holding press conferences and creating secret schools.

From the beginning of its formation, the Afghanistan Powerful Women's Movement has organized more than 50 protest programs. These programs have been held in the cities of Kabul, Balkh, Quetta, and Islamabad in Pakistan, as well as in Iran; Programs for which no institution has provided financial cooperation to this movement. Mrs. Mubarez says: "We didn't have a sponsor from the beginning and we still don't have one. If money and support was needed, only our members would contribute from their personal property. For example, those members of ours who had better financial conditions took part in the printing of the banner, in providing the money for small items such as markers and some publications."

As long as the Afghanistan Powerful Women's Movement could start a protest march and gathering in the streets, its members would gather together and plan their activities before holding the protest; But later, when the Taliban intelligence follows the protesters, they are forced to communicate with each other through WhatsApp and email or another safe way, and develop plans for their protests.

At the beginning of the street struggles of Afghanistan Powerful Women's Movement, men were also with the women protesters; But according to Ms. Mubarez, since the Taliban initially arrested male protesters, the space



for male cooperation was limited sooner. Mrs. Mubarez says that after the arrest and torture of several male colleagues of the APWM no other man was present in the street protests of this movement; But behind the scenes, the men remained partners. Men stayed with women protesters in writing and editing the text, publishing materials, financial cooperation, and in the protests of Pakistan to coordinate with the police.

### How many members of the movement were tortured?

Since the beginning of women's street protests in the cities, the Taliban tried to silence these movements by arresting and torturing the protesters, and the members of the Afghanistan Powerful Women's Movement was an exception from this suppressing policy. Monesa Mubarez says that the members of this movement have been arrested and tortured many times by the Taliban. In one of the protests in Kabul, 15 members of the Afghanistan Powerful Women's Movement were taken hostage by the Taliban for two and a half hours. On August 13, on the occasion of the one-year anniversary of the collapse of the republic, 10 members of the Afghanistan Powerful Women's Movement, including Monsa Mubarez, were imprisoned in an underground for four hours. These protesters were released after the physical inspection and taking their mobile phone of Mrs. Mubarez by the Taliban. Another time, in a street protest, 30 members of the movement were injured with butts and rifle shafts, and two of them, named Khatira Rasakh and Narges Sadat, were arrested and imprisoned. Khatira was released on bail two days later. She, who was two months pregnant, had an abortion of her fetus, after the release, due to the torture she suffered from the Taliban forces. Narges Sadat stayed in Taliban prison for 66 days. She was released with bail, money, pressure from the media and the United Nations, and the protests of the girls. After Ms. Sadat's release from Taliban prison, an order was issued to arrest two other members of this movement, who were forced to flee from Kabul to the provinces, and the Taliban found out about the three provinces they went to and searched for them. In order not to be arrested by the Taliban, these two protesters constantly change their place of residence.

Ms. Mubarez says that another member of the APWM, who was the gender advisor of the Ministry of Interior in the previous government, had her home in Kabul besieged twice by the Taliban. But she was not at home. This protester was on the run in Baghlan and Kunduz for six months and finally fled to Pakistan through smuggling for fear of being arrested by the Taliban.

When Monsa Mubarez was in Kabul, her house was besieged twice by the Taliban. But, both times she was not at home. After an interview she had with TOLONews in which he talks about Taliban leaders, the Taliban Ministry of Defense issues a direct arrest warrant for her. Mrs. Mubarez lived secretly for two months after this issue and finally, with the cooperation of an institution, she was transferred to Pakistan through Torkham border.

Although there are many difficulties and threats in the way of Afghanistan Powerful Women's Movement, its members, the members of APWM say like other female protesters, they will continue their struggle against the Taliban in different ways until justice is established in Afghanistan.

می‌شوند، از طریق وتس‌آپ و ایمیل یا راه امن دیگری با هم ارتباط بگیرند و برای اعتراض‌های شان برنامه بریزند. در شروع مبارزه‌های خیابانی جنبش زنان مقتدر افغانستان، مردان نیز در کنار معترضان زن بودند؛ اما به گفته‌ی خانم مبارز، از آن جا که طالبان در ابتدا معترضان مرد را بازداشت می‌کردند، فضا برای هم‌کاری مردان زودتر تنگ شد. خانم مبارز، می‌گوید که پس از بازداشت و شکنجه‌ی چند نفر از هم‌کاران مرد جنبش زنان مقتدر، دیگر مردی در اعتراض‌های خیابانی این جنبش حضور نداشت؛ اما در پشت صحنه، مردان هم‌چنان هم‌کار باقی ماندند. مردان، در بخش نوشتن متن و ویرایش آن، کارهای نشراتی، هم‌کاری مالی و در اعتراض‌ها پاکستان برای هم‌آهنگی با پلیس، در کنار معترضان زن ماندند.

چند عضو جنبش و چه گونه شکنجه شدند؟ طالبان از ابتدای شکل‌گیری اعتراض‌های خیابانی زنان در شهرها، با بازداشت و شکنجه‌ی معترضان تلاش کردند این حرکت‌ها را خاموش کنند که اعضای جنبش زنان مقتدر افغانستان نیز، از این سیاست دور نماند. مونسه مبارز، می‌گوید که اعضای این جنبش بارها از سوی طالبان بازداشت و شکنجه شده‌اند. در یکی از اعتراض‌ها در کابل، ۱۵ عضو جنبش زنان مقتدر افغانستان برای دو ساعت و نیم از سوی طالبان به گروگان گرفته شدند.

در ۱۳ آگست که به مناسبت یک‌سالگی فروپاشی جمهوری، ۱۰ عضو جنبش زنان مقتدر افغانستان به شمول مونسه مبارز، برای چهار ساعت در یک زیرزمینی زندانی شده‌اند. این معترضان، پس از بازرسی بدنی و گرفتن گوشی هم‌راه خانم مبارز توسط طالبان، آزاد شدند.

بار دیگر در یک اعتراض خیابانی، ۳۰ عضو جنبش، با ضربی قنداق و میل تفنگ، زخمی شدند و دو تن آن‌ها به نام‌های خاطره راسخ و نرگس سادات بازداشت و زندانی شدند. خاطره بعد از دو روز، با قید ضمانت آزاد شد. او که دو ماهه باردار بود، در اثر شکنجه‌هایی که از سوی نیروهای طالبان متحمل شده بود، پس از آزادی جنبش سقط شد. نرگس سادات، ۶۶ روز در زندان طالبان ماند. او، با قید ضمانت، دادن پول، فشار رسانه‌ها و سازمان ملل و اعتراض‌های دختران رها شد.

پس از آن رهایی خانم سادات از زندان طالبان، دستور بازداشت دو عضو دیگر این جنبش صادر شده بود که ناچار شدند، از کابل به ولایت‌ها فرار کنند و به سه ولایتی که آن‌ها رفتند، طالبان آگاه شده و در جست‌وجوی شان افتادند. این دو معترض برای این که از سوی طالبان بازداشت نشوند، پیوسته محل زندگی شان را تغییر می‌داند. خانم مبارز، می‌گوید که یکی دیگر از اعضای جنبش زنان مقتدر که در حکومت پیشین مشاور جندر وزارت امور داخله بود، دو بار خانه‌اش در کابل از سوی طالبان محاصره شد؛ اما او در خانه نبود. این معترض، شش ماه در بغلان کندی متواری بود و سرانجام از ترس بازداشت شدن از سوی طالبان، از راه قاچاق به پاکستان فرار کرد.

مونسه مبارز زمانی که در کابل بوده نیز، دو بار خانه‌اش از سوی طالبان محاصره شده است؛ اما هر دو بار او در خانه نبوده است. او، بعد از یک مصاحبه که با طلوع‌نیوز داشت و در آن در مورد رهبران طالبان صحبت می‌کند، وزارت دفاع طالبان حکم بازداشت مستقیم او را صادر می‌کند. خانم مبارز تا دو ماه پس از این مسئله پنهانی زندگی می‌کرد و سرانجام، با هم‌کاری نهادی از راه تورخم به پاکستان منتقل شد.

با این که دشواری‌ها و تهدیدهای زیادی سر راه جنبش زنان مقتدر افغانستان وجود دارد، اما اعضای آن مانند دیگر معترضان زن، می‌گویند که تا زمان برپایی عدالت در افغانستان، در شکل‌های مختلف به مبارزه‌ی شان در برابر طالبان ادامه می‌دهند.

نویسنده: عادلہ آذین نظری

تازه ۱۸ روز از سلطه‌ی طالبان گذشته بود، یعنی در سه‌ی سپتمبر زنان در هرات به خیابان زدند و در واکنش به سلب دسته‌ای از حقوق اساسی شان اعتراض کردند. به دنبال آن، زنان در مقابل اداره‌ی امور و وزارت مالیه در شهر کابل به خیابان آمدند و صدای اعتراض شان را بلند کردند. شماری از این زنان برای انسجام‌دادن به برنامه‌های شان در آینده، یک جنبش اعتراضی به نام «جنبش زنان مقتدر افغانستان» را ایجاد کردند؛ البته در مورد ایجادگر و رهبری این جنبش، اختلاف وجود دارد.

مونسه مبارز، معترضی که در حرکت اعتراضی چهارم سپتمبر در برابر اداره‌ی امور طالبان اشتراک داشت، مدعی است که با شماری از اشتراک‌کنندگان در این حرکت اعتراضی، در شش نومبر ۲۰۲۱ جنبش زنان مقتدر افغانستان را تشکیل داده است. در سوی دیگر، رخشانه رضایی، معترض دیگری نیز، مدعی است که این جنبش را او تشکیل داده و رهبری می‌کند. خانم رضایی به جاده‌ی ابریشم می‌گوید که با بصیره نیکزاد، سیما صحر یفتلی، سمیرا خیرخواه، ظریفه یعقوبی و چند تن دیگر... جنبش زنان مقتدر افغانستان را ایجاد کرده است.

در مورد چرایی نام‌گذاری جنبش زنان مقتدر افغانستان، خانم مبارز و خانم رضایی هر دو هم‌نظر هستند. هفته‌نامه‌ی جاده‌ی ابریشم، در گفت‌وگویی که این دو معترض داشته، می‌گویند؛ در زمانی که طالبان پست سر هم با صدور اعلامیه، حقوق و آزادی‌های زنان را محدود می‌کرد، به زنان مقتدری نیز که در برابر این گروه بایستند، از این رو، نام این حرکت «جنبش زنان مقتدر افغانستان» انتخاب شده است.

### روش مبارزه

جنبش زنان مقتدر افغانستان، فعالیت‌هایش را از راه پیمایی‌ها و گردم‌آبی‌های اعتراضی در خیابان آغاز کرد و سپس به دلیل خشونت طالبان و زندانی شدن اعضای آن، برنامه‌های اعتراضی‌اش را در مکان‌های سرپوشته برگزار کرد که تا اکنون به همین شکل ادامه یافته است. با این حال، تا زمانی که ممکن بود، اعضای این جنبش، هرازگاهی به گونه‌ی فشرده در خیابان‌ها در برابر طالبان اعتراض می‌کردند؛ به شکلی که فراخوان عمومی نمی‌دادند، تنها چند نفر با هم برنامه می‌ریختند و در یک مکان دور از دسترس طالبان که راه‌های فرار بیش‌تری داشته باشد، اعتراض می‌کردند؛ اما بعدها که این نیز ناممکن می‌شود، اعتراض‌های این جنبش، از طریق نوشتن نامه و ایمیل به سازمان‌های بین‌المللی، برگزاری کارزارهای ویژه و اعتراض با زبان موسیقی و زمزمه‌ی گروهی، برگزاری نشست‌های خبری و ایجاد مکتب‌های مخفی ادامه پیدا می‌کند.

جنبش زنان مقتدر، از آغاز شکل‌گیری تا اکنون، بیش از ۵۰ برنامه‌ی اعتراضی برگزار کرده است. این برنامه‌ها در شهرهایی کابل، بلخ و کوپته و اسلام‌آباد در پاکستان و همین گونه، ایران برگزار شده است؛ برنامه‌هایی که برای برگزاری آن، هیچ نهادی به این جنبش هم‌کاری مالی نداشته است. خانم مبارز می‌گوید: «از همان اول حامی نداشتیم و هنوز هم نداریم. اگر پولی، حمایتی لازم می‌شد، فقط خود اعضای ما از دارایی شخصی شان هم‌کاری می‌کردند. مثلاً در چاپ بنر، در پول وسایل خوردوریزی چون مارکر و بعضی موارد نشراتی، آن عده از اعضای ما که وضع مالی شان خوب‌تر بود، سهم می‌گرفتند.»

تا زمانی که جنبش زنان مقتدر می‌توانست در خیابان‌ها راه‌پیمایی و گردم‌آبی‌های اعتراضی به راه بیندازد، اعضای آن پیش از برگزاری اعتراض، دور هم گرد می‌آمدند و برای فعالیت‌های شان برنامه‌ریزی می‌کردند؛ اما بعدها که استخبارات طالبان دنبال معترضان می‌افتد، آن‌ها ناچار



# جنبش زنان عدالت خواه بلخ؛ از بازداشت تا تجاوز جنسی توسط طالبان

## The Balkh Women's Movement for Justice; From detention to rape by the Taliban

Written by: Adela Azin Nazari  
Translated By Mohammad Sakhi Rezaie

Following the Taliban's domination of Afghanistan and the restriction of women's rights, a number of students, employees of institutions and human rights activists agreed to protest against the Taliban on September 4, 2021 in Balkh and created a group on Facebook for planning the relevant activities of the group. Most of these women, who did not know each other, gathered in this group and decided to create a movement for regular and continuous protests against the Taliban's suppression policy. On the 6th, 8th and 9th of September this year, these women protested in the streets of Balkh against the restrictions imposed on women by the Taliban, and The Balkh Women's Movement for Justice was formed from here.

On the 9th of September, when the protesters had a protest march in the streets of Mazar-e-Sharif, the center of Balkh, the intelligence of the Taliban arrested nearly 40 female protesters with full violence, and some of them managed to escape from the Taliban. Following this event, the members of the movement were reduced to 20-25 people and after that, in order to avoid being arrested by the Taliban, they held their protest programs in closed places.

The protesters who managed to escape from the hands of the Taliban during the September 9 march, did not know about the status and whereabouts of the detained members for several days. Later, when the detainees were released and the news of this event became public, the survivors of the movement learned about their situation.

In order to kill the protest spirit of the protesters, the Taliban physically and mentally tortured the protesters in the prison, and in some cases, gang-raped them and shot some of them and left their bodies on the street.

A member of The Balkh Women's Movement for Justice who wanted to use the pseudonym "A. H" mentioned her, in the Silk Road weekly, she says: "The Taliban beat, abducted, gave electric shocks and sexually assaulted the women in an interview in Balkh. After all this rampage, they finally killed a group and threw their bodies." She adds that the Taliban used to say to the detained women that "they are prostitutes". Because, believing women who do not protest against the Islamic Emirate. "With this claim, they beat the women so much that they fainted and took them to another place and sexually assaulted them."

"A. H" who herself has the experience of being imprisoned by the Taliban, says: "All I can say is that God will not take even our enemy captive to the Taliban. The Taliban are so cruel that it cannot be imagined. "When we were imprisoned, we spent the worst possible time in the Taliban prison." According to "A. H", along with Taliban's violence against imprisoned women, the families of these women have treated them in the worst possible way after their release. She adds: "Most of the girls who were sexually assaulted by the Taliban in prison were killed by their families after their release."

### Pursuing and threatening members of the movement by the Taliban

After arresting a group of women protesters in Balkh, the Taliban were continuously chasing the protesters who managed to escape from the site of the September 9 protest. In the course of their pursuits, Taliban intelligence found the addresses of closed places where women held their protest programs and raided the place to arrest the protesters.

After street protests became impossible in Balkh, the members of The Balkh Women's Movement for Justice held a meeting in Sumaya Shirzad's house for a while, and there they stood against the Taliban by holding protest programs. But after the Taliban became aware of this issue, Sumaya was constantly on the run and could not stay at home. "A. H" says: Since the Taliban have been chasing her, she has been constantly running away and changing her

place of residence. She, who was an employee of the United Nations, says that after the arrest of the female protesters on the 9th of September, she went to the Taliban intelligence office in Balkh from the address of the same organization and asked its officials to release the arrested women. "I personally went to the Taliban intelligence department and said that when you arrested the girls, I witnessed the scene and saw it with my own eyes. Of course, I could not say that I objected to women; But as I said, I was passing by when I saw the women's protest and your arrest." A. H. also tells her colleagues at the United Nations to follow up on the detained women; But the Taliban tell the UN employees that they do not know about those women and that they are not in the prisons of this group.

After "A. H" finds out about the detained protesters from the intelligence of the Taliban, this institution found out that she was also among the protesters and they were chasing her. "The Taliban have been chasing me ever since." It even got to the point where I changed houses every five hours every day. In every new house I went to, they found my address after four to five hours, and I had to change houses before they arrived." Ms. "A. H" is forced to come from Balkh to Kabul in order not to be arrested by the Taliban; However, he was finally arrested by the Taliban in this city. After some time and after many tortures suffered by Taliban women, they were released from the Taliban prison with a group of female protesters and fled the country.

### Leaving Afghanistan to save life

"A. H", says that due to the continuation of the threats of the Taliban, some members of The Balkh Women's Movement for Justice were forced to leave Afghanistan. According to her, Somaya Shirzad, Zahra Mousavi, Zahra Mirzad, Somaya Rahimi, Qodsiah Shojazadah, Karima Shojazadah, Razia Rahimi, Fatemah Ghiathi, Sima, Sediqa Rauofi, Soraya Karimi, members of this movement, after being threatened, arrested and tortured many times, to save lives, they are forced to be expelled from Afghanistan and each of them is displaced in a corner of the earth.

The members of Balkh women's movement for justice have dispersed after being arrested, and now there are 10 to 15 protesters left in this movement. According to "A. H., Balkh women's movement for justice has organized three street protests and 12 protest programs in closed places since its inception. The last protest program of this movement was held on January 20, 2022 in a closed place.

In the past three years, many women in different provinces came to the streets and raised their voice for justice against the Taliban's policy of eliminating women, and groups held protest programs in closed places. But in any case, they faced the violence of the Taliban and faced the difficulties of their lives to be a voice for the demands of Afghan women.

دریافته و برای بازداشت معترضان، به محل هجوم می‌بردند. اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه در بلخ پس از ناممکن شدن اعتراض‌های خیابانی، برای مدتی در خانه‌ی سمیه‌ی شیرزاد، جلسه می‌گرفته و در آن جا با برگزاری برنامه‌های اعتراضی در برابر طالبان می‌ایستادند؛ اما پس از این که طالبان از این موضوع آگاه می‌شوند، سمیه مدام در فرار بود و نمی‌توانست در خانه بماند. «ع. ح» می‌گوید: از آن جا که طالبان در تعقیب او نیز بوده‌اند، پیوسته در حال فرار و تبدیل کردن محل زندگی‌اش بوده است. او که کارمند سازمان ملل بود، می‌گوید که پس از بازداشت معترضان زن در نهم سپتامبر، از نشانی همین سازمان، به دفتر استخبارات طالبان در بلخ مراجعه کرده و از مسئولان آن، می‌خواهد که زنان بازداشت‌شده را آزاد کنند. «شخصاً به اداره‌ی امنیت طالبان رفتم و گفتم زمانی که شما دختران را بازداشت کردید، من شاهد صحنه بودم و به چشم خود دیدم. البته من نمی‌توانستم بگویم که از زنان معترض هستم؛ بل که گفتم من از آن جا رد می‌شدم که اعتراض زنان و بازداشت شما را دیدم.» ع. ح. هم چنان به هم‌کارانش در سازمان ملل می‌گوید که پی‌گیر زنان بازداشت‌شده باشند؛ اما طالبان به کارمندان سازمان ملل می‌گویند که از آن زنان خبری ندارند و در زندان‌های این گروه نیست.

پس از این که «ع. ح» سراغ معترضان بازداشت‌شده را از استخبارات طالبان می‌گیرد، این نهاد می‌فهمید که او نیز در جمع معترضان بوده و در تعقیب او می‌افتند. «طالبان از آن پس مرا تعقیب داشتند. حتی کار به جایی رسید که من گاهی روزانه هر پنج ساعت بعد یک خانه بدل کرده‌ام. در هر خانه‌ی جدیدی که می‌رفتم پس از چهار-پنج ساعت آدرس مرا پیدا می‌کردند و من باید زودتر از رسیدن آنان خانه بدل می‌کردم.» «ع. ح» برای این که از سوی طالبان بازداشت نشود، ناچار می‌شود از بلخ به کابل بیاید؛ اما، سرانجام در این شهر از سوی طالبان بازداشت می‌شود. پس از مدتی و بعد از شکنجه‌های زیادی که در زندان طالبان متحمل می‌شود، با جمعی از معترضان زن از زندان طالبان آزاد شده و از کشور فرار می‌کنند.

### رفتن از افغانستان برای حفظ جان

«ع. ح»، می‌گوید که با دوام تهدیدهای طالبان، بعضی از اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه بلخ، مجبور شدند از افغانستان بیرون شوند. به گفته‌ی او، سمیه شیرزاد، زهرا موسوی، زهرا میرزاد، سمیه رحیمی، قدسیه شجاع‌زاده، کریمه شجاع‌زاده، راضیه رحیمی، فاطمه غیاثی، سیمه، صدیقه رؤفی، ثریا کریمی از اعضای این جنبش، پس از بارها تهدید، بازداشت و شکنجه‌شدن، برای دوام زندگی ناچار می‌شوند از افغانستان بیرون شده و هر کدام در گوشه‌ای از زمین آواره شوند.

اعضای جنبش زنان عدالت‌خواه بلخ پس از بازداشت‌شدن، پراکنده شده و اکنون ۱۰ تا ۱۵ معترض در این جنبش باقی مانده است. به گفته‌ی «ع. ح»، جنبش زنان عدالت‌خواه بلخ از آغاز تا اکنون، سه اعتراض خیابانی و ۱۲ برنامه‌ی اعتراضی در مکان‌های سرپوشیده برگزار کرده است. آخرین برنامه‌ی اعتراضی این جنبش در ۲۰ جنور ۲۰۲۲ در مکانی سرپوشیده برگزار شد.

در سه سال گذشته، زنان زیادی در ولایت‌های مختلف در برابر سیاست حذف زنان از سوی طالبان، به خیابان آمدند و فریاد عدالت زدند و گروه‌هایی هم در مکان‌های سرپوشیده برنامه‌ی اعتراضی برگزار کردند؛ اما در هر صورت با خشونت‌های طالبان روبه‌رو شده و دشواری‌های جان‌کاهی را به جان خریدند تا صدایی باشند برای خواست‌های زنان افغانستانی.

### نویسنده: عادلہ آذین نظری

به دنبال تسلط طالبان بر افغانستان و محدود شدن حقوق زنان، شماری از دانش‌جویان، کارمندان مؤسسه‌ها و فعالان حقوق بشر در چهارم سپتامبر ۲۰۲۱ در بلخ برای اعتراض در برابر طالبان موافقت کردند و گروهی را در فیسبوک برای برنامه‌ریزی ساختند. بیش‌تر این زنان که هم‌دیگر را نمی‌شناختند، در این گروه گرد آمده و به ایجاد جنبشی برای اعتراض‌های منظم و پیوسته در برابر سیاست سرکوب طالبان تصمیم گرفتند. این زنان، در ششم، هشتم و نهم سپتامبر همین سال، در خیابان‌های بلخ در برابر محدودیت‌های وضع‌شده بر زنان از سوی طالبان اعتراض کردند و جنبش زنان عدالت‌خواه بلخ نیز از همین جا شکل گرفت.

در نهم سپتامبر، زمانی که معترضان در خیابان‌های شهر مزارشریف، مرکز بلخ، راه‌پیمایی اعتراضی داشتند، استخبارات طالبان با خشونت تمام، نزدیک به چهل معترض زن را بازداشت کرد و شماری هم توانستند از چنگ طالبان فرار کنند. به دنبال این رویداد، اعضای جنبش به ۲۰ تا ۲۵ تن کاهش یافت و پس از آن، برای این که از بازداشت طالبان در امان بمانند، برنامه‌های اعتراضی شان را در مکان‌های سرپوشیده برگزار کردند.

معترضانی که توانسته بودند از جریان راه‌پیمایی نهم سپتامبر از دست طالبان فرار کنند، تا چند روزی از وضعیت و مکان نگهداری اعضای بازداشت‌شده، آگاهی نداشتند. بعدها که بازداشت‌شده‌ها آزاد شدند و خبرهای این رویداد همگانی شد، بازماندگان جنبش از وضعیت آن‌ها آگاهی یافتند.

طالبان برای این که روحیه‌ی اعتراض در معترضان را بکشد، در زندان معترضان را شکنجه‌ی جسمی و روانی کرده و در موردی‌ها، به آن‌ها تجاوز گروهی کرده و شماری را هم به رگبار بسته و جسد‌های شان را در خیابان رها کردند.

یکی از اعضای جنبش زنان بلخ که خواست با نام مستعار «ع. ح» از او یاد کنیم، در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه‌ی جاده‌ی ابریشم، می‌گوید: «طالبان زنان بازداشت‌شده در بلخ را لت‌وکوب کرده بودند، شوک برقی داده بودند و تجاوز جنسی هم کرده بودند. بعد از این همه بیداد، آخرسر جمعی را هم کشتند و جسد‌های شان را انداخته بودند.» او می‌افزاید که طالبان به زنان بازداشت‌شده می‌گفته که «ها روسی استند؛ زیرا، زنان مومن که علیه امرات اسلامی تظاهرات نمی‌کنند. «با همین ادعا، زنان را آن قدر می‌زدند که بی‌هوش می‌شدند و آنان را یک جای دیگر برده، بر آنان تجاوز جنسی می‌کردند.»

«ع. ح» که خودش نیز تجربه‌ی زندان طالبان را دارد، می‌گوید: «همین قدر می‌گویم که خدا حتی دشمن ما را هم اسیر طالبان نکند. طالبان آن قدر ظالم‌اند که در تصور نمی‌گنجد. ما که زندانی شدیم، بدترین حالت ممکن را در زندان طالبان سپری کردیم.» به گفته‌ی «ع. ح»، در کنار خشونت‌های طالبان بر زنان زندانی، خانواده‌های این زنان نیز پس از آزادی شان، بدترین رفتار ممکن را با آن‌ها داشته‌اند. او، می‌افزاید: «کثر دخترانی که در زندان از سوی طالبان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بودند، بعد از آزادی، توسط خانواده‌های شان کشته شدند.»

### تعقیب و تهدید اعضای جنبش از سوی طالبان

طالبان پس از بازداشت دسته‌جمعی معترضان زن در بلخ، پیوسته در تعقیب معترضانی بودند که توانسته بودند از محل اعتراض نهم سپتامبر فرار کنند. استخبارات طالبان در جریان تعقیب‌هایش، نشانی مکان‌های سرپوشیده‌ای که زنان در آن برنامه‌های اعتراضی شان را برگزار می‌کردند،





# جنبش صدای زنان افغانستان؛ مبارزه از راه آموزش

## Afghan Women's Voice Movement; Fighting through education

Written by: Adela Azin Nazari  
Translated By Mohammad Sakhi Rezaie

"Afghanistan Women's Voice Movement" is the first protest movement of Afghan women in Iran. Hadiyah Sahibzadeh, the leader and founder of this Movement, went to Iran in March 2022 because of the threats she received from the Taliban, and after three months, in June 2022, she brought together a number of immigrant women in this country with a common goal. They stood up against the Taliban. Among these people, there were human rights and women's rights activists, journalists, teachers and soldiers of the former government and started to sue with the slogans of "Education, Work, Freedom" and "Freedom, Justice, Equality".

The Afghan Women's Voice Movement, by holding secret protest programs in closed places, has tried to be the voice of Afghan women who are suffering from deprivation under the rule of the Taliban and to shout this voice in the best way possible.

### Functions and Programs

The Afghan Women's Voice Movement in Iran held two street protests after its formation; But due to the restrictions of the Iranian government, the protest of this group was moved to closed places. The first street protest of this movement was held in front of the German embassy in Tehran in response to the acceptance of the Taliban representative in Germany. In this protest program, members of the Afghan Women's Voice Movement were photographed without permission, and two policemen and an Iranian intelligence force threatened them with arrest and prosecution for their activities.

The members of the Afghan Women's Voice Movement have protested against the holding of the third Doha meeting, the gender apartheid exerted by the Taliban in Afghanistan, and also in response to the imprisonment of political prisoners including Julia Parsi, Neda Parwani and Manijeh Siddiqui. This movement protested against every order issued by the Taliban, which was against international laws and human rights, by issuing a declaration and asked the world to stand by them and bring the Taliban to justice for their crimes and primitive policies.

In addition to issuing protest notices, the Afghan Women's Voice Movement currently creates secret schools for female students above the sixth grade in remote parts of Afghanistan and teaches them voluntarily. Members of the Afghan Women's Voice movement organize literacy classes, psychological counseling and online health awareness for women staying at home in the country. These protesting women also work to deliver aid to needy women, some of whom live inside and others live in Iran.

### Members

The members of the Afghan women's voice Movement from Iran and Afghanistan have come together, among which 35 people from Afghanistan and 53 people from different provinces of Iran are active in this movement. Most of the members of this movement live in Iran. Members who protest from inside Afghanistan live in Badakhshan, Daykundi, Kabul, Nangarhar and Ghazni provinces. Batul Sadat, Fati-meh Khaleqi, Safura Seljuqi, Nilab Omarkhil, Shazia Ahmadi, Sara Sadat, Zainab Sadat and Shahrabano Hussaini are some of the members of this movement.

In the structure of Afghan Women's Voice Movement, men also stand by women and fight to achieve the rule of human rights values. This movement believes that in the fight against the Taliban, it should also have the support of men. This movement wants to organize popular uprisings with the cooperation of men and recruit and train people for military conflict with the Taliban.

### How to hold meetings

The members of the Afghan Women's Voice Movement, whether in Iran or in Afghanistan, hold meetings secretly. The prohibition of protest activities against the Taliban by the Iranian government has caused those members who live in this country to organize their protest programs secretly and in closed places. The members whose houses are in distant places of Iran rent a garden, at home or somewhere else and hold their protest program there.

### Limitations

The members of the Afghan Women's Voice Movement, whether in Afghanistan or in Iran, cannot easily protest due to the restrictions imposed by the Taliban and the Iranian government on the establishment of protest programs. In the meantime, those who live in Afghanistan are afraid of being identified and arrested by the Taliban; But still, by accepting the threats and dangers of this difficult path, they fight for freedom.

Mary- a pseudonym - a member of the Afghan Women's Voice Movement, who was threatened by the Taliban three times in different places because of her protests, says; Until women do not have the right to work, education, freedom of speech and the right to choose a spouse like men, she will continue her struggle.

Let's accept each other. To get the rights that we have lost."

Although the Afghan Women's Voice Movement has a difficult road ahead of it to reach its goal, like other women's protest movements, it has a good perspective for Afghanistan and tries to endure the hardships of this harsh path to achieve it.

نیز، کار می‌کنند که برخی از آن‌ها در داخل و برخی دیگر در ایران به سر می‌برند.

اعضای جنبش صدای زنان افغانستان از ایران و افغانستان کنار هم گرد آمده‌اند که در این میان، ۳۵ تن از افغانستان و ۵۳ تن از ولایت‌های مختلف ایران در این جنبش فعالیت دارند. بیش‌تر اعضای این جنبش، در ایران به سر می‌برند. اعضای که از داخل افغانستان فعالیت اعتراضی دارند، در بدخشان، دایکندی، کابل، ننگرهار و غزنی زندگی می‌کنند. بتول سادات، فاطمه خالقی، صفورا سلجوقی، نیلاب عمرخیل، شازیة احمدی، ساره سادات، زینب سادات و شهربانو حسینی، شماری از اعضای این جنبش هستند.

در جنبش صدای زنان افغانستان، مردان نیز در کنار زنان ایستاده‌اند و برای رسیدن به حاکمیت ارزش‌های حقوق بشری مبارزه می‌کنند. این جنبش، بر این باور است که در راه مبارزه با طالبان، حمایت مردان را نیز بایستی با خود داشته باشد. این جنبش، می‌خواهد که با هم‌کاری مردان، قیام‌های مردمی را سازمان‌دهی کرده و سربازگیری و آموزش افراد برای درگیری نظامی با طالبان را انجام دهد.

### چه‌گونه‌ی برگزاری نشست‌ها

اعضای جنبش صدای زنان افغانستان چه در ایران چه در افغانستان، به‌گونه‌ی پنهانی تشکیل جلسه می‌دهند. منع فعالیت اعتراضی علیه طالبان از سوی حکومت ایران، سبب شده که آن‌ها شمار از اعضای که در این کشور به سر می‌برند نیز، به شکل پنهانی و در مکان‌های سرپوشیده برنامه‌های اعتراضی شان را برگزار کنند. اعضای که خانه‌های شان در مکان‌های دور دست ایران باشد، در خانه یا هم جایی باغی را به کرایه می‌گیرند و در آن جا برنامه‌ی اعتراضی شان را برگزار می‌کنند.

### محدودیت‌ها

اعضای جنبش صدای زنان افغانستان چه در افغانستان چه در ایران، به دلیل محدودیت‌هایی که از سوی طالبان و حکومت ایران برای برپایی برنامه‌های اعتراضی وضع شده، نمی‌توانند به راحتی اعتراض کنند. در این میان، آن‌هایی که در افغانستان به سر می‌برند، هراس شناسایی و بازداشت از سوی طالبان را دارند؛ اما با این حال، با پذیرش تهدیدها و خطرهای این راه دشوار، برای رسیدن به آزادی مبارزه می‌کنند.

ماری - نام مستعار - یکی از اعضای جنبش صدای زنان افغانستان، که سه بار در مکان‌های مختلف به خاطر اعتراض‌هایش مورد تهدید طالبان قرار گرفته، می‌گوید؛ تا زمانی که زنان مانند مردان از حق کار، تحصیل، آزادی بیان و حق انتخاب همسر برخوردار نشوند، به مبارزه‌اش ادامه می‌دهد.

هدیه صاحب زاده نیز، می‌گوید: «تا زمانی مبارزه می‌کنیم که دولت خودساخته‌ی طالبان منحل و حکومت همه‌شمول که تمامی مذاهب، اقوام، زبان‌ها و محدودیت برای این‌ها نباشد، شکل بگیرد. هم‌دیگر پذیری به میان بیاید. تا حقوقی که از دست داده‌ایم را به دست بیاوریم.» جنبش صدای زنان افغانستان، با این که که راه دشواری را برای رسیدن به هدفش در پیش دارد، مانند دیگر جنبش‌های اعتراضی زنان، دورنمای خوشی را برای افغانستان در نظر دارد و می‌کوشد که برای رسیدن به آن، سختی‌های این مسیر پر نشیب‌و فراز را تحمل کند.

### نویسنده: عادلہ آذین نظری

«جنبش صدای زنان افغانستان»، نخستین جنبش اعتراضی زنان افغانستانی در ایران است. هدیه صاحب‌زاده، مسئول و بنیان‌گذار این جنبش، در مارچ ۲۰۲۲ به خاطر تهدیدهایی که از سوی طالبان متوجه او بود، به ایران رفت و پس از سه ماه، در جون ۲۰۲۲ شماری از زنان مهاجر در این کشور را کنار هم گرد آورد که هدف مشترک شان ایستادگی علیه طالبان بود. در میان این افراد، فعالان حقوق بشر و حقوق زنان، خبرنگاران، آموزگاران و نظامیان حکومت پیشین حضور داشتند و با شعارهای «تحصیل، کار، آزادی» و «آزادی، عدالت، برابری»، به دادخواهی آغاز کردند.

جنبش صدای زنان افغانستان، با برگزاری برنامه‌های اعتراضی پنهانی در مکان‌های سرپوشیده، تلاش کرد گلوئی برای صدای زنان افغانستانی که از محرومیت زیر حاکمیت طالبان رنج می‌برند، باشد و این صدا را بلندتر فریاد بزند.

### کارکردها و برنامه‌ها

جنبش صدای زنان افغانستان در ایران پس از شکل‌گیری، دو اعتراض خیابانی برگزار کرد؛ اما به دلیل محدودیت‌های حکومت ایران، اعتراض این گروه، به مکان‌های سرپوشیده کشیده شد. نخستین اعتراض خیابانی این جنبش، در برابر سفارت آلمان در تهران در واکنش به پذیرش نماینده‌ی طالبان در آلمان، برگزار شد. در این برنامه‌ی اعتراضی، از اعضای جنبش صدای زنان افغانستان بدون اجازه عکس گرفته شد و دو پلیس و یک نیروی استخبارات ایران، آن‌ها را تهدید به بازداشت و پیگرد قانونی فعالیت شان کرد.

دومین اعتراض خیابانی صدای زنان افغانستان، در برابر نمایندگی سازمان ملل متحد در ایران بود. در این اعتراض، اعضای جنبش، با سران دفتر نمایندگی سازمان ملل در ایران، دیدار کرده و از آن‌ها خواستند که با مقام‌های ایرانی وارد گفت‌وگو شده و از بازداشت، شکنجه و اخراج اجباری نظامیان حکومت پیشین و شهروندان افغانستان که در ایران به سر می‌برند، جلوگیری کند. به گفته‌ی جنبش صدای زنان افغانستان، دفتر نمایندگی سازمان ملل در ایران، اطمینان داده که برای رسیدگی به این مسئله تلاش خواهد کرد.

اعضای جنبش صدای زنان افغانستان، در مخالفت با برگزاری نشست سوم دوحه، آرتاید جنسیتی اعمال شده از سوی طالبان در افغانستان و همین‌طور، در واکنش به زندانی‌بودن زندانیان سیاسی از جمله ژولیا پارسی، ندا پروانی و منیژه صدیقی اعتراض کرده‌اند. این جنبش، در برابر هر فرمان صادر شده از سوی طالبان که مخالف قوانین بین‌المللی و حقوق بشری بوده، با صدور اعلامیه اعتراض کرده و از جهان خواسته که کنار آن‌ها بایستند و طالبان را به خاطر جنایت‌ها و سیاست‌های بدوی شان به محاکمه بکشاند.

جنبش صدای زنان افغانستان در کنار صدور اعلامیه‌های اعتراضی، در حال حاضر، در بخش‌های دور دست افغانستان به دانش‌آموزان دختر بلندتر از صف ششم، مکتب‌های پنهانی ایجاد کرده و به گونه‌ی رضاکارانه به آن‌ها آموزش می‌دهد.

اعضای جنبش صدای زنان افغانستان، به زنان خانه‌نشین در کشور، صنف‌های سوادآموزی، مشاوره‌ی روانی و آگاهی‌دهی بهداشتی آنلاین برگزار می‌کنند. این زنان معترض، برای رساندن کمک‌ها برای زنان تنگ‌دست



"Afghanistan Women's Voice Movement" is the first protest movement of Afghan women in Iran. Hadiyah Sahibzadeh, the leader and founder of this Movement, went to Iran in March 2022 because of the threats she received from the Taliban, and after three months, in June 2022, she brought together a number of immigrant women in this country with a common goal. They stood up against the Taliban. Among these people, there were human rights and women's rights activists, journalists, teachers and soldiers of the former government and started to sue with the slogans of "Education, Work, Freedom" and "Freedom, Justice, Equality".

# جنبش همبستگی زنان؛ مبارزه برای آینده بهتر

## Women's solidarity movement; Fighting for a better future

Written by: Adela Azin Nazari  
Translated By Mohammad Sakhi Rezaie

After the Taliban took control of Kabul and they imposed restrictions on the presence of women and girls in society, women in different cities spontaneously took to the streets and protested against this situation. Slowly, these movements were organized in specific frameworks and groups of women formed their protest movements. One of these groups is "Women's Solidarity Movement" which was founded by Farzaah Ayoubi.

Ms. Ayoubi tells the Silk Way that after the collapse of the republic and the beginning of the Taliban's rule, women spontaneously protested against the authoritarian and misogynistic behavior of the Taliban. "But in order to prevent disorder and dispersion, a number of movements were formed to protest with a purpose, with a plan and from a specific address." Ms. Ayoubi says that the goal of the women's solidarity movement is to fight for the reviving of women's rights and to establish justice in society. The members of this movement, who are from different provinces, are trying to be a voice for millions of Afghan women and girls who are deprived of their basic rights under the shadow of Taliban rule. Ayoubi says: "It is a happy and fortunate moment that in the women's solidarity movement, women from all ethnic groups and from all different provinces of Afghanistan are spontaneous, purposeful and fight for a better future for women and the people of Afghanistan."

At the time of the establishment of the women's solidarity movement, it had nearly 20 members some of whom had previous acquaintances and some who did not; But they trusted each other and were protesting together for one goal, which is to reject the suppressive policy of the Taliban. Ms. Ayoubi says that Shabnam Azizi, Fayeze Zarak, Saleha Mateen, Shaesta Safi, Mahnaz Hejran, Fereshte Qarizadah and Anousha Azizi are some of the members of this movement.

While the women's solidarity movement is a women's movement; But behind the scenes, it also has male colleagues who work in text production, design and other parts and planning.

Due to the security threats from the Taliban that were/are directed at the protest groups, the members of the women's solidarity movement have planned their activities in such a way that the lives of their colleagues and members of this movement are not endangered. This movement has expressed its opposition to the misogynistic behavior of the Taliban mostly in the form of

street protests and gatherings in closed places and creating # on specific topics.

Mrs. Ayoubi says that the women's solidarity movement works for the realization of justice and the fulfillment of the rights of Afghan women, based on the needs and conditions. He adds that this movement has held more than twenty street protests and nearly forty protests in closed places, both inside and outside of Afghanistan. Currently, the movement holds all its meetings online through virtual programs.

In addition to Afghanistan, the members of the Women's Solidarity Movement live in other countries such as Turkey, Pakistan, Iran, Canada, and Australia.

The members of the women's solidarity movement, like other protest movements, have realized that Mrs. Ayoubi is an example of serious threats from the Taliban. She says; When he protested against the restrictions imposed by the Taliban individually, she was threatened by the Taliban. She says: "In the evening of the same day that I had a solo protest, when I returned home, someone informed the police and I had sent and they has sent Taliban memeners after me. "My phone kept ringing and threatening messages until around one o'clock in the night, I somehow left the house with my husband." After this, Mrs. Ayoubi took refuge with her husband in the house of her friends and relatives; Then she spends some time in different provinces; But the persistence of Taliban threats made her to go to Pakistan and now she lives in Canada.

A number of other members of the women's solidarity movement have fled to Iran, Pakistan, Turkey and some other countries due to the threat of the Taliban. But there are still some of its members left in Afghanistan who are seriously under threat. According to Ms. Ayoubi, they use their friends' and relatives' mobile phones to communicate with members of the movement in order to keep their location a secret and not fall into the trap of the Taliban.

Although the conditions in Afghanistan are difficult for the members of the Women's Solidarity Movement, those members of this movement who have gone to Pakistan, Iran and Turkey due to security threats are also facing many problems, especially the problems of financial resources. But being stuck in this situation did not let them lose the motivation to fight against the Taliban policy. The members of the women's solidarity movement continue to express their opposition to the misogynistic policy of the Taliban by holding protest programs on different occasions and at different times.

حاکمیت جنسیت‌زده طالبان ابراز کرده‌اند. خانم ایوبی، می‌گوید که جنبش همبستگی زنان، بر اساس نیاز و شرایط، به خاطر تحقق عدالت و برآورده شدن حقوق زنان افغانستانی فعالیت می‌کند. او، می‌افزاید که این جنبش چه در داخل و چه در بیرون از افغانستان، بیش از بیست اعتراض خیابانی و نزدیک به چهل اعتراض در مکان‌های سر بسته برگزار کرده است. در حال حاضر، این جنبش همه‌ی جلسه‌هایش را به شکل آنلاین و از طریق برنامه‌های مجازی برگزار می‌کند.

اعضای جنبش همبستگی زنان افزون بر افغانستان، در کشورهای دیگری مانند ترکیه، پاکستان، ایران، کانادا، استرالیا زندگی می‌کنند.

اعضای جنبش همبستگی زنان نیز مانند دیگر جنبش‌های اعتراضی، با تهدیدهای جدی از سوی طالبان متوجه بوده‌اند که خانم ایوبی، نمونه‌ای از آن است. او، می‌گوید: زمانی که در برابر محدودیت‌های وضع شده از سوی طالبان به شکل انفرادی اعتراض داشت، از سوی طالبان تهدید شده است. می‌گوید: «شب همان روزی که اعتراض انفرادی داشتم، وقتی که به خانه برگشتم، کسی به حوزه خبر داده و حوزه به دنبال من طالب فرستاده بود. در تلفنم چندین بار زنگ و پیام‌های تهدیدآمیز می‌آمد تا این که حدود ساعات یک بجای شب همراه با شوهرم به نحوی از خانه خارج شدیم.» پس از این، خانم ایوبی همراه شوهرش، به خانه‌ی دوستان و بستگانش پناه می‌برد؛ سپس مدتی را در ولایت‌های مختلف سر می‌کند؛ اما دوام تهدیدهای طالبان سبب می‌شود که به پاکستان برود و حالا هم در کانادا زندگی می‌کند.

شماره‌ی دیگر از اعضای جنبش همبستگی زنان، به خاطر تهدید طالبان به ایران، پاکستان، ترکیه و بعضی کشورهای دیگر فرار کرده‌اند؛ اما هنوز چند نفر از اعضای آن در افغانستان باقی مانده که به گونه‌ی جدی زیر تهدید قرار دارند. به گفته‌ی خانم ایوبی، آن‌ها به دلیل این که موقعیت‌شان را مخفی نگه دارند و در دام طالبان نیفتند، برای ارتباط گرفتن با اعضای جنبش، از موبایل دوستان و بستگان‌شان استفاده می‌کنند.

با این که شرایط در افغانستان برای اعضای جنبش همبستگی زنان دشوار است، اما آن‌ها شمار از اعضای این جنبش که به دلیل تهدیدهای امنیتی به پاکستان، ایران و ترکیه رفته‌اند نیز، با مشکلات زیادی به ویژه مشکلات اقتصادی دست‌و‌گریبان هستند؛ اما گیر کردن در این وضعیت، نگذاشته که آن‌ها انگیزه‌ی مبارزه در برابر سیاست طالبان را از دست بدهند. اعضای جنبش همبستگی زنان، هم‌چنان با برگزاری برنامه‌های اعتراضی در مناسبت‌های مختلف و زمان‌های مختلف، مخالفت‌شان را در برابر سیاست زن‌ستیزانه‌ی طالبان اعلام می‌کنند.

با این که هدف جنبش همبستگی زنان، مبارزه برای بازپس‌گیری حقوق زنان و برپایی عدالت در جامعه است. اعضای این جنبش که از ولایت‌های مختلف هستند، تلاش دارند گلویی باشند برای صدای میلیون‌های زن و دختر افغانستانی که زیر سایه‌ی حاکمیت طالبان از حقوق اساسی‌شان محروم شده‌اند. ایوبی می‌گوید: «جای خوشی و خوشبختی است که در جنبش همبستگی زنان، زنان از همه‌ی اقوام و از همه‌ی ولایت‌های مختلف افغانستان خودجوش، هدفمند و برای یک آینده‌ی بهتر برای زنان و مردم افغانستان مبارزه می‌کنند.»

در زمان ایجاد جنبش همبستگی زنان، شمار اعضای آن نزدیک به ۲۰ تن بود که شماری از آن‌ها با هم شناخت قبلی داشتند و شماری هم نداشتند؛ اما آن‌ها به هم اعتماد داشته و یک‌جا برای یک هدف که نپذیرفتن سیاست سرکوب طالبان است، فعالیت اعتراضی می‌کردند. خانم ایوبی، می‌گوید که شب‌نم عزیزی، فایزه زیرک، صالحه متین، شایسته صافی، مهناز هجران، فرشته قاری‌زاده و انوشه عزیزی، چند تن از اعضای این جنبش هستند.

در حالی که جنبش همبستگی زنان، جنبشی زنانه است؛ اما در پشت صحنه هم‌کاران مرد نیز دارد که در تولید متن، دیزاین و دیگر بخش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها فعالیت می‌کنند.

نویسنده: عادلہ آذین نظری

پس از تسلط طالبان بر کابل و محدودیت‌هایی که روی حضور زنان و دختران در جامعه از سوی این گروه وضع شد، زنان در شهرهای مختلف به شکل خودجوش به خیابان‌ها برآمدند و در برابر این وضعیت اعتراض کردند. آهسته آهسته، این حرکت‌ها در چهارچوب‌های مشخصی سامان یافت و گروه گروه از زنان، جنبش‌های اعتراضی‌شان را شکل دادند. یکی از این گروه‌ها، «جنبش همبستگی زنان» است که توسط فرزانه ایوبی، بنیان گذاشته شد.

خانم ایوبی، به جاده‌ی ابریشم می‌گوید که پس از فروپاشی جمهوری و روزهای شروع حاکمیت طالبان، زنان به شکل خودجوش بر رفتار و نوع حاکمیت استبدادی و زن‌ستیزانه‌ی طالبان اعتراض می‌کردند؛ «ما به خاطر جلوگیری از بی‌نظمی‌ها و پراکندگی‌ها، یک تعداد جنبش‌ها شکل گرفتند تا هدفمند، با برنامه و از آدرس مشخص فعالیت و اعتراض کنند.»

خانم ایوبی می‌گوید که هدف جنبش همبستگی زنان، مبارزه برای بازپس‌گیری حقوق زنان و برپایی عدالت در جامعه است. اعضای این جنبش که از ولایت‌های مختلف هستند، تلاش دارند گلویی باشند برای صدای میلیون‌های زن و دختر افغانستانی که زیر سایه‌ی حاکمیت طالبان از حقوق اساسی‌شان محروم شده‌اند. ایوبی می‌گوید: «جای خوشی و خوشبختی است که در جنبش همبستگی زنان، زنان از همه‌ی اقوام و از همه‌ی ولایت‌های مختلف افغانستان خودجوش، هدفمند و برای یک آینده‌ی بهتر برای زنان و مردم افغانستان مبارزه می‌کنند.»

در زمان ایجاد جنبش همبستگی زنان، شمار اعضای آن نزدیک به ۲۰ تن بود که شماری از آن‌ها با هم شناخت قبلی داشتند و شماری هم نداشتند؛ اما آن‌ها به هم اعتماد داشته و یک‌جا برای یک هدف که نپذیرفتن سیاست سرکوب طالبان است، فعالیت اعتراضی می‌کردند. خانم ایوبی، می‌گوید که شب‌نم عزیزی، فایزه زیرک، صالحه متین، شایسته صافی، مهناز هجران، فرشته قاری‌زاده و انوشه عزیزی، چند تن از اعضای این جنبش هستند.

در حالی که جنبش همبستگی زنان، جنبشی زنانه است؛ اما در پشت صحنه هم‌کاران مرد نیز دارد که در تولید متن، دیزاین و دیگر بخش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها فعالیت می‌کنند.

به دلیل تهدیدهای امنیتی از سوی طالبان که متوجه گروه‌های اعتراضی بود، اعضای جنبش همبستگی زنان، فعالیت‌های‌شان را طوری برنامه‌ریزی کرده‌اند که جان هم‌کاران و اعضای این جنبش به خطر نیفتد. این جنبش، بیش‌تر به شکل اعتراض‌های خیابانی و گرد هم آیی در مکان‌های سر بسته و هشتک‌گذاری، مخالفت‌شان را با



# جنبش فانوس آزادی؛ در برابر سیاست حذف Freedom Fanous Movement; protests against the Taliban discriminatory policies



Written by: Adela Azin Nazari  
Translated By Mohammad Sakhi Rezaie

When Taliban seized power in 2021 again, first girls above sixth grade were banned from education and then women were banned from working in public offices. On 3 September 2021, a number of women and girls took to streets of Kabul and protested against the Taliban policies by gathering at Fawar e Ab (water Fountain) in Kabul. More than 40 women and girls had participated in this protest march.

A number of women participating in this march, including Ms. Hajar, Hemasa, and Hasina Sarwari formed "Freedom Fanous Movement", in order to better raise the voice of women. Hasina Sarwari says while Taliban called any protest against the policies of this group as rebellion, and violently punished them, she and other women protestors formed "Freedom Fanous Movement" after months of efforts and fear under Taliban regime.

## Protest Programs

The "Freedom Fanous Movement", has organized more than 50 protest programs. Most of these protest programs have been held in Kabul, Badakhshan, Konduz, Baghlan, and some other provinces. It has held protest programs in Pakistan and Iran in rare cases. The first protest program which members of "Freedom Fanous Movement", participated was the protest organized on 3rd September in Kabul. On this date, a number of women gathered at Fawar e Ab square, without being organized by any organization, to protest the Taliban exclusive policies. Taliban suppressed the protest and beat the participants. Next day, women protest march from beside the Administrative Office of the President and Taliban dispersed the women protestors by firing in the air and tear gas. Thus, some of women were injured in the protest.

Hasina Sarwaris says they created a WhatsApp group to coordinate and implement their protest activities in an effective manner.

"Freedom Fanous Movement" conducted a protest program in September 19 in front of the former Ministry of Women's Affairs that is changed to the Ministry of Promoting the Virtue and Preventing the Vice. This movement conducted a protest program in September 20, 2021 in front of Rabia Balkhi High School, but Taliban blocked their way and then they conducted their protest march in Baghe Chihilsoton of Kabul.

## Men's Opposition

Hasina Sarwari the General Manager and one of the founders of "Freedom Fanous Movement", says this movement has organized its protests without participation of men. She says most of the men of the members of "Freedom Fanous Movement" have opposed with participation of their family female members in the protests. In some cases, they have insulted and beaten the female members of their families over participating in protests against the Taliban discriminatory policies.

## Arrest and Torture

Members of "Freedom Fanous Movement" have faced detention and torture as many other women's rights protesting women in Afghanistan. 8 members of "Freedom Fanous Movement" were detained and tortured in August 20, 21. But the members of "Freedom Fanous Movement" say they are determined to fight against girls' education, work, and political participation ban. "We will fight until Taliban regime is toppled and until Afghan girls, women and all Afghans enjoy their basic rights and Afghanistan is free from the shopkeepers of religion and terrorist groups." Hasina asserted.

After Taliban imposed restrictive pol-

icy in some areas of Kabul, women's rights activists, including Hasina Sarwari, organized a protest in front of the former Ministry of Women's Affairs. The protest was blocked by Taliban forces. In another instance, a group of women protesting in front of Rabia Balkhi High School were also blocked by Taliban forces.

Hasina Sarwari says they created a WhatsApp group to coordinate and implement their protest activities in an effective manner. "Freedom Fanous Movement" conducted a protest program in September 19 in front of the former Ministry of Women's Affairs that is changed to the Ministry of Promoting the Virtue and Preventing the Vice. This movement conducted a protest program in September 20, 2021 in front of Rabia Balkhi High School, but Taliban blocked their way and then they conducted their protest march in Baghe Chihilsoton of Kabul.

Hasina Sarwari the General Manager and one of the founders of "Freedom Fanous Movement", says this movement has organized its protests without participation of men. She says most of the men of the members of "Freedom Fanous Movement" have opposed with participation of their family female members in the protests. In some cases, they have insulted and beaten the female members of their families over participating in protests against the Taliban discriminatory policies.

Hasina Sarwari says while Taliban called any protest against the policies of this group as rebellion, and violently punished them, she and other women protestors formed "Freedom Fanous Movement" after months of efforts and fear under Taliban regime.

Hasina Sarwari the General Manager and one of the founders of "Freedom Fanous Movement", says this movement has organized its protests without participation of men. She says most of the men of the members of "Freedom Fanous Movement" have opposed with participation of their family female members in the protests. In some cases, they have insulted and beaten the female members of their families over participating in protests against the Taliban discriminatory policies.

Hasina Sarwari the General Manager and one of the founders of "Freedom Fanous Movement", says this movement has organized its protests without participation of men. She says most of the men of the members of "Freedom Fanous Movement" have opposed with participation of their family female members in the protests. In some cases, they have insulted and beaten the female members of their families over participating in protests against the Taliban discriminatory policies.

Hasina Sarwari the General Manager and one of the founders of "Freedom Fanous Movement", says this movement has organized its protests without participation of men. She says most of the men of the members of "Freedom Fanous Movement" have opposed with participation of their family female members in the protests. In some cases, they have insulted and beaten the female members of their families over participating in protests against the Taliban discriminatory policies.

عاده آذین نظری پس از بازگشت طالبان به قدرت، در ابتدا، دختران حق آموزش بالاتر از صنف ششم و زنان نیز حق کار در نهادهای حکومتی را از دست دادند. در اعتراض به این وضعیت، شماری از زنان و دختران در سوم سپتامبر ۲۰۲۱ در چهارراه فواره آب شهر کابل، راهپیمایی به راه انداختند. در این اعتراض، بیش از ۴۰ زن و دختر اشتراک کرده بود. شماری از زنان اشتراک کننده در این اعتراض به شمول هاجر، حماسه و حسینا سروری، برای فراگیرتر شدن صدای اعتراض زنان، گروهی را زیر نام «جنبش فانوس آزادی» شکل دادند. حسینا سروری، مدیر این جنبش، می گوید؛ در حالی که طالبان هر گونه اعتراض در برابر سیاست های این گروه را «بغاوت» خوانده و عاملان آن را مجازات کرده اند، او و شماری دیگر از معترضان، پس از ماه ها تلاش جمعی در فضای پر از ترس زیر حاکمیت طالبان، با انگیزه قوی مبارزه، جنبش فانوس آزادی را شکل دادند.

جنبش فانوس آزادی در بیش از سه سال گذشته، بیش از ۵۰ برنامه ای اعتراضی راه اندازی کرده است. بیشترین اعتراض های این جنبش در شهر کابل و سپس در بدخشان، کندز، بغلان و چند ولایت دیگر که اعضای آن حضور داشته، برگزار شده است. در برخی موارد، این جنبش در پاکستان و ایران نیز برنامه های اعتراضی راه اندازی کرده است.

نخستین اعتراضی که اعضای جنبش فانوس آزادی در آن شرکت داشتند، اعتراضی خودجوش زنان در سوم سپتامبر در شهر کابل بود. در این تاریخ، شماری از زنان با تصمیم فردی و بدون هماهنگی با دیگران، در چهارراه فواره آب شهر کابل در برابر سیاست حذف زنان از سوی طالبان راهپیمایی کردند. این اعتراض از سوی طالبان سرکوب شده و معترضان نیز لتوکوب شدند. فردای آن روز، زنان از خیابان کنار اداره امور ارگ راهپیمایی اعتراضی شان را آغاز کردند که افراد طالبان با گاز اشک آور و شلیک گلوله، همه زنان را متفرق کردند و تعدادی از زنان نیز در اثر لتوکوب، زخمی شدند.

خانم حسینا سروری، می گوید که معترضان برای این که بتوانند برنامه های اعتراضی شان را به شکل منظم و اثرگذار به پیش ببرند، برای هماهنگی گروه تماشایی را در دسترس ایجاد کردند.

جنبش فانوس آزادی، در هشتم سپتامبر ۲۰۲۱

ing programs against the Taliban gender apartheid policy. Many women have been detained, put in prison and tortured by the Taliban over the past three years.

# صدای ممنوعه!

الهه سرور برای زنان افغانستان می‌خواند

## The Forbidden Voice Elaha Soroor Sings For The Women of Afghanistan

Written by: Khaleq Ebrahimi  
Translated By Mohammad Sakhi Rezaie

Elaha Soroor, the famous Hazarah singer and composer, in her latest song, addressed the issue of banning women's voices in Afghanistan and dedicated her song to the women's movement "Bread, Work, Freedom".

Elaha wrote on her Facebook page that this song is a tribute to the fighting women and girls of Afghanistan. Those who battle for their lost rights and have resisted oppression and discrimination: "Paying tribute to our sisters in Afghanistan who continue to fight for their rights. They stand strong and proud in the face of adversity."

In this song, Sunita Alizadeh accompanied the Afghan rapper Elaha Soroor and other women worked with her in the technical parts. By publishing this song, Elaha declared her support for the "Bread, Work, and Freedom" women's movement, asked others to join this movement and also said that she is proud of the fighting women of her country: "I am proud to be a part of the equality movement and if you believe in this cause, please join us."

Elaha has previously worked on Afghan women and released the album "Songs of our Mothers" in collaboration with "Kefaye" music group in 2019. After the release of this album, she and her band received a music award from "Songlines Magazine" of Britain. Songlines is one of the most recognized art magazines in the world and the award is given to

serious music artists.

The songs of our mothers" is the only album of Elaha Soroor the music group "Kafaye" which has nine songs, all of which are taken from the folk songs people of Afghanistan. The songs that were sung by women before this, the Elaha recreated them with exceptional performance and better music. In this collection, Elaha has worked more on the Malistani style - one of the most popular styles of Hazarah music - and has reproduced the cover version of the songs attributed to Abe Mirza.

One of the new and impressive works of Elaha is the collection of songs that she performed live with her band at the "Revival of the Roots" concert. The published video tape of this concert was met with an unprecedented reception on social networks. In this collection of local songs, Elaha Sarwar has combined the tamborah with other musical instruments such as ney, oud, tabla and guitar and combined it with the local styles of Hazarahs people. Her performances in this concert surprised the local art fans of Hazarahs.

Previously, the music of Hazarahs, like other cultural assets of these people, rubbed a little deep on the forehead and kissed its roots and mostly floated on the surface. It is true that it made people happy, sad, and sometimes very nostalgic, but it seemed that it was a cuckoo in the nest (or a taffeta woven separately from other nations and people). Many people have tried their luck to combine tamborah with other musical instruments including Sarkhosh, Khavari, Sakhizadeh, Shaukat Sabour, etc., but the work of the goddess is surprisingly attractive and exceptional.

Elaha has been living in London for several years, studied opera music in India and received a bachelor's degree in animation from the University of the Arts, London. Before this, she has also held protest performances and by publishing the song "Bread, Work, and Freedom" and has supported women's protests against the severely restrictive laws of the Taliban. She joins the ranks of protesting women while the Taliban has banned women's voices from education, study, work and travel.

نویسنده: خالق ابراهیمی

الهه سرور آوازخوان و آهنگ‌ساز معروف هزاره در تازه‌ترین آهنگی که بیرون داده است، به موضوع ممنوعیت صدای زنان در افغانستان پرداخته و آهنگش را به جنبش زنان «نان، کار، آزادی» تقدیم کرده است. الهه در صفحه‌ی فیسبوکش نوشته است که این آهنگ ادای احترام به زنان و دختران مبارز افغانستان است. آن‌ها که برای حقوق از دست رفته‌ی شان مبارزه می‌کنند و در برابر ستم و تبعیض مقاومت کرده‌اند: «ادای احترام به خواهران ما در افغانستان که هم‌چنان به مبارزه برای حقوق خود ادامه می‌دهند. آنان قوی و سربلند در برابر ناملایمات ایستاده‌اند». در این آهنگ، سونیتا علی‌زاده، رب‌خوان افغانستان الهه سرور را همراهی کرده و زنان دیگر در بخش‌های فنی با او کار کرده‌اند. الهه با نشر این آهنگ از جنبش زنان «نان، کار، آزادی» اعلام حمایت کرده، از دیگران نیز خواسته که به این جنبش بپیوندند و نیز گفته است که به زنان مبارز کشورش افتخار می‌کند: «من افتخار می‌کنم که بخشی از جنبش برابری زنان در افغانستان هستم و اگر به این هدف اعتقاد دارید، لطفاً به ما بپیوندید».

الهه سرور پیش از این نیز در مورد زنان افغانستان کار کرده و با همکاری گروه موسیقی «کفایه» آلبوم «ترانه‌های مادران ما» را در سال ۱۳۹۹ منتشر کرد. پس از نشر این آلبوم او و گروه موسیقی‌اش از سوی «مجله‌ی سانگ‌لایز» بریتانیا جایزه موسیقی دریافت کردند. سانگ‌لایز از مجله‌های هنری شناخته شده در جهان است و این جایزه به هنرمندان جدی موسیقی تعلق می‌گیرد.

«ترانه‌های مادران ما» یگانه آلبوم الهه سرور و گروه موسیقی «کفایه» نه آهنگ دارد که همه از ترانه‌های فولکلور مردم افغانستان گرفته شده است. ترانه‌های که قبل از این توسط زنان خوانده شده، الهه آن‌ها را با اجرای استثنایی و با موسیقی بهتر، بازآفرینی کرده است. در این مجموعه، الهه سرور بیشتر روی سبک مالستانی - یکی از سبک‌های پرطرفدار موسیقی هزاره‌ها - کار کرده و ترانه‌های منتخب به آیه میرزا را بازخوانی کرده است.

از کارهای جدید و تاثیرگذار الهه سرور یکی هم مجموعه آهنگ‌های ست که او با گروه موسیقی‌اش در کنسرت «حیای ریشه‌ها» به صورت زنده اجرا کرد. نوار تصویری نشر شده از این کنسرت با استقبال بی‌پیشینه در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شد. الهه سرور در این مجموعه آهنگ‌های محلی، دمبوره را با دیگر آلات موسیقی چون نی، عود، طبله و گیتار ترکیب کرده و با سبک‌های محلی هزاره‌ها تلفیق کرده است. اجراهای او در این کنسرت هواداران هنرهای محلی هزاره‌ها را شگفت‌زده کرد.

پیش از این، موسیقی هزاره‌ها به مانند سایر داشته‌های فرهنگی این مردم، اندکی در اعماق پیشانی بر خاک می‌سایید و به ریشه‌های خود بوسه می‌زد و اکثراً در سطح شناور بود. درسته که شاد می‌کرد، غمگین می‌کرد و گاهی بسیار هم نوستالژیک بود اما به نظر می‌رسید که تافته‌ای جدا بافته از ملل و مردم دیگر است. برای پیوند زدن دمبوره با دیگر ابزارهای موسیقی آدم‌های زیادی بخت خویش را آزموده‌اند. سرخوش، خاوری، سخی‌زاده، شوکت صبور و... اما کار الهه به شکل شگفت‌انگیز جذاب و استثنایی به شمار می‌رود.

الهه سرور از چند سال به این سو در لندن زندگی می‌کند، در هند در بخش موسیقی اپرا تحصیل کرده و در بخش انیمیشن از دانشگاه هنرهای لندن لیسانس گرفته است. او قبل از این نیز اجراهای اعتراضی داشته و با نشر آهنگ «نان، کار، آزادی» از اعتراضات زنان بر علیه قوانین به شدت محدود کننده طالبان، حمایت کرده است. او در حالی به صف زنان معترض می‌پیوندد که بر علاوه ممنوعیت آموزش، تحصیل، کار و سفر، شنیدن صدای زنان نیز از سوی طالبان ممنوع اعلام شده است.



# زبان رنجها؛ گفت و گویی با الهه سرور، آوازخوان و ترانه‌سرا

## The Voice of Sufferings; A Dialogue with Elaha Soroor, Singer

Mohammad Ahmady and Esmat Altaf  
Translated by Mohammad Sakhi Rezaie

**Silk Way Weekly:** Ms. Elaha Soroor, in this issue of the Silk Way weekly, is going to dwell on the Afghan women's movements and collect discussions and materials about the continuous activities and tireless struggles of Afghan women and girls; Women and girls who have not sat silent for three years under the rule of dark-minded people and terrorists and have not stopped fighting for their human rights and human demands.

We are glad that you provided the context for this conversation. Until now, most of what we have heard from the you, Elaha have been folkloric songs; Beautifully performed songs and innovations can be seen in your works. We want to know, where does this interest and attachment come from and what is the reason for this attachment?

**Elaha Soroor:** Folk music connects me to my childhood and the life of my parents. It helps me get to know them better and finally get to know myself and it gives me self-confidence. Artists are historians of their era and time. A society that does not have history, art and stories are vulnerable and can be removed as if they never existed. Today, when music is considered haram in Afghanistan, I consider it my duty to leave the stories that I have learned and which form a part of my identity to the next generation.

**Silk Way Weekly:** The album "Our Mothers' Songs" is also folkloric. Talk a little about this album. How did you get the idea to perform the songs of Afghan mothers?

**Elaha Soroor:** When I had just migrated, I felt deeply confused. During this time, our mothers' songs gave me encouragement and comfort; The songs that brought me closer to my family and to Afghanistan. In the heart of these songs, you can recognize the thoughts of my mother's generation. The life of the mother has a great influence on the formation of the character and identity of the future human being, and in order to find ourselves, we must be aware of the past, our mother and our roots. Among the other reasons for addressing these songs was to introduce the cultural face of Afghanistan to my host country, England; A face that has rarely been seen in international scenes. This album was like an exercise book for collaborating with different styles and ideas. Also, providing a bridge of communication for the immigrants who were born outside of Afghanistan to maintain their connection with Afghanistan through these songs.

**Silk Way Weekly:** As far as we have listened to your songs, you also manipulate and modernize folk songs. What do you think about singing songs?

**Elaha Soroor:** I believe that an artist must be a good listener in order to grow and evolve. They shall have the ability to hear the voices of others and understand the artistic thoughts of others. Recreating or translating folklore works is an exercise in becoming a good listener. Folkloric works have always been passed down from one generation to another through this process and have continued to exist.

**Silk Way Weekly:** "Our mothers' songs-Album" includes how many songs? Where and how were these songs collected?

**Elaha Soroor:** Understanding folk music, like a university, has helped me find my own unique voice. It allowed me to have a deeper understanding of art. The album "Our Mothers' songs" contains nine songs. In childhood and adolescence, in the carpet weaving workshop or women's circles, we used to perform these songs by playing the Tambourine" or only vocally. Sometimes, we would lend each other tapes and cassettes, which were very rare, so that we could listen to carpet weaving. This album is like turning the pages of a diary that is connected with bitter and sweet moments. I collaborate with different musicians in England; including Kefaye group which we met in 2016 and collaborated in the production of this album.



**Silk Way Weekly:** For many audience, the lyrics of a song are its essential and important element. That is, they don't just enjoy the melody. They consider poetry or song to be the basic pillar of musical art and enjoy strong and artistic poetry along with melody. We would like to ask, how passionate you are in choosing the songs and poems you sing? We mean, how important is the literary and power of poetry to you and how do you choose these?

**Elaha Soroor:** Undoubtedly, it is also important for me to introduce the art to the audience. I always read the news and works of Persian and English poets and writers to broaden my view and perception of the world. I like to have a close friendly relationship with my fellow poets and artists in order to gain more access to their world of thoughts. I believe that there should be music for every mood. Poetry can be simple and in the language of street and market; but to convey deep concepts. Of course, it is the duty of the artist to introduce new ideas and styles; But complex forms of poetry and complex words do not always mean better. There should be enough artwork in different styles for the audience to choose from; It means art that can express the mood of their moments.

**Silk Way Weekly:** Lack of attention to poems and lyrics sometimes makes the rhythm of the song incompatible with the content of the lyrics. We have seen many times in the work of our young artists that the content of the poem was sad; But the rhythm of the music, happy. Or vice versa. This incident makes the parts of the song not match and does not have a single effect on the singer. This point can also be considered a disadvantage. What do you think about this?

**Elaha Soroor:** I am not a fan of idealism. Everyone should be allowed to create art in their own way. Creating perfect, universal and excellent art is not an easy task; This process requires repetition, practice and sometimes mistakes. Of course, nothing is perfect; Therefore, it is up to the audience to determine what they enjoy and what art they connect with.

**Silk Way Weekly:** As we mentioned earlier, you have mostly gone for Hazaras folk songs. One of the problems that Hazaras folkloric couplets have is the pronunciation of their words; Because Hazara people speak different dialects. These dialects are so diverse that the dialect is different from one village to another, or from one district to another. You did not face this problem in the album "Our Mothers' Songs"?

**Elaha Soroor:** I have always been criticized for my accent. When I was younger, I sometimes tried to change myself for others; But this attempt was incorrect and misplaced. People always have their opinion. If they don't want to, they won't change. Therefore, being ourselves is much more meaningful and impactful.

...more on Page 22

محمد احمدی و عصمت الطاف

**جاده‌ی ابریشم:** خانم الهه سرور، هفته‌نامه‌ی جاده‌ی ابریشم، در این شماره‌ی خود قرار است به جنبش‌های زنان افغانستان درنگ کند و گفت‌وگوها و مطالبی را پیرامون فعالیت‌های دوامدار و مبارزات خستگی‌ناپذیر زنان و دختران افغانستان گرد هم آورد؛ زنان و دخترانی که سه سال سیاه سلطه‌ی تاریک‌اندیشان و تروریستان را خاموش ننشسته‌اند و دست از مبارزه‌ی برحق و خواسته‌های انسانی‌شان بر نداشته‌اند.

خوش‌حالیم که زمینه‌ی این گفت‌وگفت را فراهم کردید. تا اکنون هرچه از الهه شنیده‌ایم، بیشتر ترانه‌های فولکلوریک بوده‌اند؛ ترانه‌هایی که به زیبایی اجرا می‌شوند و نوآوری‌هایی هم در کارهایش دیده می‌شوند. می‌خواهیم بدانیم، این علاقه‌مندی و دلبستگی از کجا می‌آید و عقبه‌ی این دلبستگی چیست؟

**الهه سرور:** موسیقی فولکلور مرا به کودکی و به زندگی پدر و مادرم پیوند می‌دهد. کمک می‌کند آن‌ها را بهتر بشناسم و سرانجام به شناختی از خودم برسم و باعث اعتمادبه‌نفسم می‌شود. هنرمندان، تاریخ‌نگاران عصر و زمان خود هستند. جامعه‌ای که تاریخ، هنر و قصه ندارد، آسیب‌پذیر و قابل حذف‌اند و انگار که هیچ وقت وجود نداشته‌اند. امروز که موسیقی در افغانستان حرام دانسته می‌شود، وظیفه‌ی خود می‌دانم تا قصه‌هایی را که یاد گرفته‌ام و بخشی از هویت‌م را تشکیل می‌دهند، برای نسل بعد از خود به جا بگذارم.

**جاده‌ی ابریشم:** آلبوم «ترانه‌های مادران ما» هم فولکلوریک است. کمی درباره‌ی این آلبوم صحبت کنید. این ایده چگونه در ذهن شما خلق شد که ترانه‌های مادران افغانستان را اجرا کنید؟

**الهه سرور:** وقتی تازه مهاجرت کرده بودم، احساس سردرگمی عمیقی داشتم. در این دوران، ترانه‌های مادران‌مان برایم دلگرمی و آرامش می‌دادند؛ ترانه‌هایی که مرا به خانواده و به افغانستان نزدیک می‌کردند. در دل این ترانه‌ها می‌توان اندیشه و افکار نسل مادرم را بازشناسی کرد. زیست‌مادر تأثیر زیادی بر شکل‌گیری شخصیت و هویت انسان آینده دارد و برای یافتن خود باید به گذشته، به مادر و ریشه‌های خود آگاه باشیم. از دیگر دلایل پرداختن به این ترانه‌ها، معرفی چهره‌ی فرهنگی افغانستان به کشور میزبانم، انگلستان بود؛ چهره‌ای که کمتر در صحنه‌های بین‌المللی دیده شده است. این آلبوم مثل دفتر مشق و تمرین برای همکاری با سبک‌ها و اندیشه‌های متفاوت بود. همچنین، فراهم آوردن یک پل ارتباطی برای مهاجرانی که در خارج از افغانستان به دنیا آمده‌اند تا از طریق این ترانه‌ها پیوند خود را با افغانستان حفظ کنند.

**جاده‌ی ابریشم:** تا آن‌جایی که آهنگ‌های شما را شنیده‌ایم، ترانه‌های فولکلوریک را دستکاری و نوسازی هم می‌کنید. باور شما درباره‌ی بازخوانی ترانه‌ها چیست؟

**الهه سرور:** معتقدم هنرمند برای رشد و تکامل باید شنونده‌ی خوبی باشد. توانایی شنیدن صدای دیگران و درک افکار هنری بقیه را داشته باشد. بازآفرینی یا ترجمه‌ی آثار فولکلور نوعی تمرین برای تبدیل شدن به یک شنونده‌ی خوب است. آثار فولکلوریک همیشه از طریق همین فرایند، از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده و به حیات خود ادامه داده‌اند.

**جاده‌ی ابریشم:** «آلبوم ترانه‌های مادران ما» شامل چند ترانه است؛ این ترانه‌ها از کجاها و چگونه جمع‌آوری شده‌اند؟

**الهه سرور:** درک آثار فولکلوریک، مانند یک دانشگاه به من کمک کرده تا صدای منحصربه‌فرد خود را پیدا کنم. امکان داده تا درک عمیق‌تری از هنر داشته باشم. آلبوم «ترانه‌های مادران‌مان» شامل نه آهنگ است. در کودکی و نوجوانی، در کارگاه‌های باقی یا محافل زنان این ترانه‌ها را با نواختن دایره یا فقط به صورت آوازی اجرا می‌کردیم. گاهی هم نوار و کاستی را که خیلی کمیاب بود، به یکدیگر قرض می‌دادیم تا وقت‌هایی باقی‌بماندیم. این آلبوم، مانند ورق زدن دفتر خاطراتی است که با لحظات تلخ و شیرین پیوند خورده است. در انگلستان با نوازنده‌های مختلفی همکاری می‌کنم؛ از جمله گروه کفایه که سال ۲۰۱۶م. آشنا شدیم و در تولید این آلبوم با هم همکاری کردیم.

**جاده‌ی ابریشم:** برای خیلی از مخاطبان، ترانه‌ی یک آهنگ، رکن اساسی و مهم آن است. یعنی تنها از ملودی لذت نمی‌برند. شعر یا ترانه را رکن اساسی هنر موسیقی می‌دانند و از شعر قوی و هنری، در کنار ملودی لذت بیشتر می‌برند. می‌خواهیم ببینیم، شما در انتخاب ترانه‌ها و شعرهایی که می‌خوانید، چقدر وسواس به خرج می‌دهید؟ منظورمان این است که ادبیت و قدرت شعر، چقدر برای شما مهم است و شما این‌ها را چگونه انتخاب می‌کنید؟

**الهه سرور:** بدون شک، برای من هم مهم است که چه هنری را به مخاطب معرفی کنم. همیشه اخبار و آثار شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان را می‌خوانم تا نگاه و برداشتم را از دنیا وسعت دهم. دوست دارم با همکاران شاعر و هنرمندم رابطه‌ی نزدیک دوستانه داشته باشم تا به دنیای افکارشان دسترسی بیشتری پیدا کنم. به این باورم که برای هر حس‌و حال، موسیقی باید وجود داشته باشد. شعر می‌تواند

ساده و به زبان کوچه و بازار باشد؛ اما مفاهیم عمیقی را منتقل کند. البته که وظیفه‌ی هنرمند است تا ایده‌ها و سبک‌های جدید را معرفی کند؛ اما فرم‌های پیچیده‌ی شعر و کلمات سنگین همیشه به معنای بهتر بودن نیست. باید به اندازه‌ی کافی آثار هنری در سبک‌های مختلف موجود باشد تا مخاطب انتخاب کند، یعنی هنری که بتواند حال و هوای لحظه‌های او را بیان کند.

**جاده‌ی ابریشم:** عدم توجه لازم به شعر و ترانه، گاهی باعث می‌شود ریتم آهنگ با محتوای شعر سازگار نباشد. بارها در کار هنرمندان جوان‌مان دیده‌ایم که محتوای شعر غمگینانه بوده است؛ اما ریتم موسیقی، شاد. یا هم برعکس. این اتفاق باعث می‌شود، اجزای آهنگ، باهم هم‌خوانی نداشته باشد و تأثیر واحدی بر خواننده نگذارد. این نکته می‌تواند یک عیب هم قلم‌داد شود. نظر شما در این باره چیست؟

**الهه سرور:** طرفدار ایدئال‌گرایی نیستم. باید به هر کس اجازه داد تا به شیوه‌ی خودش هنر خلق کند. خلق هنر بی‌نقص، همه‌پسند و عالی کار ساده‌ای نیست؛ این فرایند نیاز به تکرار، تمرین و گاهی اشتباه دارد. البته که هیچ چیز بی‌نقص وجود ندارد؛ بنابراین، وظیفه‌ی مخاطب است که تشخیص دهد از چه لذت می‌برد و یا چه هنری ارتباط برقرار می‌کند.

**جاده‌ی ابریشم:** چنان که عرض کردیم، شما بیشتر سراغ ترانه‌های فولکلوریک هزاره‌گی رفته‌اید. یکی از مشکلاتی که دوبیتی‌های فولکلوریک هزاره‌گی دارند، تلفظ واژگان آن‌ها است؛ زیرا مردم هزاره با گویش‌های مختلف صحبت می‌کنند. این گویش‌ها آن قدر متنوع‌اند که گویش یک روستا تا روستای دیگر، یا یک ولسوالی تا ولسوالی دیگر متفاوت است. شما در آلبوم «ترانه‌های مادران ما» با این مشکل مواجه نشدید؟

**الهه سرور:** همیشه به خاطر لهجه‌ام مورد انتقاد قرار گرفته‌ام. وقتی جوان‌تر بودم، گاهی تلاش می‌کردم خود را برای دیگران تغییر دهم؛ اما این تلاش نادرست و بیجا بود. مردم همیشه نظر خود را دارند. اگر نخواهند تغییر نمی‌دهند. بنابراین، این که خودمان باشیم، بسیار معنادار و تأثیرگذارتر است. آلبوم «ترانه‌های مادران‌مان» را با لهجه‌ای اجرا کردم که برایم آشنا بود و با آن بزرگ شده بودم. هیچ لهجه یا زبانی کاملاً «خالص» وجود ندارد. زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط است و خود را نسبت به زمان و مکان تغییر می‌دهد و غنی‌تر می‌شود. لهجه‌ی من نیز به عنوان انسان هزاره‌ای که در ایران متولد شده، به افغانستان رفته و بعدها به هند، اروپا و انگلستان زندگی می‌کنم، بخشی از هویت‌م و تاریخ زندگی‌ام را در خود حمل می‌کند و بازتابی از تمام تجربیاتی است که در این مکان‌ها داشته‌ام.

**جاده‌ی ابریشم:** یکی از دوبیتی‌هایی که در آلبوم «ترانه‌های مادران ما» اجرا شده، ترانه‌ی منسوب به آبه‌میرزا، آوازخوان بومی و شناخته‌شده‌ی مالستان ولایت غزنی، بود؛ اما اجرای شما با اجرای آغی دلارام متفاوت است. از کمپوز گرفته تا آلات موسیقی‌ای که در این اجرا به کار رفته‌اند. می‌شود در مورد این تغییرات و نوآوری‌ها بیشتر به مخاطبان ما بگویید؟

**الهه سرور:** بلی، موافقم. من هرگز نمی‌توانم آغی دلارام باشم؛ چون تجربیات منحصربه‌فرد خودم را دارم؛ اما می‌توانم آوازش را بشنوم و در روزمرگی‌هایم با حس درونی او همذات‌پنداری و نزدیکی کنم. وقتی درباره‌ی آوازی و تنهایی می‌خواند، تنهایی خود را در صدای آبه‌میرزا بینم.

**جاده‌ی ابریشم:** یکی از تغییرات و نوآوری‌های شما این است که آبه‌میرزا با غیچک و دمبوره می‌خواند؛ اما شما این کار را نکردید. دمبوره مهم‌ترین ساز مردم هزاره است. دوبیتی هم مهم‌ترین کلام موسیقایی مردم هزاره. می‌شود دوبیتی‌های هزاره‌گی را بدون دمبوره و غیچک و فلوت خواند؟ ادامه در صفحه ۲۲

# زبان رنجها؛ گفت و گویی با الهه سرور، آوازخوان و ترانه‌سرا

## The Voice of Sufferings; A Dialogue with Elaha Soroor, Singer

I performed the album "Our Mothers' Songs" with an accent that I was familiar with and grew up with. There is no such thing as a completely "pure" dialect or language. Language is a means of communication and it changes and becomes richer in relation to time and place. As a Hazara who was born in Iran, went to Afghanistan and later lived in India, Europe and England, my accent carries a part of my identity and my life history and is a reflection of all the experiences I have had in these places.

**Silk Way Weekly:** One of the couplets performed in the album "Our Mothers' Songs" was a song attributed to Abe Mirza, a well-known native singer of Malistan, Ghazni province; But your performance is different from Aghi Delaram's performance. From the composition to the musical instruments used in this performance. Could you tell our audience more about these changes and innovations?

**Elaha Soroor:** Yes, I agree. I can never be Aghi Delaram; Because I have my own unique experiences; But I can hear her song and identify with her inner feeling in my daily life. I want to see my loneliness in Abe Mirza's voice when she sings about displacement and loneliness.

**Silk Way Weekly:** One of your changes and innovations is that Abe Mirza sings with Ghichak and Dambore; But you didn't. The drum is the most important instrument of Hazara people. A couplet is also the most important musical word of the Hazara people. Is it possible to sing Hazaregi couplets without tamborah, ghichak and flute?

**Silk Way Weekly:** Yes, Damborah is one of the important symbols of Hazara culture. Hazara is not a culture, it is a race. Being a Hazara is much more than a Dambora and ghichak. In this race, each person can have their own unique religion and even culture. Before I present the music to the audience, I compose and sing for my own pleasure and then I share my pleasure with others. I am interested in cooperation and mutual thinking; Because group work is much more effective than individual movement. Music is the common language of human emotions and helps us to know each other better. The better we know about different cultures and ways of thinking, the more prepared we will be for empathy and mutual understanding. If we talk about the suffering and what is happening to us, there is a way to reduce that suffering.

**Silk Way Weekly:** Hazaras for two reasons; One is the horrible historical genocide and massacre, and the other is faith, religion and tradition that are cumbersome and against instruments and hymns, and songs, made them silent and remain silent; Because the possibility of raising their voice, whether in the form of literary works or in the form of musical works and other artistic aspects, has been less available; Because in this society, there was no field to cultivate artistic minds, hands and larynxes. Restrictions, on both sides, have been and still are severe. This silence caused no one to recognize these people, to understand and feel their pain, and to be aware of their human experiences and bitter history. People who are oppressed; The first thing that matters to them is their survival. They try to guarantee their lives. When their lives are guaranteed, then they move on to other things; Then they may like literature, art, music and other branches of art. Our question is, in your opinion, the performance of Hazara music and songs that are closely related to the bitter and sad fate of these people, what effect do they have on the knowledge of these people and how much can it pull them out of artistic isolation and biological isolation?

**Elaha Soroor:** If we don't have the language to express our suffering, it's as if everything is fine and nothing happened, and as a result, we get locked in the lonely prison of the mind. Sometimes expressing suffering can be difficult; But it helps to remove the heavy burden from our loneliness and free the inner energy and find solutions to solve our problems and knots collectively. When we express our feelings, we

realize that we are not alone and that is when we are no longer afraid of being judged.

**Silk Way Weekly:** As we mentioned, the tamboura is the most important instrument of Hazara people, and dotar, ghichak, ney, etc. are other instruments that Hazara singers use. Our question is, when we sing the Hazara couplets with other musical instruments, with innovations in style, can we still consider the result to be Hazara music?

**Elaha Soroor:** An art that cannot break the frameworks and display itself in different forms, if it cannot create questions, it is no longer art. The real artist does not fit in the rules and frameworks and must be free to create valuable and multidimensional art.

**Silk Way Weekly:** With the album "Revival of the Roots" you once again went to the couplets and folk songs of Hazara people; From Abe Mirza to Sarwar Sarkhosh. What do you believe about these roots that you can't ignore easily and you still perform them with your catchy voice?

**Elaha Soroor:** In the album "Revival of the Roots", I took help from the book of folk couplets of Hazara by Mohammad Javad Khavari, and it has been my best guide for learning the Hazara dialect of my mother, who lives in Kabul. Shaukat Ali Sabour, Dawood Sarkhosh and Sayed Anwar Azad are living role models of Hazara artists whose works I always listen to.

**Silk Way Weekly:** Although we did not read a specialized review by experts in the art of music about your Hazaragi pronunciation; But some non-expert criticism was that you have not been able to pronounce Hazaragi words with Hazaragi accent. Another user wrote that "Dido and Bolbi" are different. What you read as 'Dido' is 'Bolbi'. These two genres of music may have a lot in common; But they definitely have differences. What are your findings?

**Elaha Soroor:** According to my research, there is no difference between "Bolbi" and "Dido" and the name of this style has only changed in different regions of Hazarejat. Of course, I am happy that my interpretation of this "Dido" has created a discussion. I hope experts will publish their research and findings in this regard.

**Silk Way Weekly:** The team that performed the "Revival of the Roots" album with you, how familiar were/are they with Hazara folklore music and literature, and how necessary do you feel your colleagues should be familiar with Hazara music?

**Elaha Soroor:** I am very sensitive and it is important in choosing a colleague. Not only to understand each other musically, but also to have commonalities in terms of political and social thinking. Dr. Mehdi Aminian is a journalist and music researcher. Previously, he has collaborated with Hazara and Afghan artists in the field of Afghan folk music and we worked closely together in this collection. Juliana Moderelli, a guitarist who has many years of experience in the field of South Asian music. She has been working with me since ten years ago. Habib Rafiei, a drum player, is a young artist who plays an important role in this collection. Avin Ahmadi, an oud player and a music student at one of the prestigious universities in Austria, had a beautiful collaboration with us. Haidar Khan, a tabla player and music professor at the university, also played a brilliant role in this series.

...more on **Page 23**



**الهه سرور:** در انتخاب همکار بسیار حساسم و مهم است. نه تنها از لحاظ موسیقایی یکدیگر را درک کنیم، بلکه از نظر طرز فکر سیاسی و اجتماعی نیز باهم اشتراکات داشته باشیم. دکتر مهدی امینیان، ژورنالیست و محقق موسیقی است. پیش از این با هنرمندان هزاره و افغانستانی در زمینه موسیقی فولکلور افغانستان همکاری داشته و در این مجموعه به طور نزدیک باهم کار کردیم. جولیانو مودرلی، نوازنده گیتار که سال‌ها تجربه در زمینه موسیقی جنوب آسیا دارد. از ده سال پیش به این سو با من همکاری می‌کند. حبیب رفیعی، نوازنده دمبوره، هنرمند جوانی است که در این مجموعه نقش مهم ایفا می‌کند. اوین احمدی، نوازنده عود و دانشجوی موسیقی در یکی از دانشگاه‌های معتبر تریش، همکاری زیبایی با ما داشت. حیدرخان، نوازنده طبله و استاد موسیقی در دانشگاه نیز در این مجموعه نقش درخشانی داشت.

**جاده ابریشم:** دوبیتی‌ها و ترانه‌های محلی مردم هزاره هم با دمبوره خوانده شده و هم دختران و زنان هزاره بدون ساز می‌خوانند. شما در آلبوم «ترانه‌های مادران ما» و «احیای ریشه‌ها» چقدر موفق بوده‌اید که این صداها را آن‌گونه که هستند، اجرا کنید؟

**الهه سرور:** هیچ‌وقت سعی نکردم نواها را آن‌طوری که شنیدم، اجرا کنم. از این کار بدم می‌آید. هوش مصنوعی این را خیلی خوب انجام می‌دهد. خوشحالم که روایت نیست. ترجیح می‌دهم آثار فولکلوریک را درک کرده و به شیوه‌ی خود تنظیم و اجرا کنم.

**جاده ابریشم:** موسیقی محلی هزاره‌گی چقدر ظرفیت این را دارد که با موسیقی مدرن و خصوصاً موسیقی‌ای که در غرب رایج است، تلفیق شود؟

**الهه سرور:** هر موسیقی‌ای توانایی تلفیق شدن را دارد؛ فرقی نمی‌کند از شرق یا غرب آمده باشد و این بستگی به خلاقیت هنرمند دارد. در حال حاضر، موسیقی آفریقایی منبع و الهام بسیاری از آثاری مشهور و پر مخاطب در مارکت موسیقی غرب است. طبق گزارشی که من خواندم، هر روز حدود ۱۲۰،۰۰۰ آهنگ به صورت رسمی از پلتفرم‌های معتبر در سراسر جهان منتشر می‌شوند. موسیقی افغانستان تنها قطره‌ای در این دریای وسیع است و تنها با خلاقیت و تلفیق می‌توان آن را در مارکت جهانی برجسته‌تر کرد. شناسگر وقتی وارد آب می‌شود، بدنش به طور طبیعی دمای خود را با دمای آب تطبیق می‌دهد و اگر شنا نکند، غرق می‌شود. موسیقی بومی تنها در زادگاه خود می‌تواند همان‌طوری که هست، حفظ شود. هر اجرا و کمپوزی از آن در خارج از زادگاهش، بدون شک نوعی تلفیق است. انسان نمی‌تواند جلوی تأثیرات محیط اطرافش را بگیرد.

**جاده ابریشم:** هزاره‌ها قتل‌عام و نسل‌کشی هولناکی را تجربه کرده‌اند. این دردها و رنج‌ها و ناله‌ها چقدر از گلو شما فریاد شده‌اند؟ به خاطر داریم که در مقدمه‌ی آلبوم احیای ریشه‌ها در این مورد هم حرف‌هایی داشتید.

**الهه سرور:** بلی، دمبوره از نمادهای مهم فرهنگ مردم هزاره است. هزاره یک فرهنگ نیست یک نژاد است. هزاره بودن خیلی فراتر از دمبوره و غیچک است. در این نژاد هر شخص می‌تواند دین و مذهب و حتی فرهنگ منحصر به فرد خود را داشته باشد. قبل از این که موسیقی را به مخاطب هدیه دهم، برای لذت دل خود می‌سازم و می‌خوانم و بعد لذت‌م را با بقیه شریک می‌کنم. به همکاری و هم‌فکری علاقه دارم؛ چون کار گروهی بسیار تأثیرگذارتر از حرکت فردی است. موسیقی زبان مشترک احساسات انسان‌هاست و به شناخت بهتر ما از یکدیگر کمک می‌کند. هرچه بهتر از فرهنگ‌ها و طرز فکرهای متفاوت بدانیم، آمادگی بیشتری برای همدلی و درک متقابل خواهیم داشت. اگر درباره‌ی رنج و آنچه بر ما می‌گذرد، صحبت کنیم، راهی برای کاهش آن رنج پیدا می‌شود.

**جاده ابریشم:** هزاره‌ها به دو دلیل؛ یکی همان نسل‌کشی و قتل‌عام هولناک تاریخی، و دیگر دین و مذهب و سنت دست‌وپاگیر و مخالف ساز و سرود، ترانه و آهنگ، باعث شدند بی‌صدا شوند و بی‌صدا بمانند؛ زیرا امکان کشیدن صدا، چه به شکل آثار ادبی و چه به شکل آثار موسیقی و دیگر جنبه‌های هنری، کمتر فراهم بوده است؛ زیرا در این جامعه زمینه‌ی پرورش ذهن‌ها، دست‌ها و حنجره‌های هنری وجود نداشته، محدودیت، از هردو سو، شدید بوده است و هنوز هم وجود دارد. این بی‌صدایی باعث شدند که کسی این مردم را نشناسند، دردشان را درک و احساس نکنند و از تجربه‌های انسانی و سرگذشت تلخ‌شان آگاهی پیدا نکنند. مردمی که سرکوب می‌شوند؛ اولین چیزی که برای‌شان مهم است، بقای زندگی‌شان است. سعی می‌کنند حیات‌شان را تضمین کنند. وقتی حیات‌شان تضمین شد، آنگاه سراغ کارهای دیگری؛ مثل ادبیات و هنر و موسیقی و دیگر شاخه‌های هنر می‌روند. سؤال ما این است که به باور شما، اجرای موسیقی هزاره‌گی و ترانه‌هایی که ارتباط تنگاتنگی با سرنوشت تلخ و غم‌انگیز این مردم دارند، چه تأثیری در شناخت این مردم دارند و چقدر می‌تواند آن‌ها را از انزوای هنری و انزوای زیستی بیرون بکشد؟

**الهه سرور:** اگر برای بیان رنج زبان نداشته باشیم، انگار همه چیز خوب است و اتفاقی نیفتاده و در نتیجه، در زندان تنهایی ذهن حبس می‌شویم. گاهی ابراز رنج می‌تواند سخت باشد؛ اما کمک می‌کند تا بار سنگین را از دوش تنهایی خود برداریم و انرژی درونی را آزاد و به صورت جمعی برای حل مشکلات و گره‌های مان راه‌حل پیدا کنیم. وقتی احساسات‌مان را بیان می‌کنیم، متوجه می‌شویم تنها نیستیم و آن وقت است که دیگر از قضاوت شدن هم نمی‌ترسیم.

**جاده ابریشم:** همان‌طوری که عرض کردیم، دمبوره مهم‌ترین ساز مردم هزاره است و دوتار و غیچک و نی و... سازهای دیگری هستند که آوازخوانان هزاره از آن‌ها استفاده می‌کنند. سؤال ما این است که وقتی دوبیتی‌های هزاره‌گی را با ابزار و آلات دیگر موسیقی، با نواوری‌هایی در سبک، می‌خوانیم، آیا باهم می‌توانیم حاصل کار را موسیقی هزاره‌گی بدانیم؟

**الهه سرور:** هنری که نتواند چهارچوب‌ها را بشکند و در فرم‌های مختلف خود را به نمایش بگذارد، اگر نتواند سؤال خلق کند، دیگر هنر نیست. هنرمند واقعی در قاعده و چهارچوب نمی‌گنجد و باید برای خلق هنر ارزشمند و چندبعدی آزاد باشد.

**جاده ابریشم:** با آلبوم «احیای ریشه‌ها» بار دیگر به سراغ دوبیتی‌ها و ترانه‌های محلی هزاره‌گی رفتید؛ از آبه‌میرزا تا سرور سرخوش. باور شما نسبت به این ریشه‌ها چیست که نمی‌توانید از کنارشان به راحتی بگذرید و باهم با صدای گریه‌تان اجرای‌شان می‌کنید؟

**الهه سرور:** در آلبوم «احیای ریشه‌ها» از کتاب دوبیتی‌های عامیانه‌ی هزاره‌گی اثر محمدجواد خاوری کمک گرفتم و برای یادگرفتن لهجه‌ی هزاره‌گی مادرم که در کابل زندگی می‌کند، بهترین راهنمایم بوده است. شوکت‌علی صبورو، داوود سرخوش و سید انور آزاد از الگوهای زنده‌ی هنرمندان هزاره هستند که آثارشان را همواره گوش می‌دهم.

**جاده ابریشم:** هرچند ما نقد تخصصی از سوی متخصصان هنر موسیقی نخواندیم؛ اما برخی نقدهای غیرتخصصی این بود که شما نتوانسته‌اید واژگان هزاره‌گی را با لهجه‌ی هزاره‌گی تلفظ کنید. کاربرد دیگری نوشته بود که «دیدیو بولی» از هم فرق دارند. آنچه شما به نام «دیدیو» خواندید، «بولی» است. این دو ژانر موسیقی شاید اشتراکات زیادی داشته باشند؛ اما حتماً تفاوت‌هایی را هم دارند. یافته‌های شما چیست؟

**الهه سرور:** نسبت به تحقیقات من تفاوتی بین «بولی» و «دیدیو» نیست و فقط در مناطق مختلف هزاره‌جات نام این سبک تغییر کرده. البته خوشحالم اجرا و برداشتم از این «دیدیو» باعث ایجاد گفت‌وگو شده است. امیدوارم صاحب‌نظران در این باره تحقیق‌ها و یافته‌های‌شان را منتشر کنند.

**جاده ابریشم:** تیمی که با شما آلبوم «احیای ریشه‌ها» را اجرا کردند، چقدر با موسیقی و ادبیات فولکلور هزاره‌گی آشنایی داشتند/دارند و چقدر ضرورت حس می‌کنید همکاران شما آشنایی نزدیکی با موسیقی هزاره‌گی باید داشته باشند؟

# زبان رنجها؛ گفت و گویی با الهه سرور، آوازخوان و ترانه‌سرا

## The Voice of Sufferings; A Dialogue with Elaha Soroor, Singer

**Silk Way Weekly:** Couplets and local songs of the Hazara people are sung with tamborah and Hazara girls and women also sing them without instruments. In the album "Our Mothers' Songs" and "Revival of the Roots", how successful have you been in performing these sounds as they are?

**Elaha Soroor:** I never tried to play the tunes as I heard them. I hate this job. Artificial intelligence does this very well. I'm glad I'm not a robot. I prefer to understand folk works and arrange and perform them in my own way.

**Silk Way Weekly:** What is the capacity of Hazara people folk music to be integrated with modern music, especially music that is popular in the West?

**Elaha Soroor:** Every music has the ability to be combined; It doesn't matter if it comes from the East or the West, and it depends on the creativity of the artist. Currently, African music is the source and inspiration of many famous and high-profile works in the Western music market. According to a report I read, about 120,000 songs are officially released every day from reputable platforms worldwide. Afghan music is only a drop in this vast sea and only with creativity and integration can it be more prominent in the global market. When a swimmer enters the water, his body naturally adapts to the temperature of the water, and if he does not swim, he will drown. Native music can be preserved as it is only in its birthplace. Any performance and composition of it outside of its birthplace is undoubtedly a fusion. Man cannot stop the influence of his surroundings.

**Silk Way Weekly:** Hazaras have experienced horrific massacres and genocide. How much have these pains and sufferings and moans been shouted from your throat? We remember that you had words about this in the introduction of the album "Revival of the Roots".

**Elaha Soroor:** Yes, it is very important to always talk about the topics that are important to us in the internet space, etc., so that we don't get lost in the storm of algorithms and information that is published from all over the world. As a Hazara, I have been directly affected by ethnic prejudice and the trauma of the massacre. When I comment on this, I am actually talking about my lived experience.

**Silk Way Weekly:** Another thing that is not unrelated to our work in this case is the presence of women's suffering and the presence of the three-year struggle of Afghan women in your work. "Bread, work, and freedom" is one of the slogans of Afghan protesting women and girls. You made a song with this slogan. Would you talk more about this?

**Elaha Soroor:** The song "bread, work, and freedom!" It is a tribute to my sisters in Afghanistan who stand proudly and strong against the worst form of patriarchy, which is the Taliban, and fight for their rights. In this song, Afghan artists; People like Sunita Alizadeh, a rapper and social activist; Asif Karimi, Damboreh Nawaz; Ramesh Karizi, Dholak Nawaz and my other colleagues who all live in England have collaborated and it was made with their collaboration. The video clip was produced by Coffin Film Company, which is a group of Afghan filmmakers in exile in France.

**Silk Way Weekly:** How much can making the song "bread, work, and freedom" inspires Afghan girls and women so that the years of darkness imposed on them by the Taliban will not be too much difficult for them?

**Elaha Soroor:** The subject is about a woman who, by understanding the patriarchal system, understanding history and what has been imposed on her, has gained awareness and realized her inner strength. She accepts and loves herself with all her flaws and angles. He considers herself worthy of a humane life.

She no longer submits to coercive laws and continually repeats her demand, which is "bread, work, and freedom" and the right to education. The inner voice that relies on

itself, with repetition, for change, turns it into an outer power. In a part of the song, a children's poem in Pashtu language is used, which refers to the great mother-daughter relationship and that women of every generation play a role in empowering each other. At the end of "Patience" this time is repeated not as a virtue, but as a behavior that is no longer acceptable.

Now that the Taliban is squeezing the people's throats and introducing new anti-human laws every day, and on the other hand, the Taliban media is brainwashing, it should be added to the number of artworks on human rights in Afghanistan. With this song and future artworks, we want to tell the girls and women of Afghanistan that a woman should consider herself worthy of a humane life and not give in to the Taliban's laws, which are a symbol of patriarchy. They are not alone and continue to raise their voice and only by repeating the demand can the result be achieved.

**Silk Way Weekly:** In the end, we would like you to tell us how many years has it been since Elaha was displaced from Kabul?

**Elaha Soroor:** I have traveled a lot and met different people. Of course, I'm happy, this situation was for me so that my life story doesn't take place in just one place.

**Silk Way Weekly:** Is Kabul or London better? Which one has given you more motivation for new things?

**Elaha Soroor:** We cannot compare Kabul and London; Because they are very different and have their own positive and negative points. Here I can walk around the city with a sense of security, at all hours of the night; But in Kabul, there was a sense of security only at home with my family. For a curious young girl like me, or as my mother called me, "Dido" or a wanderer, Kabul was insecure. She was always worried that something would happen to me.

Fortunately, I was smart; But now her heart is full; Because I have seen the world and I live in a law-abiding land where my basic human rights are protected and respected, both in society and in the country's constitution. Despite all this, I have a great sadness and that is being away from the arms of my mother and father. My home is where my mother and father are. To get home, sadness makes me think deeper and create art. Indeed, only sadness produces the most beautiful art. I hope one day I can return to Afghanistan and be the person I am today without fear.

**Silk Way Weekly:** As a final question, I would like to ask, what other business is Elaha busy with in the busy city of London, besides fighting for women's freedom and artistic works?

**Elaha Soroor:** I work full time in the field of music; I make music for movies, theater and commercials. I teach music to elementary school children and immigrants. I board the bus, go to Afghan shops and buy nostalgic food. If there is time on the weekend, I clean the house. I have few friends; But lovely ones that I am always looking for an opportunity to see them. I cook for them; For example, I cook bolani with a special recipe that is spicy and combined.

**Silk Way Weekly:** If there is anything else to say, let us know.

**Elaha Soroor:** Taliban use force and violence to control; But the people of Afghanistan want mutual acceptance and dialogue. The artistic community of Afghanistan should involve themselves in this cultural war. More should be added to the number of artistic productions with social issues in Afghanistan.



بگوییم که زن باید خود را لایق زندگی انسان‌وار بداند و تن به قوانین طالبانی، که سمبل مردسالاری است، ندهند. آن‌ها تنها نیستند و همچنان صدا بلند کنند و فقط با تکرار خواسته است که می‌توان به نتیجه رسید.

**جاده‌ی ابریشم:** در اخیر می‌خواهیم بگویید چند سال می‌شود که الهه از کابل آواره شده است؟

**الهه سرور:** سفرهای زیادی داشته‌ام و مردمان متفاوتی را دیده‌ام. البته خوشحالم، این موقعیت برایم بوده تا داستان زندگی‌ام فقط در یک مکان رقم نخورد.

**جاده‌ی ابریشم:** کابل بهتر است یا لندن؟ کدام یکی به شما انگیزه‌ی بیشتری برای کارهای تازه داده است؟

**الهه سرور:** نمی‌شود کابل و لندن را با هم مقایسه کنیم؛ چون بسیار فرق دارند و نکات مثبت و منفی مختص به خود را دارند. در این‌جا می‌توانم با حسن امنیت، در تمام ساعات‌های شب، تمام شهر را قدم بزنم؛ اما در کابل فقط در خانه با خانواده‌ام حس امنیت وجود داشت. کابل برای دختر جوانی مثل من کنجکاو و به قول مادرم «دیدو» یا ولگرد ناامن بود. همیشه نگران بود، بلای سر من بیاید. خوشبختانه که زرنگ بودم؛ اما حالا دلش جمع است؛ چون دنیا دیده‌ام و در سرزمینی قانونمند زندگی می‌کنم که حقوق اولیه‌ی انسانی‌ام محفوظ و قابل احترام است، چه در اجتماع و چه در قانون اساسی کشور. با همه‌ی این‌ها، غم بزرگی دارم و آن دوری از آغوش مادر و پدر است. جایی که مادر و پدرم باشد، خانه‌ی من است. برای رسیدن به خانه غم مرا وادار می‌کند عمیق‌تر بیندیشم و هنر خلق کنم. به راستی که فقط غم زیباترین هنر را تولید می‌کند. امیدوارم یک روز بتوانم برگردم افغانستان و بدون ترس انسانی که امروز هستم، باشم.

**جاده‌ی ابریشم:** به عنوان سؤال آخر می‌خواهم بپرسم که الهه در کنار مبارزه برای آزادی زنان و کارهای هنری، در شهر شلوغ لندن، دیگر مصروف چه کاروباری است؟

**الهه سرور:** تمام‌وقت در زمینه‌ی موسیقی فعالیت دارم؛ برای فیلم، تئاتر و تبلیغات موسیقی می‌سازم. به بچه‌های دوره‌ی ابتدایی و مهاجرین، موسیقی یاد می‌دهم. سوار اتوبوس می‌شوم، به مغازه‌های افغانستانی‌ها می‌روم و خوراکی‌های نوستالژیک می‌خرم. اگر آخر هفته زمان باشد، خانه را تمیز می‌کنم. دوستان کم؛ اما عزیز می‌دارم که همیشه دنبال فرصتی هستم که آن‌ها را ببینم. برای‌شان آشپزی می‌کنم؛ مثلاً بولانی می‌پزم با چکنی مخصوصی که تند است و تلفیقی.

**جاده‌ی ابریشم:** گفتنی دیگر اگر مانده باشد، بفرمایید. الهه سرور: طالبان از زور و خشونت برای کنترل استفاده می‌کنند؛ اما مردم افغانستان از هم‌پذیری و گفت‌وگو. جامعه‌ی هنری افغانستان باید خود را درگیر این جنگ فرهنگی کند. باید به تعداد تولیدات هنری یا موضوعات اجتماعی افغانستان بیش از این‌ها اضافه شود.

**الهه سرور:** بلی، بسیار مهم است تا درباره‌ی موضوعاتی که برای‌مان اهمیت دارد، همیشه در فضای اینترنت و غیره صحبت کنیم تا در طوفان الگوریتم و اطلاعاتی که از گوشه و کنار دنیا منتشر می‌شود، گم نشویم. به عنوان یک انسان هزاره، به طور مستقیم تحت تأثیر تعصبات قومی و ترومای قتل‌عام قرار گرفته‌ام. وقتی در این باره نظر می‌دهم، درواقع از تجربه‌ی زیسته‌ام حرف می‌زنم.

**جاده‌ی ابریشم:** چه ارتباطی با کار ما در این پرونده نیست، حضور رنج زنان و حضور مبارزات سه ساله‌ی زنان افغانستان در کار شما است. «نان، کار، آزادی» یکی از شعارهای زنان و دختران معترض افغانستان است. شما با همین شعار آهنگی ساختید. در این مورد بیشتر صحبت کنید؟

**الهه سرور:** آهنگ «نان، کار، آزادی» ادای احترامی است به خواهرانم در افغانستان که در برابر بدترین فرم مردسالاری، که طالبان است، با افتخار و قوی ایستاده‌اند و برای حقوق‌شان می‌جنگند. در این آهنگ هنرمندان افغانستانی؛ کسانی مانند سونیتا علیزاده، خواننده‌ی رپ و فعال اجتماعی؛ عاصف کریمی، دموه‌نواز؛ رامش کاریزی، دولکنواز و دیگر همکارانم که همه ساکن انگلیس هستند، همکاری کرده‌اند و با همکاری این‌ها ساخته شده است. ویدیو کلیپ توسط شرکت کوفین فیلم که گروهی از فیلم‌سازان افغانستانی در تبعید و در فرانسه هستند، تهیه شده است.

**جاده‌ی ابریشم:** ساختن آهنگ «نان، کار، آزادی» چقدر می‌تواند به دختران و زنان افغانستان روحیه ببخشد که سال‌های تاریکی و ظلمتی که طالبان بر آنان تحمیل کرده‌اند، سخت نگذرد؟

**الهه سرور:** موضوع درباره‌ی زنی است که با فهم از سیستم مردسالاری، درک تاریخ و آنچه بر او گذشته و تحمیل شده به آگاهی رسیده و به قدرت درونی خود پی برده است. خود را با تمام کمی‌وکاستی و زاویه‌هایش قبول کرده و دوست دارد. او خود را لایق زندگی انسان‌وار می‌داند.

دیگر به قوانین اجبار تن نمی‌دهد و خواسته‌اش را که «نان، کار، آزادی» و حق تحصیل است، مکرر تکرار می‌کند. صدای درونی که با تکیه به خود، با تکرار، برای تغییر، آن را به قدرت بیرونی تبدیل می‌کند. در قسمتی از آهنگ، از یک شعر کودکانه به زبان پشتو استفاده شده که به رابطه‌ی مادرکلان مادر و دختر و این که زنان هر نسل در قدرتمند ساختن یکدیگر نقش دارند، اشاره دارد. در پایان «صبر» این بار نه به عنوان یک فضیلت، بلکه رفتاری که دیگر قابل قبول نیست، تکرار می‌شود.

حالا که طالبان گوی مردم را فشرده و هر روز قوانین ضد انسانی جدیدی معرفی می‌کنند و از طرفی دیگر، رسانه‌های طالبانی مغزشویی می‌کند، باید به تعداد آثار هنری یا موضوع حقوق انسانی در افغانستان اضافه شود. ما با این آهنگ و کارهای هنری آینده می‌خواهیم به دختران و زنان افغانستان

# درخشش ذکيه خدادادی: الگوی قدرت نرم برای جلب توجه جهان به وضعیت هزاره‌ها؟

علی تابش

نقل می‌کنند که در دهه‌ی نود میلادی، هنگامی که جنگ داخلی در کابل شدت گرفته بود، حزب وحدت، در تلاش یافتن یک خبرنگار خارجی بود که در باره‌ی وضعیت هزاره‌ها گزارش دهد؛ یا دست‌کم نشان دهد که قومی به نام هزاره هم در کنار دیگر اقوام در افغانستان وجود دارد. حزب وحدت اما موفق به این کار نشد. ۳۰ سال بعد در اگست ۲۰۲۴، تصویر دختری در بازی‌های پارالمپیک پاریس روی آنتن رفت که نخستین مدال این رقابت‌ها را برای تیم پناهندگان از آن خود کرده است؛ ذکيه خدادادی. وقتی رسانه‌های فرانسه متوجه شدند که خدادادی اهل افغانستان است، کنجکاو شدند تا بدانند چه گونه دختری از افغانستان آن هم با داشتن معلولیت، به سکوی المپیک برسد و مدال بگیرد. این گونه شد که روزنامه‌نگاران نه تنها از موفقیت ورزشی خانم ذکيه خدادادی به وجد آمدند، بل که از شنیدن داستان شخصی او، مسیر موفقیت و چالش‌هایی که بر آن‌ها غلبه کرده، از شوق پر شدند و تمجیدش کردند. رسانه‌ها در فرانسه، متقاعد شدند که این دست‌آورد اهمیت خبری دارد و می‌تواند برای مخاطبان، مهم و الهام‌بخش باشد. تا حالا که این متن را می‌نویسم، چهار شبکه‌ی پر مخاطب معتبر فرانسه‌ای و بین‌المللی، با ذکيه خدادادی مصاحبه کرده و از داستان زندگی او، برای مخاطبانش برنامه پخش کرده است. میلیون‌ها فرانسه‌ای شاید برای اولین بار شنیدند که ذکيه، به عنوان یک زن دارای معلولیت و یک «زن هزاره»، با چه چالش‌هایی روبه‌رو بوده است.

هم‌زمان با پیروزی ذکيه خدادادی، یادآوری تلاش جامعه‌ی مهاجر و دیاسپورای هزاره در خارج برای جلب توجه جهانی نسبت به وضعیت هزاره‌ها در افغانستان، به خصوص از ۲۰۱۴ به این طرف هم، مهم است؛ یعنی مقایسه‌ی بازدهی یا برابری آن چه را که تعداد چندصد نفره یا هزار نفره‌ی ما، در این چند سال توانسته انجام بدهد، با آن چه که ذکيه خدادادی به تنهایی انجام داد. در ادامه‌ی این مقدمه، خواهیم دید که ذکيه خدادادی چه طور با یک تیر چند نشان زد؛ یعنی موفقیت ورزشی او نه تنها تک‌های از وضعیت هزاره‌ها را به مردم دنیا روایت کرد، بل که کلیشه‌های موجود در اجتماع را راجع به زن، معلولیت و توانایی‌های زنان نیز به چالش کشید. این پیام قدرتمند که از طریق صحنه‌ی بین‌المللی ورزش به نمایش رفت، خواستار داشت و دارد؛ این همان چیزی است که ژوزف نای، جغرافی‌دان سیاسی آمریکایی، «مهارت اغوا و جذب» می‌نامد؛ یعنی قدرت نرم.

**۱: ورزش، چون زبان مشترک برای ارتباط با دیگران؛** ورزش توانایی منحصر به فردی در جذب مخاطب دارد؛ اثرگذار است و شکاف‌های اجتماعی، فرهنگی و زبانی را پر می‌کند. ورزش، مانند زبان مشترک فزاینده از قوم، نژاد و ملیت است؛ میلیون‌ها انسان از سراسر دنیا به کمک این زبان، با هم ارتباط برقرار می‌کنند. زمانی که یک ورزشکار هزاره مانند ذکيه خدادادی در صحنه‌ی جهانی می‌درخشد، او نه تنها باعث افتخار، منبع الهام و امید برای جامعه خود است، بل که نمادی از پشت‌کار، مقاومت و استقامت برای دیگر انسان‌ها در دیگر نقاط دنیا نیز است و هر کدام از این ویژگی‌ها، در سراسر دنیا مورد تحسین و ستایش قرار می‌گیرند. کسب مدال المپیک که یکی از بزرگ‌ترین دست‌آوردهای ورزشی است، به خودی خود مهم و ویژه است؛ اما وقتی ذکيه خدادادی، دختری از افغانستان به این مدال می‌رسد، معنای دیگری و پیام دیگری دارد. به همین خاطر، باعث توجه جهانی و بازتاب گسترده در رسانه‌ها می‌شود. جامعه‌ای که در آن صدای زن عورت است، چه طور شد یک‌باره خامی از آن جامعه مدال گرفت؟ این آدم کیست؟ خواستگاه فرهنگی و اجتماعی او چیست؟ هزاره کیست؟ از این جا به بعد اگر ذکيه بخواند حرف بزند،

تک تک کلمات او وزن دارد.

بر خلاف اعتراض‌های دیاسپورای هزاره که اغلب پوشش رسانه‌ای محدودی دارند، پیروزی یک ورزشکار، به طور خودکار او را در مرکز توجه رسانه‌های جهان قرار می‌دهد. روزنامه‌نگاران و مخاطبان نه تنها به عمل‌کرد ورزشی بل که به داستان شخصی آن ورزشکار، مسیر موفقیت او و چالش‌هایی که او بر آن‌ها غلبه کرده و پیامی که دارد، علاقه‌مند خواهند شد. این وضعیت، فرصت فوق‌العاده‌ای را برای مطرح کردن موضوع خشونت، آزار و تبعیض هزاره‌ها در افغانستان از طریق یک روایت شخصی و الهام‌بخش ایجاد می‌کند؛ ولی چه می‌توان کرد که انتقال این پیام‌ها یا بُرد این پیام‌ها در فرصت‌های استثنایی از این دست، ماندگارتر، پخته‌تر و شفاف‌تر باشد؟ انجمن‌های به ظاهر فرهنگی در شهرها و گوشه‌گوشه‌ی دنیا، چه گونه می‌توانند در این زمینه‌ها نقش فعال‌تری بازی کنند؟

## ۲: نماد استقامت در برابر بی‌عدالتی

بدون شک، ورزشکاری که به پیروزی در المپیک دست می‌یابد، نه تنها برای خود، بل که برای کل جامعه‌اش به نماد استقامت در برابر سختی‌ها و چالش‌ها تبدیل می‌شود. هزاره‌ها که در افغانستان با تبعیض گسترده و نظام‌مند، خشونت و تهدید سیستماتیک، حذف فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو بوده‌اند، پیروزی ذکيه خدادادی، باید به نمادی از توانایی و پتانسیل‌های بالقوه‌ی این جامعه در غلبه و دورزدن موانع ایجادشده بررسی و بازخوانی شود؛ یعنی توانایی، پشت‌کار، برنامه‌ریزی معطوف به هدف و اعتمادبه‌نفس ذکيه خدادادی به عنوان الگوی قابل تعمیم در برنامه‌ریزی آینده‌ی هر جوان و نوجوان هزاره، به یک اولویت بدل شود؛ اما متأسفانه این طور نیست. مثلاً فرانسه و شهروندان این کشور، در این چند روز تا توانستند از ذکيه خدادادی تقدیر کردند؛ از تلویزیون ملی تا فدراسیون‌های ورزشی محلی؛ ولی انجمن‌های فرهنگی افغانستانی‌ها که در هر شهر مثل قارچ روییده، به جز عزاداری در محرم، هنر دیگری ندارند؛ حتی در ذهن شان خطور نکرد که یک روز آخر هفته، جمع شوند و از ذکيه که کمی برای ما ابرو خرید، قدر دانی کنند.

پیامی که از طریق یک «زبان مشترک» یعنی ورزش منتقل می‌شود، بسیار قدرتمندتر از پیام اعتراض‌های سنتی است؛ البته می‌دانیم ورزش تنها زبان مشترک نیست. سینما، موسیقی، نقاشی و هر حوزه‌ی هنری، زبان مشترک خود را دارد؛ چون بحث ما درخشش ذکيه هست، می‌گوییم ورزش.

یک تظاهرات، ممکن است برای مدتی کوتاه توجه‌ها را جلب کند، اما اغلب به عنوان یک اقدام سیاسی دیده می‌شود که ممکن است نظرها را دوقطبی کند. در مقابل، ورزش الهام‌بخش است، اتحاد و هم‌بستگی ایجاد می‌کند؛ یعنی داستان یک ورزشکار هزاره که در صحنه‌ی بین‌المللی پیروز شده، به عنوان الگویی از مقاومت و شجاعت در برابر سرکوب تلقی می‌شود که هم‌دلی عمومی را به هم‌راه دارد. این پیام، به سختی قابل نادیده‌گرفتن است؛ زیرا غیرسیاسی، جهان‌شمول و از طریق یک پلتفرم بین‌المللی مطرح می‌شود.

## ۳: قدرت نرم به عنوان ابزاری برای تقویت صدای هزاره‌ها

در دهه‌ی نود میلادی، زمانی که حزب وحدت در پیداکردن یک خبرنگار خارجی ناکام می‌ماند، در همان روزها جغرافی‌دانی سیاسی آمریکایی که در مقدمه از او نام بردیم، به این فکر می‌کرد که آیا نمونه یا مدل‌های دیگر قدرت، غیر از قدرت نظامی، وجود دارد که بتوان با به‌کارگیری آن بر دیگران اثر گذاشت؟ جواب بله بود. شکل ظریف‌تری از قدرت وجود دارد که استوار بر نفوذ و توسعه‌ی فرهنگی، ارزش‌های سیاسی و دیپلماسی است و او آن را

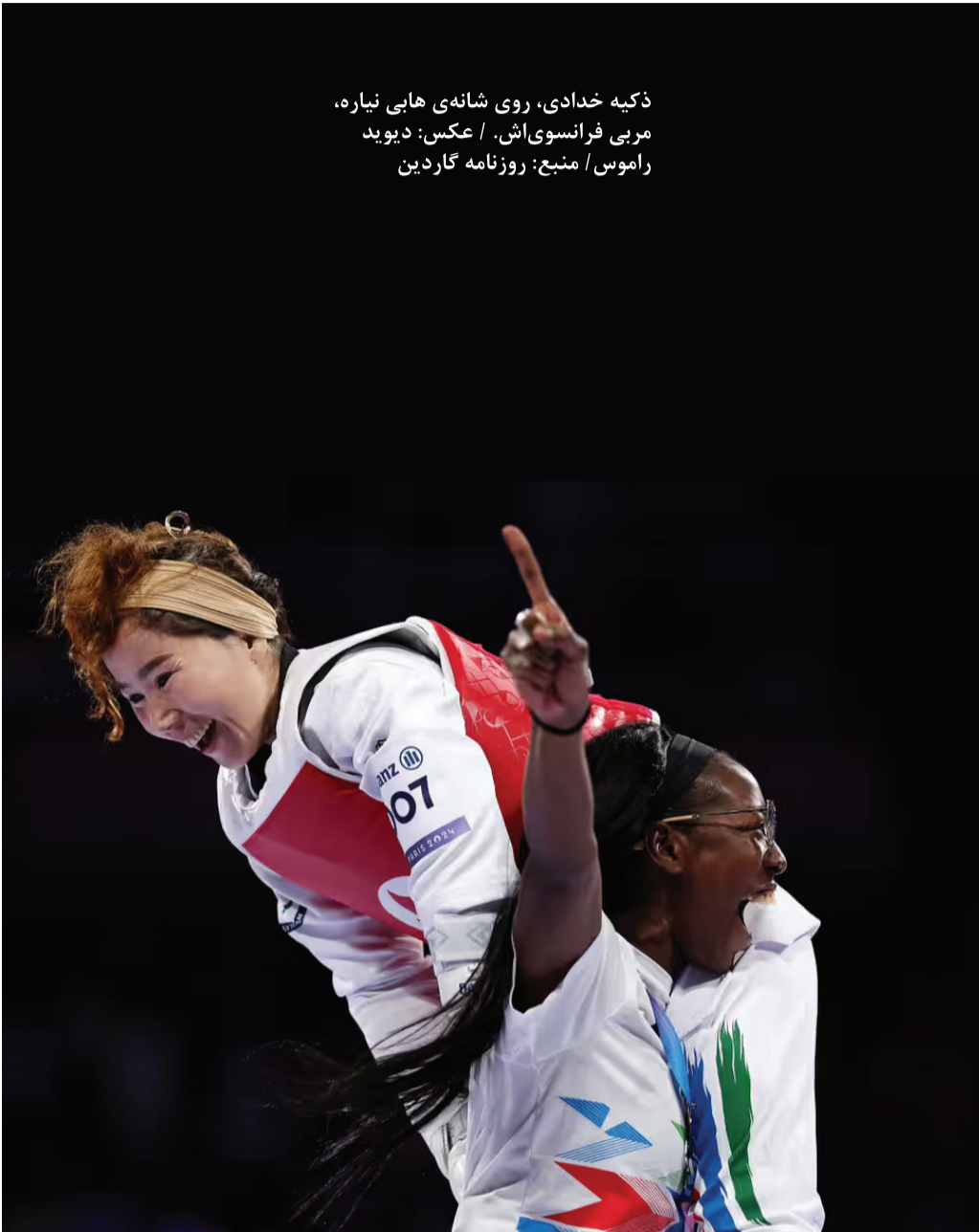
«قدرت نرم» نامید؛ در مقابل «قدرت سخت» که قدرت نظامی باشد. او، با کمک این مفهوم، سعی کرد توضیح دهد که چه گونه یک گروه، یک اجتماع و یک کشور، می‌تواند بدون استفاده از زور یا اجبار، از طریق فرهنگ، ایده‌ها و نهادها، توجه سایر گروه‌ها، کشورها یا بازی‌گران بین‌المللی جلب کرده و متقاعد شان کند. ورزش یکی از این مدل‌هاست. وقتی این الگو را در کانتیکست یا شرایط اجتماعی هزاره‌ها بررسی کنیم، می‌بینیم این مثال خیلی گویا و خوانا است؛ یعنی فرصت‌هایی مثل پیروزی ورزشی ذکيه خدادادی، می‌تواند مثل یک کاتالیزور در تقویت صدای بی‌پناهی انسان هزاره در مقیاس بین‌المللی عمل کند. تا حدودی این طور هم شد. کافی است به کامنت‌ها، پیام‌ها و اظهارنظرهای مخاطبان خارجی در پروفایل شخصی ذکيه یا کانال‌های یوتیوب تلویزیون‌هایی که با او مصاحبه کرده، نگاه کنید. موفقیت او در بازی‌های المپیک در جلب توجه رسانه‌ها و احتمالاً سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری راجع به وضعیت بحرانی جامعه‌اش و پناهندگان فوق‌العاده بود. حالا شما این را مقایسه کنید با تلاش‌های حزب وحدت یا اعتراض‌هایی که ما در این چند سال این جا و آن جا انجام داده‌ایم.

در سوی دیگر، اعتراض‌ها و درخواست‌های سیاسی در قالب تظاهرات و گردهم‌آیی‌ها، بیش‌تر وقت‌ها به عنوان یک رخداد اعتراضی جدا، ایزوله و منزوی فهمیده می‌شود؛ در حالی که موفقیت یک ورزشکار غیرقابل انکار است. این موفقیت، بر اساس شایستگی و تلاش شخصی بنا شده، نه بر اساس ادعاهای سیاسی. به این معنا که یک رخداد ورزشی یا هنری به عنوان یک «قدرت نرم»، می‌تواند علاقه‌مندی طولانی‌مدت‌تری به موضوع هزاره‌ها ایجاد کند و مبارزه‌ی آن‌ها را از طریق یک چهره‌ی شناخته‌شده و الهام‌بخش «انسان‌سازی» کند یا انسانی جلوه دهد. پوشش رسانه‌ای این پیروزی، تأثیری بسیار گسترده‌تر از اعتراض‌هایی خواهد داشت که معمولاً به یک مخاطب خاص محدود می‌شوند.

## ۴: گیرایی یا اثرگذاری الگوهای موفقیت در افکار عمومی

موفقیت‌های فردی، به ویژه از سوی اقلیت‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده یا تحت سرکوب، قدرت بازتعریف تصویری دارد؛ یعنی پنداشت یا تصویری که دنیا از این اقلیت‌ها دارد، ناگهان تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، زمانی که فردی، یا افرادی از گروه‌های تاریخی تحت سرکوب، به قله‌های موفقیت می‌رسند، تمام کلیشه‌ها و تصورات قالبی در افکار عمومی را نسبت به خود شان

ذکيه خدادادی، روی شانه‌ی هابی نیاره، مربی فرانسوی‌اش. / عکس: دیوید راموس / منبع: روزنامه گاردین



به چالش می‌کشند. پیروزی یک ورزشکار زن هزاره نیز، همین اثرگذاری را در افکار عمومی دارد. او، به ایجاد این تصویر کمک می‌کند که هزاره‌ها دیگر تنها به عنوان قربانیان ظلم دیده نشوند، بل که به عنوان افرادی دیده شوند که با وجود مشکلات و موانع ایجادشده و سازمان‌دهی شده، قادر اند و بلدند تا سکوی المپیک یا دیگر سکوهایی موفقیت خود شان را برسانند؛ چیزی که در دنیا خریدار دارد. جهان به انسان‌هایی که تسلیم می‌شوند، توجهی نمی‌کند؛ بل که کسانی را می‌ستاید که در برابر سختی‌ها ایستادگی می‌کنند و از دل رنج‌ها، راهی برای پیش‌رفت و نوآوری جست‌وجو می‌کنند. دنیا از کسانی که توانایی تغییر شرایط را دارند و برای مشکلات راه‌حل‌های خلاقانه می‌یابند، الگو می‌گیرد. جهان شما را نه به خاطر رنج‌ها، بل که به خاطر مهارت تان در عبور از آن‌ها ستایش خواهند کرد.

در بُعد داخلی، موفقیت‌هایی مانند پیروزی ذکيه خدادادی، تأثیر چشم‌گیری بر خود جامعه‌ی هزاره خواهد داشت. برای جوانان هزاره، که اغلب با تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های مختلف روبه‌رو هستند، چنین موفقیتی، می‌تواند یک الگوی فوق‌العاده الهام‌بخش باشد. دیدن فردی از جامعه‌ی خود، از مردم خود که در صحنه بین‌المللی چون ذکيه درخشیده، آن‌ها را تشویق می‌کند تا دنبال رؤیاهای خود برونند، برای آرزوهای شان بجنگند و برای دستیابی به جایگاهی برابر، به راه‌های حل مختلف و متفاوت بیندیشند.

## نتیجه‌گیری

تلاش و برنامه‌ریزی برای تکثیر الگوهای موفقیت چون ذکيه خدادادی، در بلندمدت، جامعه‌ی هزاره را به «قدرت نرم» مجهز می‌کند. از درخشش این الگوها در صحنه‌های بین‌المللی مانند بازی‌های المپیک، می‌توان برای جلب توجه رسانه‌های بین‌المللی نسبت به وضعیت هزاره‌ها در افغانستان استفاده کرد؛ یعنی هم‌زمان که پیامی از مقاومت، امید و الهام را به مردم دنیا منتقل می‌کنیم، به ابزاری مجهزیم که بسیار اثرگذارتر از اعتراض‌های سنتی هزاره‌های بیرون از افغانستان عمل می‌کند. این‌ها قادرند، از یک سو، ذهنیت مسلط اجتماعی و سنتی جامعه‌ی خودش را شست‌وشو دهند و از سوی دیگر، کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌های قالب‌شده راجع به جامعه و مردم خودش را به چالش بکشند. با تولید الگوهای چون ذکيه خدادادی، هزاره‌ها می‌توانند هم دنیا را در حمایت از خود متقاعد کنند و هم جامعه‌ی هزاره را به باور به توانایی خود در غلبه بر موانع و مشکلات، تشویق کرده و انگیزه‌دهند.



تصویری از ذکيه خدادادی پس از پیروزی تاریخی او بر روی ساختمانی در پاریس به نمایش گذاشته شد. عکس: دیوید راموس / منبع: روزنامه گاردین



## ذکيه خدادادی به عنوان نخستین مدال آور تیم پارالمپیک پناهندگان تاریخ ساز شد

منبع: روزنامه‌ی گاردین  
برگردان: جاده‌ی ابریشم



«ذکيه جادویی بوده است.» نیا ره گفت: «می‌دانم چه گونه آن را بیان کنم. «فرایند آموزشی چالش برانگیز بوده است. او، با آسیب‌های زیادی روبه‌رو شد و باید در چند سال چیزهای زیادی یاد می‌گرفت؛ اما هرگز هدف خود را از دست نداد.»

خدادادی مدال خود را از دست فیلیپو گراندی، کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و اندرو پارسونز، رییس کمیته‌ی بین‌المللی پارالمپیک دریافت کرد. پارسونز گفت: «برای تیم پارالمپیک پناهندگان، فوق‌العاده خاص است، بسیار مهم است. ذکيه به دنیا نشان داد که چه اندازه خوب است. این یک سفر باورنکردنی است، این چیزی است که همه‌ی ما باید در مورد آن بیاموزیم.»

قبل از شروع بازی‌ها در این هفته، خدادادی در باره‌ی افتخار خود به نمایندگی از پناهندگان، گفت: «من واقعا خوش‌حالم و آماده‌ام تا نماینده‌ی تیم پناهندگان باشم؛ زیرا در فرانسه پناهنده‌ام. امیدوارم همه‌ی ما بتوانیم مدالی بگیریم تا نشان دهیم چه اندازه افتخار می‌کنیم.» او افزود: «ما باید به مردم بفهمانیم که پناهندگان حق پناهندگی دارند و به دلیل وضعیتی که در آن قرار دارند، مجبور به ترک کشورهای خود هستند. ما باید به مردم بفهمانیم که بر پناهندگان چه می‌گذرد.»

خدادادی که بدون یک ساعد به دنیا آمده، تمرین تکواندو را در ۱۱ سالگی در یک سالن ورزشی مخفی در زادگاهش در هرات در غرب افغانستان، آغاز کرد. او که پس از بازگشت طالبان به قدرت در ۲۰۲۱، از رقابت منع شده بود، پس از درخواست نامیدکننده در یک نوار ویدیویی، از افغانستان تخلیه شد. خدادادی پس از درخواست جامعه‌ی بین‌المللی، اجازه یافت برای کشورش در المپیک توکیو شرکت کند. پس از این رقابت، خدادادی در پاریس ماندگار شد و بعداً به او این فرصت پیشنهاد شد تا با تیم پناهندگان در پارالمپیک ۲۰۲۴ که در شهر اصلی او برگزار می‌شد، رقابت کند. روز پنج‌شنبه، جمعیت گرندپالیس (Grand Palais) او را طوری تشویق کرد که گویا یکی از خود شان است.

خدادادی از زمان فرار از افغانستان، در اینسپ، انستیتوت ملی ورزش فرانسه، در پاریس با هابی نیا، مربی فرانسه‌ای خود، که قهرمان سابق تکواندوی جهان است، تمرین می‌کند.

خدادادی در رابطه به مدالی که به دست آورده، گفت: «این مدال برای من همه چیز است، آن روز را هرگز فراموش نمی‌کنم. من به دلیل حمایت بزرگی که از سوی جمعیت داشتیم، برنده شدم.»

ذکيه خدادادی، تکواندوکار افغانستانی، پنج‌شنبه‌ی هفته گذشته، در رقابت‌های پارالمپیک پاریس، نخستین مدال آور تیم پارالمپیک پناهندگان شد.

خدادادی که در ۲۰۲۱ در بازی‌های توکیو برای افغانستان شرکت کرد، در وزن زیر ۴۷ کیلوگرم زنان، به مدال برنز دست یافت. او، پس از عقب‌نشینی حریف برنامه‌ریزی‌شده‌ی بعدی، نائوال لاریف از مراکش و اکیچی نورچیها از ترکیه را در رقابتی که عملاً یک مدال برنز بود، شکست داد.

هنگامی که زنگ پایانی در کاخ بزرگ به صدا در آمد، خدادادی از خوش‌حالی فریاد زد و کلاه ایمنی و محافظ دهان خود را به هوا پرتاب کرد. خدادادی در حالی که صدایش از احساس می‌لرزید، گفت: «لحظه‌ای سوریال بود؛ وقتی فهمیدم برنز گرفته‌ام، قلبم شروع به تپیدن کرد.» این جوان ۲۵ساله، افزود: «برای رسیدن به این جا، خیلی چیزها را پشت سر گذاشتیم. این مدال برای همه زنان افغانستانی و همه پناهندگان جهان است. امیدوارم روزی در کشورم صلح برقرار شود.»

## افتخاری برای تاریخ: ذکيه خدادادی مدال برنز پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس را به دست آورد

این، اولین مدال رشته پارالمپیک برای افغانستان است که ذکيه خدادادی به دست می‌آورد، آن هم در شرایطی که زنان و دختران زادگاهش در اسارت طالبان به سر می‌برند و از تمام آزادی‌ها و حقوق انسانی‌شان محروم‌اند. او هم اگر از افغانستان خارج نشده بود، اکنون، مانند میلیون‌ها دختر و زن افغانستانی، نه حق ورزش داشت و نه حق اشتراک در المپیک ۲۰۲۴ پاریس و نه حق تعلیم و تحصیل و نه حق کار و سیر و سیاحت. او باید در خانه می‌ماند و رنج می‌کشید.

ذکيه خدادادی در افتتاحیه بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس، مشعل المپیک را نیز حمل کرد و به نمایندگی از میلیون‌ها پناهنده افغانستانی در پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس، در رشته پارالتکواندو شرکت کرد.

از زمانی که او در فرانسه ساکن شده است، این دومین افتخاری است که به دست می‌آورد. سال گذشته، قهرمان پارالتکواندوی ۲۰۲۳ اروپا نیز شد و شادی و لبخند را بر لبان خسته مردم افغانستان به ارمغان آورد.

جاده‌ی ابریشم: سرانجام، ذکيه خدادادی، پارالتکواندوکار اهل افغانستان و عضو تیم پناهندگان فرانسه، مدال برنز پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس را به دست آورد و پیروزی تاریخی‌ای را برای تیم پناهندگان فرانسه و برای زنان افغانستان رقم زد.

او روز پنج‌شنبه، ۸ سنبله ۱۴۰۳. برابر با ۲۹ اگست ۲۰۲۴م. در وزن منفی ۴۷ کیلوگرم، با رقیب‌هایی از کشورهای کوبا، ازبکستان، ترکیه و مراکش روبه‌رو شد. اولین مبارزه او با حریف کوبایی‌اش بود که با نتیجه ۲۱ بر ۱۱ او را از پیش رو برداشت. سپس، با حریف ازبکستانی‌اش روبه‌رو شد و با نتیجه ۳ بر ۰، از او شکست خورد. در مبارزه بعدی، در برابر حریف ترکی‌اش قرار گرفت و با نتیجه ۹ بر ۱ او را شکست داد و به فینال این رقابت‌ها راه پیدا کرد.

در فینال هم باید با حریف مراکشی‌اش روبه‌رو می‌شد؛ اما حریف مراکشی او به دلیل مصدومیت، حاضر به رقابت نشد و بدین‌سان، ذکيه خدادادی، برنده مدال برنز رقابت‌های پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس شد.



gettyimages  
Credit: Steph Chambers

## چهار کشور خواهان مجازات طالبان در دادگاه بین‌المللی لاهه شد

عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با طالبان استند، خواهد داشت.

دیدبان حقوق بشر نیز، در پی اعلام وزیران خارجه‌ی کانادا، آلمان، استرالیا و هلند برای پاسخ‌گو کردن طالبان به دلیل نقض حقوق بشر و کنوانسیون منع همه اشکال خشونت علیه زنان، گفته که این تصمیم ممکن است آغاز مسیری برای تأمین عدالت در دادگاه جهانی برای نقض فاحش حقوق زنان و دختران افغانستانی توسط طالبان باشد.

فرشته عباسی، پژوهش‌گر بخش افغانستان در دیدبان حقوق بشر، از دیگر دولت‌ها نیز خواسته که به حمایت از زنان و دختران افغانستانی بیوندند و از تصمیم کشورهای که خواهان پاسخ‌گویی طالبان در دادگاه بین‌المللی عدالت شده‌اند، حمایت کنند.

جنبش فانوس آزادی زنان افغانستان، از جنبش‌های معترض زنان، با حمایت از اقدام آلمان، استرالیا، کانادا و هلند برای به دادگاه کشاندن طالبان، آن را گامی ارزشمند در راستای پایان دادن به نقض سیستماتیک حقوق زنان در افغانستان و تلاش برای برقراری عدالت دانسته‌اند.

معترضان در این جنبش، گفته‌اند که طالبان با محروم ساختن زنان از حق تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی، حقوق اولیه‌ی انسانی آن‌ها را نقض کرده و به طور گسترده‌ای مانع پیشرفت و داشتن زندگی مستقل برای آن‌ها شده است. این زنان هم‌چنان گفته‌اند: «از نهادهای بین‌المللی می‌خواهیم که اقدام‌های قاطع و مؤثری را برای مقابله با آپارتاید جنسیتی طالبان و احیای حقوق زنان و دختران افغانستانی روی دست گیرند. از طریق پیگرد قانونی و مجازات مسئولان این جنایت‌ها، باید اعتماد مردم به نظم حقوقی جهانی و عدالت بازسازی شود.»

این در حالی است که طالبان، بارها بحث حقوق زنان را جزو مسائل داخلی افغانستان عنوان کرده و از جامعه‌ی جهانی خواسته‌اند که از اظهارنظر در این مورد خودداری کنند.



فرمان، محدودیت‌های زیادی را بر زنان وضع کرده که به طور کلی، تعهدات افغانستان نسبت به کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زنان را نقض می‌کند.

طرفداران تصمیم گشایش پرونده بر علیه طالبان در دادگاه بین‌المللی عدالت، استدلال می‌کنند که اگر طالبان از تصدیق صلاحیت دادگاه امتناع ورزند، با آن هم حکم این دادگاه اثر بازدارنده‌ای بر سایر کشورهای که به دنبال

این پرونده بر اساس «کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زنان» که در ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی تصویب و در ۱۹۸۱ اجرایی شد، اتخاذ شده است.

افغانستان در ۲۰۰۳ به کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زنان پیوست و تا قبل از سقوط جمهوری، به آن متعهد بوده است. طالبان در بیش‌تر از سه سال گذشته، با صدور ده‌ها

۵ میزان ۱۴۰۳  
جاده‌ی ابریشم: قرار است کانادا، آلمان، استرالیا و هلند در اقدامی پیش‌گیرانه، طالبان را به دلیل تبعیض جنسیتی در افغانستان، به دادگاه بین‌المللی دادگستری بکشانند. گاردین، روز گذشته چهارشنبه، ۴ جوزا، در گزارشی گفته که این چهار کشور، در مجمع عمومی سازمان ملل این تصمیم‌شان را اعلام کردند.

هفته شامه



یادنامه ای یادرفندگان

● سال هشتم ● شماره ۲۰۳ ● دوشنبه ۲۳ میزان ۱۴۰۳  
● Monday ● Oct 14, 2024

– افتخاری برای تاریخ؛  
ذکيه خدادادی مدال برنز  
پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس را  
به دست آورد  
(ص ۲۴)

– ذکيه خدادادی به  
عنوان نخستین مدال آور  
تیم پارالمپیک پناهندگان  
تاریخ ساز شد  
(ص ۲۴)

– درخشش ذکيه  
خدادادی: الگوی  
قدرت نرم برای جلب  
توجه جهان به وضعیت  
هزاره‌ها؟  
(ص ۲۳)

جاده ابریشم

**Editor-in-Chief:** Mohammad Jan Ahmady  
**Email:** info@jade-abresham.com  
**Chief in Editor:** khaliq Ebrahimi  
**Email:** khaliq.ebrahimi@gmail.com  
**Human Rights:** Arif Wafayee  
**History and society:** Mohammad Anwer Rahimi  
**Culture:** Ruhullah Kazemi, PHD in Islamic Philosophy

**literature:** Asmat Eltaf  
**English Section Senior Editor:** Mohammad Sakhi Rezaie  
**Designer:** Musa Atbin  
**Email:** m.alive745@gmail.com  
**Women section:** Adela Azin Nazari, Benazir Taherian

**فرهنگ:** دکتر روح الله کاظمی  
**سیاست:** اسحاق جويا  
**مترجم انگلیسی:** محمد سخی رضایی  
**صفحه آرا:** موسی آتبین  
**زنان:** بی نظیر طاهریان، عادلہ آذین نظری

**صاحب امتیاز و مدیر مسوول:** محمد جان احمدی  
**ایمیل:** info@jade-abresham.com  
**سر دبیر:** خالق ابراهیمی  
**حقوق بشر:** عارف وفايي  
**جامعه و تاریخ:** محمد انور رحيمي  
**ادبیات:** عصمت الطاف